دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی تبلیغی و رسانه‌های نوین
گروه تولید محتوا

ره‌توشه

فصلنامه علمی ـ تخصصی ویژه مبلغان

پاییز ۱۴۰۵ ▪ فاطمیه ۱۴۴۸ هـ. ق ▪ شماره ۲۷

دین اخلاق‌پرور در مکتب فاطمی؛ بازخوانی خطبهٔ فدکیه با محوریت اخلاق‌پروری / دکتر محمدعلی مبینی

زندگی قرآنی حضرت زهرا علیهاالسلام / علی خادمی

خطبهٔ فدک یا خطبه ولایت؟ / محمدهادی یعسوبی

پرچم‌داری بانوان با الگوگیری از حضرت زهرا علیهاالسلام / مرتضی غرسبان روزبهان

الگوی کنشگری اجتماعی زنان در سیرهٔ حضرت فاطمه علیهاالسلام / محمدحسین افشاری کرمانی

خانوادهٔ فاطمی؛ الگوی عملی تحکیم خانواده در اسلام / راضیه مرزانی

نقش حضرت زهرا (س) در جنگ و جهاد / سیدمحمدعلی ذکری

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی تبلیغی و رسانه‌های نوین
گروه تولید محتوا

بسم الله الرحمن الرحیم

ره‌توشه
فصلنامه علمی ـ تخصصی ویژه مبلغان
پاییز ۱۴۰۵ ـ فاطمیه ۱۴۴۸ ـ شماره ۲۷

صاحب امتیاز:	معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
مدیر مسؤول:	سعید روستاآزاد
سردبیر:	مصطفی آزادیان
کارشناس اجرایی:	اکبر اسماعیل‌پور

نشریه «ره‌توشه» بر اساس پروانه انتشار به شماره ثبت ۸۶۲۴۴ تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۵ معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان فصلنامه تخصصی منتشر می‌شود.

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)	
عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی	استاد سطح عالی حوزه علمیه قم
علی خادمی	استاد سطح عالی حوزه علمیه قم
ناصر رفیعی‌محمدی	عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه
سعید روستا آزاد	عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
عیسی عیسی‌زاده	عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
میرتقی قادری	استاد سطح عالی حوزه علمیه قم
علی نظری منفرد	استاد سطح عالی حوزه علمیه قم

ویراستار:	مرتضی غلامی
چاپ:	مؤسسه بوستان کتاب

ISSN: 2980-8804 (Print)
ISSN: 2821-2797 (Online)

آدرس:	**قم، چهارراه شهدا، معاونت فرهنگی و تبلیغی، طبقه اول، گروه تولید محتوا** **کدپستی: ۳۷۱۵۷۹۱۸۱۱**
تلفن:	**۰۲۵ ـ ۳۱۱۵۲۰۹۸**
پایگاه اینترنتی:	**http://rahtoosheh.dte.ir**
پست الکترونیک:	**tabligh@dte.ir**

شمارگان:	**۱۰ نسخه**
قیمت:	**۱۵۰۰۰۰ تومان**

امام خمینی(قدس سرّه):

«اگر یک روحانی پایش را کج بگذارد می‌گویند: «روحانیین این طورند»، نمی‌گویند فلان آدم... اگر یک روحانی خدای نخواسته، یک خطایی بکند، این طور الآن وضع شده است که می‌گویند روحانیون این جوری‌اند. مسئولیت، یک مسئولیت بزرگی است که یکی اگر پایش را غلط بگذارد این طور نیست که پای خودش حساب بشود، پای روحانیت اسلام حساب می‌شود، شکست روحانیتِ اسلام است. از این جهت هر خطایی که از ما و شما آقایان خدای نخواسته، تحقق پیدا بکند... پای همه حساب می‌شود؛ حتی آن طلبه‌ای که در مدرسه دارد درس می‌خواند، آن هم وقتی که یک خطایی بکند پای خودش حساب نمی‌شود، پای دیگران هم حساب می‌کنند. مسئولیت بسیار بزرگ است.»

بیانات در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی، ۱۶/۲/۱۳۶۴

رهبر معظم انقلاب اسلامی(مد ظله العالی):

«ما در محیط اجتماعی و محیط زندگی چطور می‌توانیم دل مردم را به منشأ گفتار خودمان مطمئن کنیم و اعتماد آنها را برانگیزیم؛ درحالیکه از مذمتِ شهوات دنیوی حرف می‌زنیم و در عمل خدای نکرده خودمان طور دیگری عمل می‌کنیم! از مذمت دل‌سپردن به پول و حرکت‌کردن و مجاهدت‌کردن در راه زیاده‌خواهی‌های دنیوی حرف بزنیم؛ اما عمل ما طور دیگری باشد! چطور چنین چیزی ممکن است اثر بکند؟! یا اثر اصلاً نمی‌کند، یا اثرِ زودگذر می‌کند، یا اثری می‌کند که بعد با کشف واقعیتِ کار ما، درست به ضد اثر تبدیل می‌شود. بنابراین، عمل بسیار مهم است.»

بیانات در دیدار روحانیان و مبلّغان، ۱/۵/۱۳۸٤

فهرست مطالب

دین اخلاق‌پرور در مکتب فاطمی؛ بازخوانی خطبهٔ فدکیه با محوریت اخلاق‌پروری ۵
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی مبینی

زندگی قرآنی حضرت زهراسلام‌الله علیها ۱۷
حجت‌الاسلام والمسلمین علی خادمی

خطبهٔ فدک یا خطبه ولایت؟ ۳۱
حجت‌الاسلام والمسلمین محمدهادی یعسوبی

پرچم‌داری بانوان با الگوگیری از حضرت زهرا سلام‌الله علیها ۴۵
حجت‌الاسلام والمسلمین مرتضی غرسبان روزبهانی

الگوی کنشگری اجتماعی زنان در سیرهٔ حضرت فاطمه سلام الله علیها ۵۵
حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسین افشاری کرمانی

خانوادهٔ فاطمی؛ الگوی عملی تحکیم خانواده در اسلام ۶۹
راضیه مرزانی

نقش حضرت زهراسلام‌الله علیها در جنگ و جهاد ۸۱
سیدمحمدعلی ذکری

فصلنامه علمی ـ تخصصی ویژه مبلغان
پاییز ۱۴۰۵ ـ فاطمیه ۱۴۴۸ ـ شماره ۲۷

دین اخلاق‌پرور در مکتب فاطمی؛ بازخوانی خطبهٔ فدکیه با محوریت اخلاق‌پروری

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی مبینی*

چکیده

این نوشتار با تکیه بر «خطبهٔ فدکیه» حضرت زهرا علیها السلام، به تبیین یکی از ویژگی‌های مهم دین در مکتب فاطمی، یعنی اخلاق‌پروری و تربیت انسان می‌پردازد. در این نگاه، عبادات در منظومه فاطمی تنها مجموعه‌ای از تکالیف نیستند، بلکه باید در اصلاح نفس و رفتار انسان اثرگذار باشند. بر این اساس، میان انجام عبادت و اثرپذیری از عبادت تمایز گذاشته می‌شود. در این نوشتار از «دینداری بی‌تفاوت به اخلاق» سخن خواهیم گفت؛ یعنی نوعی دینداری که عبادات در آن انجام می‌شود،؛ اما آثار تربیتی آنها در رفتار و روابط انسان دنبال نمی‌شود. حاصل این نوشتار «ارائه یک معیار فاطمی برای خودسنجی دینداری است»: اینکه آنچه به نام دین انجام می‌دهیم، تا چه اندازه در اخلاق، رفتار و مسئولیت‌پذیری ما اثر گذاشته است؟

کلید واژه‌ها: مکتب فاطمی، خطبهٔ فدکیه، اخلاق‌پروری، دینداری و تربیت اخلاقی، خودسنجی دینداری.

---

* عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

دین قرار است با ما چه کند؟

یکی از پرسش‌هایی که در ایام فاطمیه می‌تواند ما را از سطح عادت و تکرار به عمق معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام ببرد، این است که دین قرار است با انسان چه کند؟ ما نماز می‌خوانیم، روزه می‌گیریم، صدقه و زکات می‌دهیم، قرآن می‌خوانیم و در مجالس اهل‌بیت علیهم‌السلام حاضر می‌شویم؛ اما باید پرسید این اعمال چه آثاری باید در ما داشته باشند؟

دین، انسان را به انجام تکالیف فرامی‌خواند؛ اما تکلیف در منطق دین از تربیت و اصلاح انسان جدا نیست. عبادات در مسیر ساختن و رشد انسان قرار دارند و قرار است نسبت آدمی را با خدا، خودش و دیگران اصلاح کنند. بنابراین اگر عبادتی از نظر تکلیف انجام شده باشد، اما آثار تربیتی آن هنوز در شخصیت انسان به اندازهٔ انتظار ظهور نکرده باشد، نمی‌توان گفت همهٔ آنچه از این عبادت انتظار می‌رود، تحقق یافته است. ممکن است صورت تکلیف انجام شده باشد؛ اما انسان هنوز به حقیقت تربیتی آن راه نیافته یا آن را چنان‌که باید در زندگی خود محقق نکرده باشد.

«خطبهٔ فدکیهٔ» حضرت زهرا علیهاالسلام از متونی است که نسبت میان تکالیف الهی و ساخته‌شدن انسان را به‌روشنی پیش‌روی ما می‌گذارد. حضرت پس از بیان معارف توحیدی و جایگاه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، هنگامی که به احکام و معارف الهی می‌رسند، برای آنها آثار و حکمت‌هایی تربیتی و اجتماعی بیان می‌کنند:

فَجَعَلَ اللَّهُ الإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ، وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ، وَالزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ وَنَمَاءً فِي الرِّزْقِ، وَالصِّيَامَ تَثْبِيتاً لِلإِخْلَاصِ، وَالْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ، وَالْعَدْلَ تَنْسِيقاً لِلْقُلُوبِ، وَطَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَإِمَامَتَنَا أَمَاناً مِنَ الْفُرْقَةِ... .[1]

در همین چند جمله به‌خوبی نسبت میان دین و تربیت انسان دیده می‌شود: ایمان با تطهیر از شرک، نماز با دوری از کبر، زکات با تزکیه نفس، روزه با تثبیت اخلاص و عدالت با هماهنگی دل‌ها پیوند خورده است. حضرت فقط از خود احکام سخن نمی‌گویند، بلکه به این نیز توجه می‌دهند که این احکام قرار است چه چیزی در انسان و جامعه به وجود آورند.

از این فرازها می‌توان دریافت که اسلام، دینی اخلاق‌پرور است؛ یعنی دینداری باید به رشد

---

۱. احمد بن ابی‌طاهر ابن‌طیفور، بلاغات النساء، ص ۲۳؛ احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۱، ص ۹۹.

اخلاقی انسان و اصلاح رفتار او بینجامد. اگر این پیوند فراموش شود، ممکن است عبادت انجام شود؛ اما آثار تربیتی آن در رفتار و شخصیت انسان به اندازه‌ای که انتظار می‌رود ظهور نکند. در این حالت، با نوعی دینداری روبرو هستیم که در برابر اخلاق بی‌توجه شده است؛ نه از آن حیث که عبادت بی‌ارزش یا باطل است، بلکه بر این اساس که اثر تربیتی آن در زندگی انسان دنبال نشده یا هنوز به اندازه کافی در شخصیت او آشکار نشده است.

اما اگر این فاصله بیشتر شود و انسان از دین برای توجیه رفتارهای نادرست خود استفاده کند، مسئله جدی‌تر می‌شود. ممکن است کسی به سبب دینداری خود احساس برتری کند، دیگران را تحقیر کند، برای خود حقی فراتر از دیگران قائل شود یا حتی ظلم خود را با توجیهات دینی بپوشاند. اینجا دیگر فقط با بی‌توجهی به اخلاق مواجه نیستیم، بلکه با وضعیتی روبرو هستیم که می‌توان آن را «دینداری اخلاق‌سوز» نامید؛ یعنی دینداری که به جای آنکه انسان را به تواضع، عدالت و رعایت حق نزدیک کند، برخی نشانه‌ها و مفاهیم دینی را در خدمت رفتارهای غیراخلاقی قرار می‌دهد.

بنابراین دغدغه ما در دینداری باید این باشد که آنچه به نام دین انجام می‌دهیم، در درون و بیرون ما چه آثار مثبتی ایجاد می‌کند. از همین‌جا می‌توان به کلام حضرت زهرا علیها السلام پناه برد تا ببینیم آنچه حضرت درباره آثار ایمان، نماز، روزه، زکات و عدالت بیان می‌کنند، در زندگی ما چه اندازه تحقق یافته است. اینجا «خطبهٔ فدکیه» برای ما به آینه‌ای برای دیدن کیفیت دینداری خودمان تبدیل می‌شود.

نماز؛ رهایی از کبر

حضرت زهرا علیها السلام در بیان آثار احکام الهی می‌فرمایند: «**وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ**: خداوند نماز را برای دورشدن شما از کبر قرار داد».

نماز، انسان را در برابر خداوند به خضوع و خشوع وامی‌دارد؛ هر روز می‌ایستد، تکبیر می‌گوید، رکوع می‌کند و پیشانی بر خاک می‌گذارد تا حقیقت بندگی را به خود یادآوری کند. بنابراین نماز در درجهٔ نخست باید روحیهٔ استکبار و خودبزرگ‌بینی انسان در برابر خدا و حق را در او تضعیف کند.

خداوند متعال دربارهٔ نماز می‌فرماید: «**وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى**

الْخَاشِعِينَ:[1] از صبر و نماز یاری بجویید؛ و این کار جز بر خاشعان گران و دشوار است».

در این آیه، نماز با خشوع پیوند خورده است. علامه طباطبایی با اشاره به تفاوت «خشوع» و «خضوع» توضیح می‌دهند که خضوع بیشتر در رفتار و حالت ظاهری آشکار می‌شود، اما خشوع با حالت قلب و درون انسان ارتباط دارد؛[2] زیرا نماز تنها مجموعه‌ای از حرکات ظاهری نیست. قیام، رکوع و سجده هنگامی در ساختن انسان اثر عمیق‌تری می‌یابند که دل نیز در برابر عظمت خداوند خاشع شود و انسان در درون خود حقیقت بندگی را تجربه کند.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز در خطبه قاصعه هنگامی که از آثار تربیتی عبادات سخن می‌گویند، می‌فرمایند:

> **وَ عَنْ ذَلِکَ مَا حَرَسَ اللَّهُ عِبَادَهُ الْمُؤْمِنِينَ بِالصَّلَوَاتِ وَ الزَّكَوَاتِ وَ مُجَاهَدَةِ الصِّيَامِ فِي الْأَيَّامِ الْمَفْرُوضَاتِ، تَسْكِيناً لِأَطْرَافِهِمْ، وَ تَخْشِيعاً لِأَبْصَارِهِمْ، وَ تَذْلِيلاً لِنُفُوسِهِمْ، وَ تَخْفِيضاً لِقُلُوبِهِمْ، وَ إِذْهَاباً لِلْخَيَلَاءِ عَنْهُمْ**: خداوند بندگان مؤمن خود را به وسیله نماز، زکات و روزه‌های واجب پاسداری و حفظ کرده است تا اندام‌هایشان آرام گیرد، دیدگانشان خاشع شود، نفس‌هایشان فروتن گردد، دل‌هایشان متواضع شود و خودبزرگ‌بینی از آنان دور شود.

سپس درباره سجده می‌فرمایند: «**وَ لِمَا فِي ذَلِکَ مِنْ تَعْفِيرِ عِتَاقِ الْوُجُوهِ بِالتُّرَابِ تَوَاضُعاً، وَ الْتِصَاقِ كَرَائِمِ الْجَوَارِحِ بِالْأَرْضِ تَصَاغُراً**: در سجده، چهره‌های شریف بر خاک قرار می‌گیرند تا انسان فروتنی کند و اندام‌های گران‌قدر بدن به زمین می‌چسبند تا انسان در برابر خداوند خود را کوچک و فروتن ببیند».

در ادامه می‌فرمایند: «**انْظُرُوا إِلَى مَا فِي هَذِهِ الْأَفْعَالِ مِنْ قَمْعِ نَوَاجِمِ الْفَخْرِ، وَ قَدْعِ طَوَالِعِ الْكِبْرِ**: در این اعمال بنگرید که چگونه سرچشمه‌های فخر و نشانه‌های کبر را در انسان مهار می‌کنند».[3]

پس در منطق فاطمی و علوی، نماز پیش از هر چیز به‌مثابهٔ تمرین بندگی و شکستن استکبار انسان در برابر خداست. اما این تربیت در همین‌جا متوقف نمی‌شود؛ زیرا کسی که خود را بنده خدا می‌داند، باید مراقب باشد که خود را برتر از بندگان او نبیند. در روایتی از امام صادق علیه‌السلام،

---

۱. بقره: ۴۵.

۲. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۵۳، ذیل آیات ۴۵ و ۴۶ سورهٔ «بقره».

۳. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲ (معروف به خطبه قاصعه).

کبر چنین تعریف شده است: «**الْكِبْرُ أَنْ تَغْمِصَ النَّاسَ وَتَسْفَهَ الْحَقَّ**:[1] کبر آن است که مردم را خوار بشماری و حق را سبک بشماری».

بنابراین کبر هم با حق‌ناپذیری ارتباط دارد و هم می‌تواند در تحقیر مردم ظهور کند. نماز با شکستن ریشهٔ این خودبزرگ‌بینی، زمینهٔ چنین تحول اخلاقی را فراهم می‌آورد؛ اما تحقق آن نیازمند توجه انسان به حقیقت عبادت است. ممکن است کسی سال‌ها نماز بخواند، اما آثار تربیتی نماز در شخصیت او هنوز به اندازهٔ انتظار ظهور نکرده باشد. سخن از بطلان نماز نیست، بلکه سخن از عبادتی است که باید در جان انسان اثر تربیتی خود را نشان دهد.

اینجاست که تفاوت میان دینداری اخلاق‌پرور و دینداری بی‌تفاوت به اخلاق روشن می‌شود. در دینداری اخلاق‌پرور، انسان پس از نماز از خود می‌پرسد: آیا این عبادت چیزی از استکبار و خودبزرگ‌بینی من کم کرده است؟ وقتی فرمان خدا با خواسته من تعارض پیدا می‌کند، آیا حق را می‌پذیرم یا بر خواستهٔ خود اصرار می‌کنم؟ آیا در خانه، خود را همیشه برتر از همسر و فرزند می‌بینم یا می‌توانم سخن و حق آنان را بپذیرم؟ آیا در محیط کار، جایگاه خود را دلیل برتری می‌دانم یا برای سخن همکار و زیردست نیز ارزش قائلم؟ وقتی کسی از من انتقاد می‌کند، آیا به‌سرعت خود را برحق می‌دانم یا می‌توانم احتمال خطای خود را بپذیرم؟ نماز اگر انسان را به حقیقت بندگی نزدیک کند، انتظار می‌رود در همین موقعیت‌های ساده نیز از شدت خودبزرگ‌بینی او بکاهد.

روزه؛ استواری اخلاص

حضرت زهرا علیهاالسلام دربارهٔ روزه می‌فرمایند: «**وَالصِّيَامَ تَثْبِيتاً لِلْإِخْلَاصِ**: خداوند روزه را برای استوارکردن اخلاص قرار داد».

نماز، انسان را در برابر خداوند خاشع و خاضع می‌کند؛ اما همین انسان خاشع ممکن است خیلی از اوقات متوجه خودش شود و به نیازهایش توجه کند. روزه تمرین می‌دهد تا در کشاکش نیازها نیز مرکز توجه انسان از خود به سوی خدا جابجا شود. روزه به ما می‌آموزد که نیازها و خواسته‌ها نباید مرکز فرماندهی انسان باشند؛ ازاین‌رو روزه را می‌توان تمرین جابجایی مرکز توجه دانست. گرسنگی و تشنگی، توجه انسان را به سوی نیازهایش می‌کشانند؛ اما روزه به انسان

---

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۱۰، کتاب الإیمان والکفر، باب الکبر، ح ۸.

می‌آموزد که در برابر کشش نیاز و میل، مکث کند و فرمان الهی را بـر پاسـخ فـوری بـه خواسـته مقدم بدارد. نیاز همچنان وجود دارد؛ اما دیگر تنها معیار تصمیم‌گیری نیسـت. انسـان نیـاز دارد، اما نیاز او همه حقیقت او نیسـت؛ چیـزی را می‌خواهـد، امـا هـر خواسـتنی نبایـد بی‌درنـگ بـه انجام‌دادن تبدیل شود.

خداوند متعال دربارهٔ روزه می‌فرمایـد: «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَـى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ**:[1] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما مقرر شـد، همان‌گونـه که بر پیشینیان مقرر شده بود؛ باشد که تقوا پیشه کنید». این آیـه، روزه را بـا تقـوا پیونـد می‌دهـد؛ یعنی انسان در برابر انتخاب‌ها و رفتارهای خود مراقب باشد. روزه یکی از روشن‌ترین تمرین‌های این مراقبت است؛ زیرا انسان در برابر یک نیاز طبیعی قرار می‌گیـرد، امـا می‌آمـوزد کـه هـر نیـاز، فرمان نیست و هر میلی، مجوز عمل نیسـت. گرسـنه اسـت، امـا نمی‌خـورد؛ تشـنه اسـت، امـا نمی‌آشامد؛ چون در این زمـان فرمـان خداونـد بـرای او مقـدم اسـت. از همین‌جـا روزه قـدرت «نه‌گفتن» را در انسان تقویت می‌کند.

بسیاری از خطاهای اخلاقی از جایی آغاز می‌شوند کـه انسـان میـان خواسـتن و انجـام‌دادن فاصله‌ای باقی نمی‌گذارد. چیزی را می‌خواهد و به‌سرعت به سوی آن می‌رود؛ خشمگین می‌شود و فوراً سخن می‌گوید؛ منفعتی می‌بیند و بدون مکث آن را دنبال می‌کند. روزه تمرین می‌دهـد کـه انسان همیشه مجبور نیست به نخستین خواسته‌اش پاسـخ مثبـت بدهـد. می‌توانـد مکـث کنـد، خواسته را ببیند و بپرسد: آیا باید به این خواسته پاسخ بدهم؟ آیا خداوند از من چنین می‌خواهـد؟ روزه در ما این توان را تقویت می‌کند که در تصمیم‌گیری، توجه به فرمان خدا را بر پاسخ فوری بـه خواسته مقدم بداریم.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز در بیان حکمت روزه می‌فرمایند: «وَالصِّـيَامَ ابْـتِلَاءً لِإِخْـلَاصِ الْخَلْـقِ:[2] خداوند روزه را برای آزمودن اخلاص بندگان مقرر کرد». اخلاص در میدان انتخاب خود را نشان می‌دهد؛ آنجا که انسان چیزی را می‌خواهد، اما برای خدا از آن دسـت می‌کشـد؛ نیـاز دارد، امـا برای خدا صبر می‌کند؛ می‌تواند در خلوت کاری انجام دهد، اما چـون خـود را در محضـر خـدا می‌بیند، از آن صرف‌نظر می‌کند.

---

۱. بقره: ۱۸۳.

۲. نهج‌البلاغه، حکمت ۲۵۲.

در دینداری اخلاق‌پرور، انسان فقط نمی‌پرسد: «آیا روزه‌ام را گرفته‌ام؟» بلکه می‌پرسد: «آیا قدرت نه‌گفتن من بیشتر شده است؟» آیا در برابر خواسته‌ای که می‌دانم نادرست است، می‌توانم خودم را نگه دارم؟ آیا وقتی خشمگین می‌شوم، می‌توانم پاسخ فوری ندهم؟ آیا وقتی کسی مرا نمی‌بیند، باز هم به خاطر خدا از کاری که نباید انجام دهم صرف‌نظر می‌کنم؟

روزه در این معنا، فقط عبادتی انجام‌شده نیست؛ تمرینی برای تربیت اراده است. انسان می‌آموزد خواسته را ببیند، اما تسلیم آن نشود؛ نیاز را احساس کند، اما اجازه ندهد نیازش خدا را از مرکز توجه او بیرون ببرد. پس در پایان روزه باید از خود بپرسیم: «آیا در میان نیازها و خواسته‌ها، خدا را از مرکز توجه خارج نمی‌کنم؟» و در کنار آن: «آیا قدرت نه‌گفتن من برای خدا بیشتر شده است؟» اگر چنین باشد، امساک از خوردن و آشامیدن، به استواری اخلاص در زندگی راه پیدا کرده است.

زکات؛ رهایی از دلبستگی به مال

حضرت زهرا علیها السلام دربارهٔ زکات می‌فرمایند: «**وَالزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ وَنَمَاءً فِي الرِّزْقِ**: خداوند زکات را برای تزکیه نفس و فزونی و برکت در روزی قرار داد».

اگر نماز، انسان را هنگام توجه به خدا از موضع کبر به موضع بندگی می‌آورد و روزه به او می‌آموزد هنگام نیاز و خواستن، توجه به خدا را بر توجه به خود مقدم بدارد، زکات مرحله دیگری از همین تربیت است: انسان باید بتواند از چیزی که دارد و دل‌کندن از آن برایش دشوار است، برای خدا بگذرد. روزه نسبت انسان را با «نداشتن و خواستن» تربیت می‌کند و زکات نسبت او را با «داشتن و دل‌بستن». انسان در روزه می‌آموزد هر خواسته‌ای را به‌سرعت دنبال نکند؛ اما در زکات، می‌آموزد هرچه را دارد، لزوماً برای خود نگه ندارد.

بنابراین زکات فقط انتقال بخشی از مال نیست، بلکه تمرین رهاکردن است. انسان مال را دوست دارد، برای به‌دست‌آوردنش تلاش کرده است و به آن احساس تعلق دارد؛ اما زکات به او می‌آموزد که مالکیت نباید به دلبستگی و وابستگی تبدیل شود. خداوند متعال می‌فرماید: «**خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا**:[1] از اموال آنان صدقه‌ای بگیر که به وسیله آن پاکشان سازی و تزکیه‌شان کنی».

---

۱. توبه: ۱۰۳.

پس زکات فقط مال را از انسان جدا نمی‌کند، بلکه می‌تواند بخشی از دلبستگی، حرص و خودمحوری او را نیز کاهش دهد. به همین دلیل در آیهٔ شریفهٔ پیش‌گفته، زکات با تزکیه انسان پیوند خورده است. نماز، «منِ متکبر» را در برابر خدا فروتن می‌کند؛ روزه، «منِ خواهان» را در برابر فرمان خدا مهار می‌کند؛ و زکات، «منِ مالک» را از دلبستگی به داشته‌هایش آزاد می‌سازد. در هر سه، انسان تمرین می‌کند که خود را مرکز عالم نداند.

اینجاست که تفاوت میان دینداری اخلاق‌پرور و دینداری بی‌تفاوت به اخلاق یا دینداری اخلاق‌سوز روشن می‌شود. اگر زکات در انسان اثر تربیتی خود را نشان دهد، می‌تواند به‌تدریج از دلبستگی او به دارایی‌هایش بکاهد و او را در برابر حق مالی دیگران مسئول‌تر کند؛ اما اگر انسان زکات بپردازد و همچنان چنان به مال وابسته باشد که منفعت مالی را بر حق مقدم بدارد، باید در اثر تربیتی این عبادت در زندگی خود تأمل کند. ممکن است عبادت از نظر تکلیف انجام شده باشد، اما انسان هنوز به تزکیه و تربیت بیشتری نیاز داشته باشد. پرسش این است: «زکات داده‌ام؛ اما آیا رابطه‌ام با مال اصلاح شده است؟»

عدالت؛ هماهنگی دل‌ها

حضرت زهرا علیها السلام در ادامه بیان آثار احکام الهی می‌فرمایند: «**وَالْعَدْلَ تَنْسِيقًا لِلْقُلُوبِ**: خداوند عدالت را برای هماهنگی دل‌ها قرار داد».

تا اینجا یک مسیر تربیتی را دنبال کردیم: نماز، «منِ متکبر» را در برابر خدا فروتن می‌کند؛ روزه، «منِ خواهان» را در برابر فرمان خدا مهار می‌کند؛ و زکات، «منِ مالک» را از دلبستگی به داشته‌هایش رها می‌گرداند. در هر سه، انسان تمرین می‌کند که خود را مرکز عالم نداند؛ اما این تربیت هنگامی که وارد رابطه با دیگران می‌شود، با آزمونی سخت‌تر روبرو می‌گردد: وقتی حق دیگری با خواسته و منفعت من تعارض پیدا کند، چه می‌کنم؟

عدالت، میدان همین آزمون است. خداوند متعال می‌فرماید: «**كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ**:[1] همواره برای عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید، هرچند به زیان خودتان یا پدر و مادر و نزدیکانتان باشد».

دشواری عدالت از جایی آغاز می‌شود که حق برای انسان هزینه داشته باشد. وقتی حق با

---

۱. نساء: ۱۳۵.

منفعت من سازگار است، دفاع از عدالت چندان دشوار نیست؛ دشـواری آنجاسـت کـه پـذیرش حق، مرا وادار کند از سودی بگذرم، اشتباه خود را بپـذیرم، از کسـی عـذرخواهی کـنم یـا حتـی درباره کسی که دوستش ندارم، منصفانه سخن بگویم.

در خانه، محیط کار، معامله و اختلاف‌های روزمره، عدالت یعنی همان معیاری را کـه بـرای دیگران مطالبه می‌کنیم، درباره خودمان نیز بپذیریم. اگر از دیگری صداقت می‌خواهیم، خودمـان صادق باشیم؛ اگر رعایت حق را از دیگران مطالبه می‌کنیم، در جایی که حق به زیـان ماسـت نیـز آن را رعایت کنیم. بنابراین پرسش عدالت بسیار ساده اما جدی است: «وقتی حق با منفعـت مـن تعارض دارد، آیا حق را انتخاب می‌کنم؟»

از این منظر، تعبیر حضرت زهرا علیها السلام که عدالت را «**تَنْسِـيقًا لِلْقُلُـوبِ**» می‌داننـد، بسـیار قابـل تأمل است. عدالت فقط تنظیم حقوق نیست، بلکه اعتماد و آرامش اجتماعی نیز می‌سازد. وقتـی مردم احساس کنند معیار داوری، حق است نه قدرت، ثـروت، خویشـاوندی و نفـوذ، دل‌هـا بـه یکدیگر نزدیک‌تر می‌شود؛ اما وقتی حق برای افراد مختلف با معیارهای متفاوت سـنجیده شـود، اعتماد آسیب می‌بیند و فاصله میان دل‌ها بیشتر می‌شود.

امامت؛ پیونددهندهٔ امت

اگر اخلاق در مرحله نخست به اصلاح نسبت انسان با خدا و خواسـته‌های خـویش می‌پـردازد و در عدالت به اصلاح نسبت او با حقوق دیگران می‌رسـد، در مرحلـه اجتمـاعی پرسـش دیگـری پدید می‌آید: چه چیزی جامعه مؤمنان را از خودرأیی و تفرقه حفـظ می‌کنـد؟ در اینجـا حضـرت زهرا علیها السلام از طاعت و امامت سخن می‌گویند: «**وَطَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَإِمَامَتَنَـا أَمَانـاً مِـنَ الْفُرْقَـةِ**: و خداوند پیروی از ما را مایهٔ نظم و قوام ملت، و امامت ما را پناهی در برابر تفرقه و پراکنـدگی قـرار داد».

تا این مرحله، سیر تربیت اخلاقی در مکتب فاطمی گام‌به‌گام پیش آمده اسـت: نمـاز، «مـنِ متکبر» را در برابر خدا فروتن کرد؛ روزه، «منِ خواهان» را مهار نمود؛ زکات، «مـنِ مالـک» را از اسارت داشته‌ها رهانید؛ و عدالت، «منِ منفعت‌طلب» را به رعایت حق دیگران فراخواند. امـا در سطح جامعه، مسئله دیگری نیز وجود دارد: اگر هر کسی حق و عدالت را تنها بر اساس برداشت و سلیقهٔ خود تفسیر کند، چگونه می‌توان از تفرقه و گسست جلوگیری کرد؟

در منظومهٔ خطبه، حضرت طاعـت اهل‌بیـت علیهم السلام را «**نِظَامـاً لِلْمِلَّـةِ**» و امامـت را «**أَمَانـاً مِـنَ الْفُرْقَـةِ**» معرفی می‌کنند. این تعبیر نشان می‌دهد که در نگاه فـاطمی، دینـداری فقـط بـه اصـلاح

رابطهٔ فرد با خدا محدود نمی‌شود؛ جامعهٔ دینی نیز برای حفظ پیوند خود با حق و مسیر الهی، به محور هدایت و مرجعیت حق نیاز دارد. از این منظر، امامت را می‌توان امتداد اجتماعی همان تربیتی دانست که در مراحل پیشین دنبال کردیم: همان‌گونه که انسان باید خواسته‌های خود را در برابر فرمان خدا مهار کند، در عرصهٔ اجتماعی نیز نباید خودرأیی و تعصب را معیار نهایی تشخیص حق قرار دهد.

خداوند متعال درباره برخی جوامع می‌فرماید: «**تَحْسَبُهُمْ جَمِيعاً وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى**:[1] آنان را متحد می‌پنداری، درحالی‌که دل‌هایشان پراکنده است». همچنین هشدار می‌دهد: «**وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ**:[2] با هم نزاع مکنید که سست می‌شوید و شوکت و هیبت شما از میان می‌رود».

در این نگاه، تفرقه فقط یک اختلاف‌نظر ساده نیست. هنگامی که خودرأیی، تعصب و منفعت‌طلبی جای حق‌محوری را بگیرد، اختلاف می‌تواند به فرسایش اعتماد و تضعیف انسجام اجتماعی بینجامد. جامعه‌ای که در آن هر کسی معیار حق را صرفاً خواسته و برداشت خود بداند، حتی اگر در ظاهر نشانه‌های فراوانی از دینداری داشته باشد، در معرض گسست قرار می‌گیرد.

بر همین اساس می‌توان یکی از ابعاد حضور و احتجاج حضرت زهرا علیهاالسلام پس از رحلت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را بهتر درک کرد. در ساختار خطبه، مسئلهٔ فدک در کنار مسئلهٔ میراث، احتجاج قرآنی، جایگاه اهل‌بیت علیهم‌السلام، طاعت و امامت مطرح می‌شود و از سطح یک مطالبهٔ صرفاً مالی فراتر می‌رود. حضرت با استناد به قرآن و طرح جایگاه اهل‌بیت علیهم‌السلام، درباره نسبت جامعهٔ اسلامی با حق، هدایت و عدالت سخن می‌گویند. بنابراین احتجاج حضرت را نمی‌توان صرفاً در چارچوب یک مطالبه شخصی یا مالی فهمید، بلکه این احتجاج در منظومهٔ خطبه با مسئلهٔ حق و هدایت جامعه نیز پیوند می‌یابد.

در ترازوی دینداری اخلاق‌پرور، امامت می‌تواند مرتبه‌ای دیگر از خودسنجی باشد: انسان یاد می‌گیرد «منِ خودرأی» خود را مهار کند و تشخیص‌های شخصی و تعصب‌های گروهی خود را در برابر محور حق و هدایت قرار دهد. در مقابل، دینداری اخلاق‌سوز می‌تواند آنجا

---

۱. حشر: ۱۴.

۲. انفال: ۴۶.

شکل بگیرد که انسان اهل مناسک و ادعای دینداری باشد؛ اما هنگامی که پای حق‌پذیری و کنارگذاشتن خودرأیی به میان می‌آید، تعصب یا منفعت شخصی را بر حق و انسجام جامعه مقدم بدارد.

بنابراین در مکتب فاطمی، انسان پس از نماز و روزه و زکات و عدالت، یک پرسش اجتماعی نیز پیش‌روی خود دارد: «آیا من با گفتار، قلم و رفتار خود، عاملی برای الفت و انسجام امت حول محور حقم، یا با لجاجت و خودمحوری، بذر اختلاف می‌پاشم؟» اگر دینداری ما بتواند «منِ خودرأی» را مهار کند و ما را در پیوند با محور حق و هدایت نگه دارد، به یکی از ابعاد مهم فرمایش حضرت زهرا علیها السلام درباره طاعت و امامت نزدیک‌تر شده‌ایم.

نتیجه: هندسهٔ تربیت فاطمی، از مهار «من» تا قوام «امّت»

«خطبهٔ فدکیه» در فراز احکام، تصویری منسجم از نسبت عبادت، اخلاق و جامعه پیش‌روی ما می‌گذارد. حضرت زهرا علیها السلام نشان می‌دهند که احکام الهی را می‌توان از زاویهٔ آثار تربیتی و اجتماعی آنها نیز نگریست؛ آثاری که از اصلاح درون انسان آغاز می‌شوند و تا سامان اجتماعی امت امتداد می‌یابند.

در این منظومه، احکام الهی لایه‌به‌لایه انسان را با انانیت‌ها و خودمحوری‌هایش روبرو می‌کنند:

نماز، «منِ متکبر» را در ساحت بندگی به خضوع فرامی‌خواند؛

روزه، «منِ خواهان» را در کشاکش نیازها و غریزه‌ها مهار می‌کند تا خواسته، جای فرمان خدا را نگیرد؛

زکات، «منِ مالک» را از دلبستگی افراطی به داشته‌ها رها می‌گرداند و او را نسبت به حق مالی دیگران مسئول‌تر می‌کند؛

عدالت، «منِ منفعت‌طلب» را در برخورد با منافع دیگران با آزمون حق و انصاف روبرو می‌کند؛

و در سطح اجتماعی، طاعت و امامت، «منِ خودرأی» را به حق‌پذیری و حفظ انسجام جامعه دینی فرامی‌خواند.

اگر این پیوند میان عبادت و تربیت نادیده گرفته شود، دینداری می‌تواند با آسیب مواجه شود. یکی از آسیب‌های مهم آن است که مناسک برقرار باشند، اما انسان در برابر اثر تربیتی آنها

احساس مسئولیت نکند؛ پدیده‌ای که آن را «دینداری بی‌تفاوت به اخلاق» نامیدیم.

خطر جدی‌تر هنگامی پدید می‌آید که مناسک و نشانه‌های مذهبی، پوششی برای خودمحوری و تمامیت‌خواهی شوند و رفتارهای نادرست در پوشش توجیه دینی مشروعیت یابند؛ نقطه‌ای که می‌توان از آن با عنوان «دینداری اخلاق‌سوز» یاد کرد. در چنین وضعی، دین به جای آنکه انسان را از خودمحوری دور کند، ممکن است به ابزاری برای توجیه همان خودمحوری تبدیل شود. اینجاست که باید نسبت خود را با منطق تربیتی دین دوباره بررسی کنیم.

ایام فاطمیه مجالی است برای ایستادن در برابر آینهٔ خودسنجی فاطمی؛ مجالی تا هر مؤمنی خود را محک بزند. مسئله فقط این نیست که پس از عبادت بپرسیم «آیا آن را انجام دادم»، بلکه باید گاهی پرسش عمیق‌تری را نیز پیش‌روی خود بگذاریم: «این عبادت با من چه کرده است؟»

اگر عبادت، ما را از خودمحوری به بندگی، از خواسته‌محوری به اخلاص، از دلبستگی به مال به مسئولیت، از منفعت‌طلبی به حق‌پذیری و از خودرأیی به پیوند با محور حق برساند، آن‌گاه دین در زندگی ما راه می‌یابد و آثار تربیتی خود را نشان داده است.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج‌البلاغه

۱. ابن‌ابی‌طاهر طیفور، احمد بن ابی‌طاهر، بلاغات النساء، تصحیح و شرح: احمد الألفی، قاهره: مطبعة مدرسة والدة عباس الأول، ۱۳۲۶ ق.

۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.

۳. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، تصحیح: سیدمحمدباقر موسوی خراسان، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح: علی‌اکبر غفاری محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.

فصلنامه علمی ـ تخصصی ویژه مبلغان
پاییز ۱۴۰۵ ـ فاطمیه ۱۴۴۸ ـ شماره ۲۷

زندگی قرآنی حضرت زهرا سلام‌الله علیها

حجت‌الاسلام والمسلمین علی خادمی*

چکیده

زندگی صدیقه طاهره علیهاالسلام از زوایای گوناگون قابل بررسی و درس‌آموزی است؛ حیاتی که پهنه تاریخ، عمری به این کوتاهی و برکات گستردهٔ فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی در دو ساحت مادی و معنوی به خود ندیده است. یکی از زوایای مهم بررسی‌پذیر در سیرهٔ ایشان، زندگی قرآنی «کوثر الهی» است؛ چراکه از یک‌سو شاهدی گویا بر جدایی‌ناپذیری قرآن و عترت است؛ از سوی دیگر، دانشگاهی بی‌بدیل برای الگوبرداری همهٔ سعادت‌جویان است. این نوشتار ضمن بررسی در متون دینی برای شناساندن وظایف جامعه در برابر قرآن، با نگاه به زندگانی آن بانوی بزرگ، خواننده را با این مهم آشنا می‌کند که جای‌جای حیات صدیقهٔ طاهره علیهاالسلام منطبق با قرآن بوده است.

کلید واژه‌ها: زندگی قرآنی؛ حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام؛ قرآن و عترت؛ سیره فاطمی.

---

* نویسنده و استاد سطح عالی حوزه علمیه قم.

وظایف جامعه در برابر قرآن

از آیات کتاب الهی و روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام هفت وظیفهٔ جامعه در برابر نعمت بی‌بدیل قرآن به دست می‌آید؛ وظایفی که گاه عمومی است و همهٔ افراد را دربر می‌گیرد و گاه نیز مربوط به قشر خاصی از افراد جامعه می‌شود.

۱. استماع

این وظیفه همگانی را خود قرآن بر عهده ما نهاده است: «**وَ إِذا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ**:[1] هنگامی که قرآن خوانده شود، گوش فرا دهید و خاموش باشید؛ شاید مشمول رحمت خدا شوید».

مفسران در تفسیر این آیه آورده‌اند هنگام قرائت حمد و سوره توسط امام جماعت، مأمومین «واجب» است سکوت کنند و به محتوای قرآن گوش فرادهند. در غیر نماز، این حکم «مستحب مؤکد» است؛ به گونه‌ای که برخی روایات از آن به واجب تعبیر کرده‌اند.[2] جملهٔ پایانی آیه یعنی «**لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ**» نیز آثار مهم این وظیفه اشاره دارد.

بنابراین استماع قرآن در حالات عادی و غیر از نماز، جنبه وجوب فقهی به خود نمی‌گیرد؛ ولی کاری بسیار مهم و شایسته برای عموم مؤمنان است.

۲. تلاوت

این وظیفه را نیز قرآن مطرح کرده است؛ از جمله در آیهٔ ۲۰ سورهٔ «مزمل» به این موضوع تصریح می‌کند: «... **فَاقْرَؤُا ما تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ... فَاقْرَؤُا ما تَيَسَّرَ مِنْهُ** ...».

برای فهم بهتر موضوع، باید توجه داشت که خداوند در ابتدای آیه دو دستور تقریباً سخت به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و همهٔ مؤمنان می‌دهد:

الف) وجوب قیام در هر شب: «**قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلاً** ...»؛

ب) تلاوت ترتیلی قرآن در هر شب: «**وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً**».

در ادامه آیه، «وجوب قیام» تبدیل به استحباب می‌شود؛ «ترتیل قرآن» نیز به «قرائت قرآن» به مقدار میسور بدل گشته است که میسوربودن هر زمانی از شبانه‌روز را دربر می‌گیرد و دیگر مقید به شب نیست. این تکرار دستور قرائت آن هم با طرح‌کردن مشکلات اساسی زندگی همچون

---

۱. اعراف: ۲۰۴.

۲. محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۴۴.

بیماری، سفر برای تأمین نیازهای زندگی و جهاد در راه خدا، اهمیّت دستور را نشان می‌دهد که قرآن همانند نماز، سزاوار نیست لغو شود، بلکه باید انس با قرآن همه‌روزه باشد.

تعبیر «فاء نتیجهٔ فَاقْرَؤُا » در هر دو عبارت نشان می که اساساً به دلیل وجود همین مشکلات و مسائل ضروری و گوناگون زندگی است که خداوند دستور به ارتباط مستمر با قرآن می‌دهد؛ یعنی آنچه برای ما بهانه فرار از قرائت مستمر است، همان بهانه از نظر الهی دلیل لزوم استمرار قرائت تلقی می‌شود.[1]

در حدیثی از امام رضاعلیه‌السلام آمده است که از جدش نقل می‌فرماید: «**فَاقْرَؤُا ما تَيَسَّرَ مِنْهُ لَكُمْ فِيهِ خُشُوعُ الْقَلْبِ وَ صَفَاءُ السِّرِ**:[2] آن مقدار از قرآن را بخوانید که در آن خشوع قلب و صفای باطن و نشاط روحانی و معنوی باشد». چرا چنین نباشد، درحالی‌که هدف اصلی تلاوت، تعلیم و تربیت است.

تلاوت قرآن به اندازه‌ای اهمیت دارد که حتی در صورت حافظ قرآن‌بودن نیز توصیه به قرائت از روی نوشتهٔ آن شده است. اسحاق بن عمار گوید به امام صادق‌علیه‌السلام عرض کردم: من حافظ قرآن هستم؛ آن را از روی حافظه بخوانم بهتر است یا از روی مصحف؟ فرمودند: «**بَلِ اقْرَأْهُ وَ انْظُرْ فِي الْمُصْحَفِ فَهُوَ أَفْضَلُ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ النَّظَرَ فِي الْمُصْحَفِ عِبَادَةٌ**:[3] بلکه آن را از روی مصحف بخوان که افضل است؛ مگر نمی‌دانی نگاه به قرآن عبادت است».

۳. تدبر

این وظیفه نیز که قرآن از ما می‌خواهد، همگانی است. ده‌ها آیه دراین‌باره وجود دارد؛ از جمله در آیهٔ ۲۹ سورهٔ «ص» می‌خوانیم: «**كِتابٌ أَنْزَلْناهُ إِلَيْكَ مُبارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آياتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبابِ**: کتابی که آن را به سویت نازل کردیم، بسیار بابرکت است؛ برای اینکه در آیات آن ژرف بیندیشند و برای اینکه صاحبان خرد متذکر شوند».

این آیه، دو مرتبه کلی از تدبر در قرآن را یادآور می‌شود:

الف) تعبیر «**لِيَدَّبَّرُوا آياتِهِ**» نظر به عموم مردم دارد؛

ب) تعبیر «**لِيَتَذَكَّرَ**» به طور اختصاصی مرتبهٔ اولوالألباب را نظر دارد؛ گویا آنان از مرتبه تدبر عمومی گذشته‌اند و به مرتبهٔ تذکر به حقایق رسیده‌اند.

---

۱. ر.ک: ولی‌الله تقی‌پورفر، پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن، ص ۴۴۳.

۲. قطب‌الدین راوندی، فقه القرآن، ج ۱، ص ۱۲۷.

۳. همان، ص ۶۱۴.

درنگ در آیات و گاه یک آیه از کتاب الهی به‌ویژه در صدر اسلام، سبب ایمان‌آوردن فرد یا افراد متعددی می‌شد؛ این نکته یکی از عوامل مهم گسترش سریع اسلام بوده است. درواقع به برکت تدبر، تحول عجیبی در آنان شکل می‌گرفت و به‌سرعت با حقیقت قرآن آشنا می‌شدند و با جان و دل اسلام را می‌پذیرفتند. نقل شده است فردی خدمت پیامبرﷺ رفت و گفت از آنچه خداوند به شما آموخته است، به من یاد بدهید. رسول خداﷺ او را به شخصی سپردند که به او قرآن بیاموزد. وقتی آن شخص سورهٔ «زلزال» را به او آموزش داد و به آیات «**فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْراً يَرَهُ * وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ**» رسید، آن فرد گفت کافی است. وقتی خبر به پیامبرﷺ رسید، فرمود: «**دَعهُ، فَقِهَ الرّجلُ**: رهایش کن، او فقیه شد».[1] یعنی او با تدبر در همین مقدار از آیات، پیام اصلی دین را دریافت کرد.

۴. تعلم و یادگیری

در حدیثی از امام صادقؑ نقل شده است: «**يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ لَا يَمُوتَ حَتَّى يَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ أَوْ يَكُونَ فِي تَعْلِيمِهِ**:[2] برای شخص مؤمن سزاوار است که نمیرد تا آکه قرآن را فرا بگیرد یا در حال فراگرفتن آن باشد». یادگیری قرآن هم به معنای یادگیری قرائت کتاب الهی است و هم شناخت محتوا و مضمون آن؛ به همین دلیل خداوند پاداش‌های زیادی برای آن در نظر گرفته است. در حدیث معتبری می‌خوانیم:

> **مَنْ تَعَلَّمَ مِنْهُ حَرْفاً ظَاهِراً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ مَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ وَ رَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ قَالَ لَا أَقُولُ بِكُلِّ آيَةٍ وَ لَكِنْ بِكُلِّ حَرْفٍ بَاءٍ أَوْ تَاءٍ أَوْ شِبْهِهِمَا**:[3] هر کسی یک حرف ظاهر از قرآن را بیاموزد، خداوند برایش ده حسنه بنویسد و ده گناه از او محو کند و ده درجه برایش بالا برد. فرمود: نمی‌گویم به هر آیه، بلکه به هر حرفی مانند باء، تاء یا مانند اینها.

۵. تعلیم و آموزش

همان‌گونه که بر فردفرد مسلمانان لازم است خودشان برای یادگیری کتاب الهی بکوشند، بر دیگران نیز لازم است بر آموزش آن به دیگران اقدام کنند. از یک‌سو متولیان فرهنگی و دینی، از

---

۱. نصر بن محمد سمرقندی، تفسیر سمرقندی (بحرالعلوم)، ج ۳، ص ۶۰۷.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۰۷.

۳. همان، ص ۶۱۲.

سوی دیگر نیز والدین موظف‌اند این وظیفهٔ بزرگ و عمومی را در رأس برنامه‌های تربیتی خود قرار دهند. در اهمیت تعلیم قرآن به دیگران همین بس که خداوند این مقام را به خود نسبت می‌دهد: «**الرَّحْمنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ**؛ خداوند رحمان قرآن را تعلیم فرمود».[1] در مرحله بعد، پیامبر اعظمﷺ بزرگ‌ترین معلم قرآن است: «**وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتابَ**:[2] و به آنها [مردم] قرآن را می‌آموزد». میان توده‌های اهل ایمان نیز برترین افراد کسانی دانسته شده‌اند که پس از یادگیری قرآن، به آموزش آن بپردازند؛ همان‌گونه که در حدیثی از رسول خداﷺ آمده است: «**خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَ عَلَّمَهُ**:[3] بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و آن را آموزش دهد».

۶. عمل به قرآن

می‌توان گفت همهٔ پنج وظیفه پیشین، مقدمه‌ای برای این وظیفهٔ مهم‌تر و اصلی هستند. خداوند در آیهٔ ۵۳ سورهٔ «اعراف» که حال وخیم کافران در قیامت را بازگو می‌کند، عامل اصلی شقاوت و بیچارگی آنان را با عبارت «نسوه/ قرآن را فراموش کردند» بیان کرده است:

> **يَقُولُ الَّذينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جاءَتْ رُسُلُ رَبِّنا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنا مِنْ شُفَعاءَ فَيَشْفَعُوا لَنا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ غَيْرَ الَّذي كُنَّا نَعْمَلُ**: کسانی که قبلاً آن [قرآن] را فراموش کرده بودند، می‌گویند فرستادگان پروردگار ما، حق را آوردند؛ آیا [امروز] شفیعانی برای ما وجود دارند که برای ما شفاعت کنند؟ یا [به ما اجازه داده شود به دنیا] بازگردیم، و اعمالی غیر از آنچه انجام می‌دادیم، انجام دهیم؟

مفسران در تفسیر آیهٔ پیش‌گفته، نسیان قرآن را به عمل‌نکردن به آن معنا کرده‌اند.[4]

قرآن برای خواندنِ تنها نیامده است　　آمد که در تمامِ وجودت عمل شود

۷. استناد به قرآن

این وظیفه، بیشتر مربوط به عالمان است که در نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود بکوشند با استناد به آیات کتاب الهی، مطالب موردنظر خود را به مخاطبان ارائه دهند. نگاهی اجمالی به سیرهٔ عملی

---

۱. الرحمن: ۱-۲.

۲. در سه آیه، از جمله بقره: ۱۲۹.

۳. میرزاحسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۳۵.

٤. «"**يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ**"، **أي يقول الذين تركوا العمل به**» (فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۶۵۷).

پیامبرﷺ و عترت طاهرینشعليهم‌السلام نشان می‌دهد آن بزرگواران با اینکه کلام خودشان حق است و از مبدأ عصمت سخن می‌گوید، همراه با ضمیمه‌کردن آیه یا آیاتی از قرآن، ضمن تفهیم مقصود خود، سعی در تکریم و بزرگداشت کتاب خدا داشته‌اند.

امام صادقعليه‌السلام پس از آنکه عبدالله محض (عبدالله بن حسن مثنی) با سختی‌های زیادی مواجه شد و فرزندانش زندانی و به شهادت رسیدند و خودش نیز در زندان عباسیان گرفتار شد، نامه‌ای در دو صفحه برایش ارسال کردند و به او صبر در برابر سختی‌ها را توصیه نمودند. نکته جالب اینکه تقریباً نیمی از این نامه را آیات قرآنی (۱۴ آیه) تشکیل داده است؛ این مقدار استناد قرآنی، پیامی جدی برای همهٔ ما دارد که لازم است بیش از پیش در گفتار و نوشتار خود به آیات کتاب الهی تمسک کنیم.

فاطمهعليها‌السلام الگوی زندگی قرآنی

بررسی زندگانی کوتاه اما پربرکت زهرای اطهرعليها‌السلام، نشان‌دهندهٔ شواهدی از هماهنگی کامل حیات طیبهٔ آن بانوی بزرگ با قرآن است.

۱. استماع

فاطمهعليها‌السلام هنگام تلاوت از زبان پدر بزرگوارشان، به‌خوبی به کلام الهی گوش فرامی‌دادند. نتیجه این حُسن استماع، نقل‌قول‌هایی از آن بانو در اختلاف قرائات است که در موارد اختلاف درباره قرائت برخی واژگان قرآن، به «قرائت فاطمه» اشاره می‌شود.[1]

۲. تلاوت

تلاوت کتاب الهی نه‌تنها از برنامه‌های دائمی و منظم بانوی بزرگ اسلام بود، بلکه از انگشت‌شمار دلخوشی‌های ایشان به شمار می‌رفت. در کلامی نورانی از آن الگوی بی‌همتا می‌خوانیم: «**حُبِّبَ إلَيَّ من دُنياكُم ثَلاثٌ: تِلاوَةُ كِتابِ اللّهِ و النَّظَرُ في وَجهِ رَسولِ اللّهِ و الإنفاقُ في سَبيلِ اللّهِ**:[2] از دنیای شما محبّت سه چیز در دل من نهاده شد: تلاوت قرآن، نگاه به چهره پیامبر خدا و انفاق در راه خدا».

---

۱. ر.ک: فضل بن حسن طبرسی، جوامع الجامع، ج ۱، ص ۲۱۸؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۱۲۸.

۲. عبدالله جوادی آملی، نهج الحیاة، ح ۱۶۴.

بر اساس گزارش امام باقر علیه‌السلام، روزی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله پیغامی را با سلمان فارسی برای فاطمه علیهاالسلام فرستادند. سلمان می‌گوید: همین که جلوی درب منزل بانو رسیدم و سلام کردم، متوجه شدم آن حضرت مشغول قرائت قرآن است و آهسته آیات قرآن را بر لب زمزمه می‌کند و دیدم سنگ آسیاب بدون آنکه دست حضرت روی آن باشد، در حال چرخش و دورزدن است و کسی را نزد حضرتش نیافتم. برگشتم نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و عرضه داشتم: یا رسول‌الله، جریان مهم و عظیمی را مشاهده کردم. حضرت فرمود: آنچه را دیدی، بیان کن. گفتم: همین که جلوی درب منزل دخترت فاطمه علیهاالسلام رسیدم و سلام کردم، متوجه شدم که وی آهسته قرآن می‌خواند و سنگ آسیاب می‌چرخید و کسی را هم نزد او نیافتم. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله ضمن تبسمی فرمودند: «ای سلمان، خداوند قلب دخترم فاطمه را سرشار از ایمان نموده است. تمام وجودش را ایمان و یقین فراگرفته و غرق در طاعت و عبادت پروردگار شده بود؛ ازاین‌رو خداوند متعال فرشته‌ای به نام "روفائیل" را فرستاده است تا وی را کمک کند و همان فرشته بود که سنگ آسیاب را برای دخترم فاطمه چرخانیده است. سپس افزود: بدان که خداوند مهربان تمام امور دنیا و آخرت فاطمه را کفایت خواهد نمود».[1]

تلاوت پیوسته و منظم قرآن از سوی زهرای اطهر علیهاالسلام، کلاس درس عملی برای اطرافیان نیز بود. نمونه‌اش تربیت فضهٔ خادمه است؛ بانویی که توانست از نعمت بی‌بدیل ملازمت با آن حضرت به‌درستی استفاده کند و با الگوگیری از ایشان، آشنایی بالایی با متن و مفاهیم کتاب الهی بیابد و سال‌های زیادی گفتگوهای روزمره‌اش را با ذکر آیهٔ مناسب از قرآن سخن بگوید.[2]

تعلق و انس صدیقه طاهره علیهاالسلام با قرآن به حدی رسیده بود که آن دردانهٔ آفرینش، آرامش خود پس از رفتن از این دنیا را همچنان در قرآن می‌دید؛ به همین دلیل ضمن وصیت‌های خود، از امیرمؤمنان علیه‌السلام می‌خواهد شب اول قبر، زیاد برایش قرآن بخواند: «... **فَأَكْثِرْ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَ الدُّعَاءِ فَإِنَّهَا سَاعَةٌ يَحْتَاجُ الْمَيتُ فِيهَا إِلَى أُنْسِ الْأَحْيَاءِ**:[3] ... و بسیار قرآن بخوان و دعا کن؛ زیرا در چنین لحظه‌هایی میّت به انس‌گرفتن با زندگان محتاج است».

۳. تدبر

اندیشه در کلام الهی با حیات فاطمه علیهاالسلام عجین شده بود؛ به همین دلیل ایشان آشنایی کامل با

---

۱. محمد بن جریر طبری، دلائل الإمامه، ص ۱۳۹.

۲. موفق بن احمد خوارزمی، مناقب خوارزمی، ج ۳، ص ۳۴۳.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۷.

مفاهیم و محتوای کتاب الهی داشتند و می‌توانستند در مقاطع مختلف، از آیه موردنظر برای تفهیم یک مطلب به مخاطب استفاده کنند. فاطمه علیهاالسلام در تحلیلی قرآنی، ریشهٔ انحراف امت پس از ارتحال رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را بهره‌نبردن مسلمانان مدعی خلافت و پیروان آنها از تدبر در قرآن می‌داند و در ضمن خطبه مشهور خود، این‌گونه به توبیخشان پرداختند:

مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْرِعَةَ إِلَى قِيلِ الْبَاطِلِ الْمُغْضِيَةَ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ: «أَ فَلا تَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلى قُلُوبٍ أَقْفالُها:[1] ای گروه مسلمانانی که به سوی سخن باطل شتاب می‌کنید و از کردار زشت و زیان‌بار چشم‌پوشی می‌کنید، آیا در قرآن نمی‌اندیشید یا بر دل‌هایتان قفل‌هایی نهاده شده است؟

درواقع اگر آنان اهل تدبر در قرآن بودند، آیات زیادی می‌توانست مانع از انحرافشان شود؛ از جمله آیات ولایت و امامت امیرمؤمنان علیه‌السلام مانند آیهٔ ولایت، آیهٔ اولواالامر، آیه زکات در رکوع و آیهٔ صادقین.

آری، اگر آنان به یک آیه از سورهٔ «شوری» عمل می‌کردند، همه اختلاف‌ها به وحدت تبدیل می‌شد: «**وَ مَا اخْتَلَفْتُمْ فيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنيبُ:**[2] در هر چیز اختلاف کنید، داوری‌اش با خداست؛ این است خداوند، پروردگار من، بر او توکّل کرده‌ام و به سوی او بازمی‌گردم».

موضوع خلافت که نخستین اختلاف پس از ارتحال رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بود، پیش‌تر از سوی خداوند و توسط پیامبرش در زمان‌های متفاوت، از یوم‌الدار در ابتدای نبوت تا غدیر و روزهای پایانی حیات مبارک آن حضرت بیان شده بود؛ ازاین‌رو اگر مسلمانان به جای پیروی از هواهای نفسانی و مطامع زودگذر دنیایی به حکم الهی رجوع کرده بودند، انشقاق‌های پی‌درپی به وجود نمی‌آمد و همگی در سایهٔ ولایت الهی زندگی سعادتمندی را تجربه می‌کردند.

۴. تعلم و یادگیری

حیات کوتاه زهرای اطهر علیهاالسلام همواره با دغدغهٔ یادگیری روزافزون قرآن همراه بود؛ ازاین‌رو ایشان از هر فرصتی برای تعلم الفاظ ظاهری و مفاهیم باطنی کتاب الهی بهره می‌برد. در حدیثی که

---

۱. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۶، اقتباس از آیه ۲۴ سورهٔ «محمد».

۲. شوری: ۱۰.

ابوذر آن را از فاطمه‌علیهاالسلام روایت می‌کند، آن حضرت تفسیر «رجال الأعراف» در سخن خدای متعال را از رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله پرسیدند: «**وَ عَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ:**[1] و بر اعراف، مردانی هستند که هر یک را به سیمایشان می‌شناسند». پدرم فرمود:

هُمُ الْأَئِمَّةُ بَعْدِي عَلِيٌ وَ سِبْطَايَ وَ تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ هُمْ رِجَالُ الْأَعْرَافِ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ يَعْرِفُهُمْ وَ يَعْرِفُونَهُ وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَ يُنْكِرُونَهُ لَا يُعْرَفُ اللَّهُ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِهِمْ:[2] آنان امامان پس از من هستند؛ علی‌علیه‌السلام، دو سبط من [حسن و حسین‌علیهماالسلام] و نُه نفر از نسل حسین‌علیه‌السلام. آنان مردانِ اعراف‌اند. جز کسی که آنان را بشناسد و آنان نیز او را بشناسند، وارد بهشت نمی‌شود؛ و جز کسی که آنان را انکار کند و آنان نیز او را منکر باشند، وارد آتش نمی‌شود. خدا شناخته نمی‌شود مگر از راه شناخت آنان.

عبارت «رجال الأعراف» در این روایت به‌صراحت بر امامان دوازده‌گانه تطبیق شده است.

دربارهٔ عبارت پایانی روایت «**لَا يُعْرَفُ اللَّهُ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِهِمْ**» نیز گفتنی است در چارچوب اعتقادات امامیه، معرفت صحیح خداوند از طریق معرفت حجج الهی (امامان معصوم) حاصل می‌شود؛ یعنی شناخت امامان در امتداد شناخت و هدایت الهی قرار گرفته است.

۵. تعلیم و آموزش

فاطمه‌علیهاالسلام همچنان‌که همواره در پی تعلم قرآن بود، هیچ فرصتی را برای تعلیم کتاب الهی به دیگران و ترویج و ترغیب به آن از دست نمی‌داد. در روایتی آن حضرت تشویق به تلاوت سه سوره از قرآن را می‌کنند و می‌فرمایند: «**قَارِئُ "الْحَدِيدِ" وَ "إِذَا وَقَعَتْ" وَ "الرَّحْمَنِ" يَدْعَى فِي مَلَكوتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ سَاكِنِ الْفِرْدَوْسِ:**[3] تلاوت‌کنندهٔ [سوره‌های] حدید، واقعه و الرحمن در ملکوت آسمان‌ها و زمین، ساکن بهشت معرفی می‌شود».

ایشان در خطبهٔ بی‌نظیر و مشهور خود نیز در همان فرازهای ابتدایی به توصیف قرآن می‌پردازند و می‌فرمایند:

كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَ الْقُرْآنُ الصَّادِقُ وَ النُّورُ السَّاطِعُ وَ الضِّيَاءُ اللَّامِعُ بَيِّنَةٌ بَصَائِرُهُ

---

۱. اعراف: ۴۶.

۲. علی بن محمد خزاز رازی، کفایة الأثر، ص ۱۹۴.

۳. معهد باقرالعلوم‌علیه‌السلام، موسوعة کلمات فاطمة الزهرا‌علیهاالسلام، ص ۵۴۷.

مُنْكَشِفَةٌ سَرَائِرُهُ مُنْجَلِيَةٌ ظَوَاهِرُهُ مُغْتَبِطَةٌ بِهِ أَشْيَاعُهُ قَائِدٌ إِلَى الرِّضْوَانِ أَتْبَاعُهُ مُؤَدٍّ إِلَى النَّجَاةِ اسْتِمَاعُهُ بِهِ تُنَالُ حُجَجُ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةُ وَ عَزَائِمُهُ الْمُفَسَّرَةُ وَ مَحَارِمُهُ الْمُحَذَّرَةُ وَ بَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَةُ وَ بَرَاهِينُهُ الْكَافِيَةُ وَ فَضَائِلُهُ الْمَنْدُوبَةُ وَ رُخَصُهُ الْمَوْهُوبَةُ وَ شَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ:[1]

قرآن کتابِ گویای خداوند و راستین اوست؛ نوری درخشان و پرتوی تابان است. نشانه‌های هدایتش روشن، اسرارش آشکار و ظواهرش نمایان است. پیروانش به آن شادمان‌اند؛ پیروانش را به سوی خوشنودی خدا راهبری می‌کند و شنیدن و پیروی از آن، انسان را به رستگاری می‌رساند. به وسیلهٔ آن، حجّت‌های روشن خدا، فرمان‌های تفسیرشده و احکام قطعی او، حرام‌هایی که از آنها هشدار داده شده، دلایل آشکار، برهان‌های کافی، فضیلت‌های سفارش‌شده، رخصت‌ها و آسان‌گیری‌های بخشیده‌شده و شریعت‌ها و احکام نوشته‌شدهٔ او به دست می‌آید.

با نگاهی به این متن، ساختاری فشرده و ادبی در برابر خود می‌بینیم که با عباراتی نه‌چندان طولانی، تصویر جامعی از قرآن را با صفاتی متعدد ارائه می‌دهد: کتاب، نور، هدایت، پیروی، نجات، حجت، احکام، فضایل، رخصت‌ها، شریعت.

۶. عمل

جای‌جای زندگی فردی و اجتماعی بانوی بزرگ اسلام، منطبق با قرآن بود؛ ازاین‌رو کوچک‌ترین مخالفتی در زندگی معصومانهٔ ایشان با کتاب الهی وجود نداشته است. در ادامه به چند نمونه به‌اختصار اشاره می‌شود:

الف) شجاعت در دفاع از حق

دینداری همیشه همراه با سختی‌ها و مشکلات بوده است؛ از جمله سرزنش معاندان و جاهلان. بنابراین قرآن یکی از ویژگی‌های بندگان خوب و محبوب خدا را نهراسیدن در مسیر دینداری می‌داند: «**وَ لا يَخافُونَ لَوْمَةَ لائِمٍ:**[2] و از سرزنش هیچ ملامتگری هراس ندارند». وجود نازنین حضرت زهرا علیها السلام از واپسین روزهای پس از ارتحال پدر گرانقدرشان احساس کردند جبهه حق محتاج ورود بدون تقیه و آشکارای اوست؛ به همین دلیل با عزمی راسخ وارد میدان مبارزه با منافقانی شد که به دروغ، خود را دلسوزان دین معرفی می‌کردند. این راه، خسارت‌های زیادی

---

۱. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۹۹.

۲. مائده: ۵۴.

برای او داشت؛ ازدست‌دادن حقوق مالی، هتک حرمت خانه و کاشانه خود، ازدست‌دادن فرزند و درنهایت جان خویش. اما بانوی بزرگ اسلام همهٔ این موارد را به جان خرید و همهٔ تلاش خود را برای دفاع از ولایت که یگانه راه سعادت واقعی مردم بود، به کار گرفت.

ب) انفاق و ایثار

انفاق و در مرحله بالاتر، ایثار از ارزش‌های والایی است که قرآن در موارد متعددی از انسان می‌خواهد. حیات نورانی فاطمه علیها السلام آکنده از عمل‌کردن به این خواست قرآنی است؛ از جمله اطعام مسکین و یتیم و اسیر در آیهٔ هشتم سورهٔ «انسان». شیخ طوسی می‌گوید عامه و خاصه روایت کرده‌اند که این آیه مربوط به اطعام فاطمه علیها السلام و امیرمؤمنان علیه السلام و حسنین علیهما السلام است.[۱]

همچنین نقل شده است پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در شب عروسی دختر گرامی‌اش فاطمه علیها السلام، لباسی تهیه کرده بود تا آن حضرت آن را بر تن کند و این شب ویژه و به‌یادماندنی را با آن سپری نماید. در همان هنگام، زنی بینوا به درِ خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و از ایشان درخواست لباس کرد. فاطمه علیها السلام جز پیراهن شب عروسی که هدیه پدر بزرگوارش بود، لباس دیگری داشت که پیش‌تر استفاده و کهنه شده بود. با شنیدن درخواست آن زن، فاطمه علیها السلام لباس کهنه را در بسته‌ای قرار داد تا در راه خدا انفاق کند؛ اما ناگهان با یادآوری این آیه شریفه که می‌فرماید: «**لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ**:[۲] هرگز به نیکی [و مقام نیکوکاران] نمی‌رسید، مگر آنکه از آنچه دوست می‌دارید، انفاق کنید»، در تصمیم خود تجدیدنظر کرد و پیراهن عروسی‌اش را از تن بیرون آورد و به آن زن بینوا بخشید و خودش لباس کهنه را بر تن کرد.[۳]

ج) عبادت و شب‌زنده‌داری

قرآن مؤمنان را افزون بر نمازهای واجب پنج‌گانه، به عبادت شبانه[٤] و ذکر کثیر و دعا سفارش می‌کند. گزارش‌های متعددی از عبادت فراوان حضرت فاطمه علیها السلام و اهتمام ایشان به ذکر و دعا گزارش شده است.

---

۱. محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۲۱۱.
۲. آل‌عمران: ۹۲.
۳. قاضی نورالله شوشتری، احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۴۰۱.
٤. آل‌عمران: ۱۷؛ احزاب: ۴۱؛ فرقان: ۷۷.

د) عفاف و حجاب

شیوه معاشرت اجتماعی حضرت زهرا علیها السلام در برخورد با نامحرم و عموم مردان، نمونهٔ بارز دستور قرآن به‌ویژه در سوره‌های «نور» و «احزاب» دربارهٔ رعایت موازین و حدود شرعی است.

۷. استناد

مروری بر دو خطبهٔ باقی‌مانده از حضرت صدیقه طاهره علیها السلام نشان‌دهندهٔ استناد فراوان ایشان به آیات کتاب الهی برای رساندن پیام خود به مخاطبان است. در خطبه اول ـ مطابق متن احتجاج طبرسی[1] ـ ۳۲ آیه قرآن مورد توجه بانوی بزرگ بوده است که در بخش‌های مناسب به کار برده است. در خطبه دوم که در جمع زنان مدینه ایراد شد، با اینکه در دوران بیماری و وخامت حال آن حضرت بوده است و متن کوتاهی دارد، ۱۰ آیه به کار رفته است.[2]

الگوپذیری رهبر شهید از فاطمه زهرا علیها السلام

فاطمیهٔ امسال با جای خالی رهبر حکیم و شهید آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مدظله حال‌وهوای دیگری دارد. آن شهید والامقام با الگوبرداری از مادر شهیده‌اش، انس و ارتباط چشمگیری با قرآن داشت و حیات و ممات قرآنی‌اش، جلوه‌هایی زیبا و به‌یادماندنی برای همیشه تاریخ رقم زد. استماع زیبا و همراه با تفکر در هنگام تلاوت کتاب الهی؛ تلاوت‌های مکرر و منظم قرآن و نیز تدبر در مضامین آن؛ تلاش‌های زیاد برای ترویج و نشر قرآن؛ زندگی قرآنی در ساحت‌های فردی، اجتماعی و سیاسی خود؛ استنادهای مکرر و فراوان به آیات قرآنی و ... از ایشان شخصیتی قرآنی ساخت که راه و رسمش، چراغ راه آیندگان خواهد بود: «**طوبی له وَ حُسْنُ مَآبٍ**».

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن‌شهرآشوب، محمد بن علی، مناقب آل‌أبی طالب، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.

۲. پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، موسوعة کلمات فاطمة الزهراء علیها السلام، قم: انتشارات پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، ۱۳۹۳ش.

---

۱. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۷ ـ ۱۰۷.

۲. همان، ص ۱۰۸ ـ ۱۰۹.

۳. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر، قم: بیدار، ۱۴۰۱ق.
٤. دشتی، محمد، نهج الحیاة (فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام)، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۲ش.
٥. سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی (المسمی بحر العلوم)، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ق.
٦. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۷. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، قم: حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ق.
۸. ـــــــــــــــــــ، مجمع البیان، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۹. طبری صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة، قم: بعثت، ۱۴۱۳ق.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، بی‌تا.
۱۱. عیاشی سمرقندی کوفی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی (التفسیر)، بیروت: المکتبة العلمیة الإسلامیة، ۱۳۸۰ق.
۱۲. قطب راوندی، سعید بن هبةالله، فقه القرآن، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۴۰۵ق.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (اصول، فروع، روضه)، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
١٤. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۵. مرعشی شوشتری، قاضی نورالله، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۴۰۹ق.
١٦. نقی‌پورفر، ولی‌الله، پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن، تهران: اسوه، ۱۳۸۱ش.
۱۷. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم: آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.

فصلنامه علمی ـ تخصصی ویژه مبلغان
پاییز ۱۴۰۵ ـ فاطمیه ۱۴۴۸ ـ شماره ۲۷

خطبهٔ فدک یا خطبه ولایت؟

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدهادی یعسوبی*

چکیده

این مقاله با بازخوانی خطبهٔ حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام در مسجد پیامبر، تناسب عنوان مشهور «خطبهٔ فدکیه» را با محتوای فراگیر آن بررسی می‌کند و مدعای خود را بر این استوار می‌سازد که این خطبه بیش از آنکه برای فدک باشد، برای ولایت است؛ ازاین‌رو عنوان «خطبهٔ ولایت» بیانگر دقیق‌تری است. استدلال در پنج محور ارائه می‌شود: تحلیل محتوای خطبه، که با توحید آغاز می‌شود، فلسفهٔ نبوت و احکام را تبیین می‌کند و دفاع از امامت را روح حاکم بر آن می‌شمارد؛ استمرار دفاع از ولایت در سیرهٔ فاطمی، از روشنگری فردی تا سوگواری و وصیت به تدفین شبانه؛ معنای نمادین فدک در روایات، به‌ویژه گفت‌وگوی امام موسی کاظم علیه‌السلام با هارون‌الرشید که مرزهای فدک را با کل قلمرو حکومت اسلامی یکسان دانست؛ اذعان عالمان شیعه به انگیزهٔ سیاسی و اعتقادی مطالبه؛ و بررسی نام‌گذاری خطبه در منابع متقدم، که فقط از «خطبه» و «کلام فاطمه» یاد کرده‌اند و عنوان «فدکیه» اصطلاحی متأخر است. مقاله نتیجه می‌گیرد که نام‌گذاری باید بر اساس هدف خطبه، نه صرفاً مناسبت تاریخی ایراد آن باشد؛ ازاین‌رو «خطبهٔ ولایت» بهتر از هر عنوان دیگری، ماهیت فراگیر این منشور دفاع اعتقادی و سیاسی را بازمی‌نمایاند.

کلید واژه‌ها: خطبهٔ فدکیه؛ خطبهٔ ولایت؛ امامت؛ فدک؛ جهاد تبیین.

---

* دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه قم.

مقدمه

شخصیت بی‌بدیل و مقام رفیع حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در منظومهٔ معارف اسلامی، جایگاهی ممتاز و استثنایی دارد؛ جایگاهی که بر بنیاد استوارترین منابع دینی شکل گرفته است. قرآن کریم در آیات متعددی به شأن اهل‌بیت علیهم السلام به‌ویژه حضرت فاطمه علیها السلام اشاره می‌کند؛ از جمله سورهٔ «کوثر» که نشان‌دهندهٔ خیر کثیر و بقای نسل نبوی در وجود ایشان است؛[۱] آیهٔ «تطهیر» که گواهی بر عصمت ایشان است؛[۲] آیات سورهٔ «انسان» که بیان‌کنندهٔ جلوه‌ای از ایثار ایشان و خانواده‌شان است؛[۳] آیهٔ «مودت» که محبت اهل‌بیت را مزد رسالت معرفی می‌کند؛[٤] و آیهٔ «مباهله» که حضور ایشان در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین و حسنین علیهما السلام را نشان‌دهندهٔ جایگاه ویژه ایشان می‌داند.[٥]

این مقام در سیره و کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز آشکار است؛ تکریم ویژهٔ ایشان از حضرت فاطمه علیها السلام از جمله قیام به احترام، بوسیدن ایشان و نشاندن ایشان در جایگاه خود،[٦] فراتر از رابطه پدر و فرزندی، بیان‌کنندهٔ معرفی جایگاه قدسی و حجیت ایشان برای امت بود. ایشان آشکارا می‌فرمودند: «**اِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي**».[۷] این نگاه تکریمی در روایتی دیگر با بعدی معنوی گره می‌خورد که می‌فرمودند: «هرگاه مشتاق بهشت می‌شوم، دخترم فاطمه را استشمام می‌کنم».[۸] امیرالمؤمنین علیه السلام و دیگر ائمه هدی علیهم السلام نیز با تعابیر و بیاناتی متنوع بر جایگاه قدسی و منزلت والای حضرت فاطمه علیها السلام تأکید کرده‌اند.[۹]

---

۱. کوثر: ۱ ـ ۳.

۲. احزاب: ۳۳.

۳. انسان: ۷ ـ ۲۲.

٤. شوری: ۲۳.

٥. آل‌عمران: ۶۱.

٦. محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۵، ص ۳۸۸؛ ابوداود سلیمان بن اشعث، سنن أبی‌داود، ج ۴، ص ۲۲۱۶.

۷. محمد بن علی ابن‌بابویه (شیخ صدوق)، امالی، ص ۱۶۴.

۸. محمد بن علی ابن‌بابویه (شیخ صدوق)، التوحید، ص ۱۱۸.

۹. نهج‌البلاغه، نامه ۲۸؛ احمد رحمانی همدانی، فاطمة الزهرا علیها السلام بهجة قلب المصطفی، ص ۱۱۹. عبدالحسین طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۲۲۵.

شخصیتی با این مقام «حجّیت»، به طور طبیعی تمامی سیره، رفتار، سکنات و کلماتش برای امت اسلامی در طول تاریخ به‌مثابهٔ الگو و معیار حقانیت بوده است. در میان ابعاد گوناگون سیره فاطمی، نقطهٔ اوج و کانون توجه عالمان اسلام به‌ویژه در مکتب تشیع، نقش بی‌بدیل ایشان در «دفاع از حریم ولایت» و جایگاه ایشان به‌مثابهٔ برجسته‌ترین و پیشگام‌ترین مدافع امیرمؤمنان علیه‌السلام پس از فقدان نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بوده است. بی‌تردید یکی از درخشان‌ترین تجلیات این سیره دفاعی، خطبه بلیغ و غرّایی است که آن حضرت در مسجد پیامبر و به مناسبت غصب فدک ایراد فرمودند.

خطبه‌ای که در تاریخ به «خطبه فدکیه» شهرت یافته است، در حقیقت اقیانوسی از معارف توحیدی و صفات الهی، تبیین بعثت و نبوت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و جایگاه رفیع اهل‌بیت علیهم‌السلام است که حضرت در میان این مباحث بنیادین، به مسئله ارث و غصب فدک نیز به‌مثابهٔ شاهدی بر انحراف پیش‌آمده اشاره می‌کند. با توجه به گستردگی معارف خطبه و محوریت دفاع از ولایت در سیرهٔ فاطمی، این پرسش مطرح می‌شود که چرا چنین بیانیه عظیمی با نام «فدکیه» شناخته شده است؟

عنوان «فدکیه» در منابع متقدم برای این خطبه دیده نمی‌شود و به نظر می‌رسد نامی متأخر باشد. ممکن است این نام‌گذاری به انگیزه و بستر تاریخی ایراد خطبه، یعنی مسئله فدک مربوط باشد؛ اما با این دشواری روبرو است که محتوای گسترده و پیام اصلی خطبه تحت‌الشعاع مناقشه‌ای تاریخی بر سر یک ملک قرار گیرد و توجه مخاطب را از هسته اصلی و روح حاکم بر آن دور کند.

این مقاله با تحلیل فرازهای خطبه، بازخوانی سیرهٔ فاطمی و استناد به شواهد تاریخی، بر آن است که عنوان «خطبهٔ ولایت» دقیق‌تر، شایسته‌تر و منطبق‌تر با پیام محوری این میراث جاودان است. این تغییر نام صرفاً یک جابجایی واژگانی نیست، بلکه تلاشی برای احیای پیام مرکزی خطبه و قراردادن آن در جایگاه واقعی خود، یعنی منشوری جامع در دفاع از اصل امامت و ولایت است.

ولایت اصلی‌ترین محور در اسلام

با تأمل در دو منبع اصیل معرفت دینی یعنی قرآن کریم و سنت نبوی، روشن می‌شود که «ولایت» یکی از بنیادی‌ترین و محوری‌ترین اصول در ساختار دین اسلام است؛ اصلی که

همچون روح حاکم بر شریعت و ستون استوار بنای دین، دیگر معارف را در منظومه‌ای منسجم قرار می‌دهد.

قرآن کریم این جایگاه را به‌روشنی تبیین کرده است؛ در آیهٔ «اکمال دین»[۱] پس از ابلاغ ولایت در غدیر، مواردی چون کمال دین، اتمام نعمت و رضایت الهی از اسلام به این واقعه پیوند خورده است. در آیهٔ «تبلیغ»[۲] نیز پیامبرﷺ مأمور به ابلاغ ولایت می‌شود و عدم ابلاغ آن، هم‌سنگ ناتمام‌ماندن رسالت معرفی می‌گردد. همچنین در آیهٔ «اولی‌الامر»[۳] اطاعت از اولی‌الامر در کنار اطاعت مطلق از خدا و رسول قرار می‌گیرد و جایگاه ویژه آنان تثبیت شده است؛ جایگاهی که روایات شیعه و سنی، مصادیق آن را امیرالمؤمنین و ائمه اطهارعلیهم‌السلام معرفی می‌کنند.[٤]

سنت نبوی نیز با روایات متواتر تأییدکنندهٔ این محوریت است. حدیث غدیر با معرفی امیرالمؤمنینعلیه‌السلام به عنوان «مولا»،[٥] حدیث ثقلین با معرفی قرآن و عترت به عنوان دو امانت جدایی‌ناپذیر و مسیر هدایت[٦] و حدیث منزلت[۷] با تشبیه جایگاه علیعلیه‌السلام نسبت به پیامبرﷺ به جایگاه هارون در برابر موسی، بر مسئله ولایت و جانشینی تأکید دارند.

برایند این شواهد آن است که ولایت، عامل کمال و تمامیت دین، شالودهٔ اندیشه اسلامی، سبب بعثت انبیاست؛[۸] ازاین‌رو فهم صحیح هندسه معرفت دینی بدون شناخت این اصل بنیادین کامل نخواهد بود.

نخستین پاسدار حریم ولایت

پس از درگذشت پیامبر اعظمﷺ، با فراموشی پیمان غدیر و تزلزل جایگاه ولایت در ماجرای

---

۱. مائده: ۳.

۲. مائده: ۶۷.

۳. نساء: ۵۹.

٤. هاشم بن سلیمان بحرانی، غایة المرام، ج ۳، ص ۱۰۹ ـ ۱۱۵؛ عبیدالله بن عبدالله حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۰ ـ ۱۹۱؛ ناصر مکارم شیرازی، آیات ولایت در قرآن، ص ۱۱۶.

۵. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۵، ص ۱۹۶.

٦. نک به: ناصر مکارم شیرازی، آیات ولایت در قرآن، ص ۱۱۷.

۷. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۷، ص ۸۱؛ مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۱.

۸. عبدالحسین امینی، الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، ج ۱، ص ۶۷۴.

سقیفه، سکوتی سنگین بر جامعه حاکم شد. در چنین شرایطی، باید کسی از این اصل بنیادین و یادگار نبوت پاسداری می‌کرد؛ زیرا اگر آن روز صدایی بلند نمی‌شد، چراغ امامت خاموش و نامی از ولایت باقی نمی‌ماند. آن صدا، فریاد حق‌خواهی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، نخستین پاسدار حریم ولایت بود. سیرهٔ ایشان از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله تا شهادت، تلاشی چندبعدی برای حفظ و تبیین اصل ولایت بود که در گام‌های مختلفی تجلی یافت. در ادامه به این موارد اشاره می‌کنیم.

۱. جهاد تبیین با سلاح خطبه

حضرت زهرا علیها السلام از حربهٔ خطابه برای شکستن سکوت و روشنگری امت بهره بردند؛ ایشان گاه در مسجدالنبی و در برابر همگان و گاه در منزل خویش و در جمع زنان مهاجر و انصار، با صراحت به دفاع از ولایت و اعتراض به غصب خلافت پرداختند. اوج این خشم مقدس را می‌توان در این فراز از خطبه مشاهده کرد: «از دنیای شما بیزارم و مردان شما را دشمن می‌دارم! ... چرا نگذاشتند حق در مرکزش قرار گیرد و خلافت را از پایه‌های نبوت و از خانه‌ای که محل نزول جبرئیل امین بود، به جایی دیگر بردند؟ آگاه باشید که این خسرانی بزرگ است».[۱]

۲. روشنگری‌های فردی و تبیین جایگاه امامت

مبارزه ایشان به خطبه‌های عمومی محدود نشد. حضرت زهرا علیها السلام در گفتگوهای فردی نیز با جملاتی کوتاه به تبیین فلسفه امامت می‌پرداختند. هنگامی که محمود بن لبید از ایشان پرسید چرا امیرالمؤمنین علیه السلام برای گرفتن حق خود قیام نکرد؟ حضرت با تشبیهی روشن، جایگاه امامت را تبیین کردند و فرمودند: «رسول خدا فرمود: مَثَل امام، مانند کعبه است؛ این مردم هستند که باید به گِرد آن طواف کنند، نه آنکه کعبه به گِرد مردم بگردد».[۲]

۳. تحریم و وصیت‌نامهٔ سیاسی؛ تداوم اعتراض پس از شهادت

حضرت زهرا علیها السلام با هوشمندی، غاصبان خلافت را تحریم سیاسی و اجتماعی کردند و وصیت فرمودند هیچ‌یک از آنان در نماز و تشییع پیکرشان حاضر نشوند. اوج این مبارزه، وصیت به «دفن شبانه و مخفی‌ماندن مزار» بود. این اقدام فقط یک تدبیر امنیتی نبود، بلکه قبر بی‌نشان

---

۱. احمد بن ابی‌طاهر ابن‌طیفور، بلاغات النساء، ص ۳۲؛ احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۱۰۸.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۳.

حضرت نشان‌دهندهٔ اعتراضی عظیم و ابدی و سندی همیشگی بر مظلومیت ولایت بود. ایشان با این وصیت، غاصبان و ساکتان را از حضور بر مزار یادگار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله محروم کردند و نشان دادند پارهٔ تن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله حاضر نیست کسانی که پیمان غدیر را به سقیفه سپردند، بر پیکرش نماز بخوانند.

۴. سلاح گریه؛ فریادی در سکوت مدینه

گریه‌های بانوی باحیای اسلام، صرفاً یک ماتم شخصی نبود؛ ایشان با انتخاب مکان‌های عمومی مانند بقیع و احد برای عزاداری، از عواطف انسانی برای یک هدف سیاسی ـ الهی بهره بردند. این گریه‌ها فریادی اعتراضی بود که توجه جامعه را به خود جلب می‌کرد. هنگامی که ام‌سلمه از علت گریه‌های ایشان پرسید، حضرت فرمودند گریه‌ام برای ظلمی است که بر وصی پیامبر رفته است.[۱] در پاسخ به امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز فرمودند: «برای مصیبت‌هایی که پس از من بر تو خواهد رسید، گریه می‌کنم».[۲]

۵. اتمام حجت شبانه

حضرت زهرا علیهاالسلام در اقدامی روشنگرانه به همراه امیرالمؤمنین علیه‌السلام و حسنین علیهماالسلام، تا چهل شب به در خانهٔ مهاجران و انصار رفتند. ایشان با یادآوری دلایل امامت و واقعه غدیر، با مردم اتمام حجت می‌کردند و از آنان یاری می‌طلبیدند؛ اما جز سکوت و بی‌تفاوتی پاسخی دریافت نکردند.[۳]

۶. اوج دفاع: شهادت در راه پاسداری از حریم ولایت

درنهایت، عظیم‌ترین اقدام حضرت زهرا علیهاالسلام، تقدیم جان مبارکشان در راه دفاع از ولایت بود. هنگامی که برای اخذ بیعت اجباری به درب خانه وحی هجوم آوردند، ایشان خود را سپر بلای امام زمان خویش قرار داد و با گوشت و خون خود از حریم ولایت دفاع کرد و با شهادت خویش، نام خود را به عنوان اولین و بزرگ‌ترین مدافع امامت در تاریخ به ثبت رسانید.

بنابراین حضرت زهرا علیهاالسلام نه‌تنها پیشگام دفاع از ولایت، بلکه سند زنده و ناطق حقانیت آن و تجسم کامل غیرت الهی در دفاع از دین بود.

---

۱. محمد بن علی ابن‌شهرآشوب مازندرانی، مناقب آل‌ابی‌طالب علیهم السلام، ج ۲، ص ۲۰.
۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۱۸.
۳. عبدالحمید بن هبة الله ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغة، ج ۶، ص ۱۳.

خطبه در مسجد؛ دفاع از ولایت در لباس دادخواهی

هنگامی که آیهٔ شریفه «**وَ آتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّهُ**: و حق خویشاوندان را به او بده»[۱] نازل شد، پیامبر اکرمﷺ منطقهٔ حاصل‌خیز «فدک» را به حضرت فاطمهعليها السلام هبه نمودند. این بخشش صرفاً یک هدیه شخصی نبود، بلکه پشتوانه‌ای اقتصادی برای استمرار راه امامت و تقویت جبهه حق پس از رسول خداﷺ به شمار می‌رفت.

پس از رحلت پیامبرﷺ، غاصبان خلافت درصدد تصاحب فدک برآمدند و ابوبکر با استناد به حدیثی که تنها خود راوی آن بود، این ملک را از حضرت فاطمهعليها السلام غصب کرد.[۲] حضرت برای دادخواهی، امیرالمؤمنینعليه السلام و امایمن را شاهد معرفی کردند، اما این دادخواهی به نتیجه نرسید؛[۳] ازاین‌رو حضرتعليها السلام در مسجدالنبی و در برابر خلیفه، مهاجران و انصار، خطبه‌ای تاریخی و روشنگر ایراد فرمودند.[٤]

این خطبه که در ظاهر به بهانه غصب فدک ایراد شد، درحقیقت اقیانوسی از معارف و شاهکاری در فصاحت و بلاغت بود. حضرت از توحید و صفات الهی آغاز کردند، به فلسفه نبوت و اسرار احکام پرداختند و درنهایت، اعتراض خود را به غصب فدک و فراتر از آن، به ریشه انحراف‌ها یعنی غصب «ولایت» معطوف کردند.

این خطبه شگرف در گذر تاریخ به «خطبهٔ فدکیه» شهرت یافت؛ با این وجود، نکاتی عمیق و قابل تأمل وجود دارد:

۱. حضرت زهراعليها السلام غصب فدک را سبب ایراد خطبه قرار دادند؛ اما محتوای آن فقط مربوط به غصب فدک نبود و به معارف بنیادین و گسترده‌ای همچون توحید، نبوت و امامت پرداختند.

۲. این اقدام، حرکتی خلق‌الساعه و اتفاقی نبود، بلکه در امتداد سیره مستمر ایشان در دفاع از ولایت – که پیش‌تر توضیح داده شد – و پس از فاجعهٔ سقیفه قرار داشت.

۳. در برخی از روایات ائمه معصومانعليهم السلام، به‌صراحت ارتباط میان «فدک» و «ولایت» تبیین شده است؛ درواقع فدک نمادی از خلافت غصب‌شده و حقی ضایع‌شده از اهل‌بیتعليهم السلام معرفی گردیده است.

---

۱. اسراء: ۲۶.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۴۳؛ محمد بن محمد مفید، المقنعة، ص ۲۸۹ ـ ۲۹۰.

۳. علی بن ابراهیم حلبی، السیرة الحلبیة، ج ۳، ص ۵۱۲.

٤. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۲۱۵.

۴. به اذعان بسیاری از عالمان شیعه، هدف غایی این خطبه، دفاع از حریم ولایت بوده است و فدک تنها بستری برای بیان این هدف والا بود.

۵. منابع متقدمی که نخستین بار این خطبه را نقل کرده‌اند، اساساً اسم خاصی بر آن ننهاده‌اند و تنها از آن با عنوان «خطبه» یاد کرده‌اند.

با توجه به این نکات، پرسش‌های اساسی و عمیقی مطرح می‌شود:

نخست: چرا این خطبه با این حجم از معارف توحیدی، نبوی و دفاع از ولایت، به نام یک قطعه زمین مشهور شده است؟ و در پی آن، آیا تقلیل این منشور عظیم اعتقادی و سیاسی به نام «فدکیه» که صرفاً به سبب تاریخی آن اشاره دارد، منجر به دوری از پیام اصلی و هدف نهایی آن یعنی «ولایت» نمی‌شود؟ و مهم‌تر از آن، آیا این نام‌گذاری، زمینهٔ بهانه‌جویی مخالفان مبنی بر تقلیل این قیام الهی به یک دعوای شخصی بر سر ملک را فراهم نمی‌آورد؟

سزاوار است که نام‌گذاری نه بر اساس «سبب»، که بر اساس «هدف» باشد. این خطبه بیش از آنکه خطبه‌ای برای فدک باشد، خطبه‌ای برای ولایت است. در ادامه با تحلیل دقیق و خلاصه نکاتی که پیش‌تر گذشت، درصدد اثبات همین مدعا برخواهیم آمد.

۱. تحلیل محتوای خطبه: ولایت، روح حاکم بر کلام فاطمی

با تأمل در محتوای خطبه روشن می‌شود که غصب فدک، صرفاً سبب و بهانه‌ای برای ایراد آن بوده است؛ زیرا مباحث مربوط به فدک تنها بخشی از خطابه را تشکیل می‌دهد. خطبه با توحید و صفات الهی آغاز می‌شود و با تبیین فلسفه نبوت، آثار بعثت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، وضعیت جاهلیت و اسرار احکام الهی ادامه می‌یابد. سپس حضرت به جایگاه خود، حق ارث از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و رد ادعای غاصبان می‌پردازند؛ درنهایت به مهاجران و انصار می‌کنند. در کنار همه این مباحث، غصب ولایت و اعتراض به وضعیت جامعه، محور اصلی و روح حاکم بر خطبه است.

برای نمونه، حضرت در بیان فلسفه احکام می‌فرمایند: «**وَطاعَتَنا نِظاماً لِلأُمَّةِ، وَ إمامَتَنا أَماناً مِنَ الفُرقَةِ**: و [خداوند] اطاعت از ما [اهل‌بیت] را سبب نظام‌مندی امت و امامت ما را مایه امان از تفرقه قرار داد». این عبارت نشان‌دهندهٔ جایگاه محوری امامت به‌مثابهٔ عامل وحدت و مانع تفرقه است.

در فرازی دیگر، حضرت با یادآوری مجاهدت‌های امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرمایند: «**كُلَّما أَوْقَدُوا ناراً لِلْحَرْبِ أَطْفَأَها اللهُ، أَوْ نَجَمَ قَرْنُ الشَّيْطانِ، أَوْ فَغَرَتْ فاغِرَةٌ مِنَ الْمُشْرِكينَ، قَذَفَ أَخاهُ فى لَهَواتِها، فَلا يَنْكَفِئُ حَتّى يَطَأَ صِماخَها بِأَخْمَصِهِ، وَ يُخْمِدَ لَهَبَها بِسَيْفِهِ**: هرگاه آتش جنگی را

برافروختند، خداوند آن را خاموش کرد؛ و هر زمان که شاخ شیطان سر برمی‌آورد یا فتنه‌ای از سوی مشرکان دهان باز می‌کرد، [پدرم] برادرش علی علیه‌السلام را در کام آن می‌افکند و او نیز تا زمانی که مغز آن فتنه را لگدمال نمی‌کرد و شعله‌اش را با شمشیرش خاموش نمی‌ساخت، باز نمی‌گشت». این توصیف بر جایگاه بی‌بدیل امیرالمؤمنین علیه‌السلام در دفاع از اسلام و شایستگی ایشان برای جانشینی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تأکید دارد.

حضرت در ادامه درباره حوادث پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند: «**لَمّا اخْتارَ اللهُ لِنَبِيِّهِ دارَ أَنْبِيائِهِ ... ظَهَرَ فِيكُمْ حَسْكَةُ النِّفاقِ، وَ سَمَلَ جِلْبابُ الدِّينِ**: هنگامی که خداوند برای پیامبرش، سرای پیامبران را برگزید ...، خار نفاق در میان شما آشکار شد و جامه دین کهنه و فرسوده گشت». از این تعبیر روشن می‌شود که حضرت، حوادث پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را نتیجه نفاقی ریشه‌دار و انحراف از مسیر ولایت می‌دانند.

در سرزنش سکوت‌کنندگان نیز می‌فرمایند: «**هذا، وَ الْعَهْدُ قَرِيبٌ، وَالْكَلْمُ رَحِيبٌ، وَ الْجُرْحُ لَمّا يَنْدَمِلُ ... أَلا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا، وَ إِنّ جَهَنّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكافِرِينَ**: این کارها را کردید، درحالی‌که هنوز عهد [غدیر] نزدیک بود، زخم [مصیبت رحلت] وسیع بود و جراحت هنوز بهبود نیافته بود ... . آگاه باشید که آنان در همان فتنه سقوط کرده‌اند و بی‌گمان جهنم بر کافران احاطه دارد». این فراز نیز با اشاره به «عهد قریب» و «فتنه»، ناظر بر فراموشی پیمان غدیر و انحراف پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است.

همچنین خطاب به جامعه می‌فرمایند: «**فَهَيْهاتَ مِنْكُمْ، وَ كَيْفَ بِكُمْ؟ وَ أَنّى تُؤْفَكُونَ؟ وَ كِتابُ اللهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ** ...: هیهات از شما، شما را چه می‌شود؟ و به کجا منحرف می‌شوید؟ درحالی‌که کتاب خدا در میان شماست ...». این پرسش‌ها درواقع اعتراضی به انحراف جامعه از مسیر قرآن و ولایت است.

حضرت دربارهٔ خلافت غصبی نیز می‌فرمایند: «**فَدُونَكُمُوها فَاحْتَقِبُوها دَبِرَةَ الظّهْرِ، نَقِبَةَ الْخُفِّ، باقِيَةَ الْعارِ، مَوْسُومَةً بِغَضَبِ اللهِ وَ شَنارِ الْأَبَدِ**: پس بگیرید این [خلافت] را، محکم بچسبیدش که شتری است مجروح و آسیب‌دیده، ننگ آن باقی و نشان از غضب خداوند و رسوایی ابدی دارد». این تعبیر به‌روشنی نشان می‌دهد که سخن حضرت از «خلافت» و حکومت است، نه صرفاً یک ملک شخصی.

درنهایت، با ناله‌ای جانسوز می‌فرمایند: «**إِنّا فَقَدْناكَ فَقْدَ الْأَرْضِ وابِلَها / وَ اخْتَلّ قَوْمُكَ**

فَاشْهَدْهُمْ وَ لا تَغِبْ: ما تو را از دست دادیم، آن‌گونه که زمین، باران پربرکتش را از دست می‌دهد/ و قومت دچار آشفتگی و اختلاف شدند؛ پس شاهد آنان باش و از نظر پنهان مشو».[1]

مجموع این فرازها نشان می‌دهد که دغدغه اصلی و روح حاکم بر خطبه حضرت زهرا علیها السلام، نه یک مطالبه شخصی درباره فدک، بلکه دفاع از ولایت و اعتراض به انحراف جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است.

۲. سیره مستمر فاطمی: راهبردی هوشمندانه در دفاع از ولایت

خطبهٔ شکوهمند حضرت زهرا علیها السلام در مسجد، اقدامی اتفاقی و خلق‌الساعه نبود؛ بلکه نقطهٔ اوج سیره مستمر و راهبردی ایشان در دفاع همه‌جانبه از ولایت پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

انتخاب موضوع «فدک» برای کشاندن مناقشه به عرصه عمومی، اقدامی هوشمندانه بود. فدک به‌مثابهٔ یک حق شخصی و قانونی، زمینه‌ای برای حضور حضرت در مسجد و اعتراض به وضع موجود فراهم آورد. ایشان با استناد به آیات قرآن، ادعای حاکمیت درباره ارث‌نگذاشتن پیامبران را رد و تناقض آن با کتاب خدا را آشکار کردند.

بنابراین فدک تنها یک زمین نبود، بلکه نماد حقی غصب‌شده بود که به بهانه آن از حق بزرگ‌تر، یعنی امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام دفاع شد؛ ازاین‌رو خطبه، گریه‌های سیاسی و وصیت به تدفین شبانه، همگی در راستای یک هدف واحد قرار داشتند: حراست از میراث نبوت، یعنی ولایت علوی.

۳. فدک در روایات: نماد حاکمیت غصب‌شده

روایات معصومان علیهم السلام نیز این تحلیل را تأیید می‌کنند که «فدک» در واقع نمادی از «ولایت» و حکومت غصب‌شده است. صریح‌ترین گواه این مدعا، گفتگوی تاریخی میان امام موسی کاظم علیه السلام و هارون‌الرشید است. هنگامی که هارون پیشنهاد بازگرداندن فدک را مطرح کرد، امام علیه السلام شرط پذیرش آن را تحویل‌گرفتن آن با «تمام حدودش» اعلام کردند. در پاسخ به اصرار هارون، امام مرزهای فدک را چنین تعیین نمودند: از یک‌سو عدن، از سوی دیگر سمرقند، از سویی آفریقا و از سوی چهارم، سواحل دریای خزر.

هارون که در حقیقت مرزهای کل حکومت اسلامی را از زبان امام می‌شنید، با خشم گفت: «در این صورت چیزی برای ما باقی نمی‌ماند!» و امام کاظم علیه السلام پاسخ دادند: «می‌دانستم که

---

1. همان، ص ۲۲۰.

نخواهی پذیرفت».[۱]

این مکالمه کوتاه اما عمیق، به‌روشنی نشان می‌دهد که فدک در منطق اهل‌بیت علیهم‌السلام، یک مِلک شخصی نیست، بلکه نماد حاکمیت غصب‌شده است.

۴. اذعان بزرگان: فدک، رمزی برای حراست از ولایت

این نگرش به ماجرای فدک در آثار و سخنان بزرگان و عالمان شیعه نیز بازتاب یافته است. بسیاری از اندیشمندان تصریح کرده‌اند که هدف اصلی از ایراد خطبه و مطالبهٔ فدک، دفاع از حریم ولایت و اعتراض به حاکمیت وقت بوده است.

شهید سیدمحمدباقر صدر می‌فرمایند: «مطالبهٔ فدک یک مسئله شخصی و نزاع مادی نبوده است، بلکه نوعی اعلام مخالفت علیه حاکمیت وقت و نامشروع‌دانستن بنیان‌های آن حاکمیت یعنی سقیفه بود».[۲]

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در کتابشان می‌نویسند: «خلفا فدک را مصادره کردند تا این منبع اقتصادی، مایه قدرت امام علی علیه‌السلام و خاندانش نشود».[۳]

حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمه‌الله نیز درباره اهمیت این خطبه می‌فرمایند: «همه ما مدیون خطبه حضرت زهرا علیهاالسلام هستیم؛ چراکه اگر این خطبه نبود، شاید کسی امیرالمؤمنین و اهل‌بیت علیهم‌السلام و حتی حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را نمی‌شناخت».[۴]

بنابراین از منظر این اندیشمندان، خطبه فدکیه و مطالبه فدک نه نزاعی بر سر یک ملک، بلکه جهاد تبیین برای حفظ اساس اسلام، یعنی امامت و ولایت بود.

۵. عدم تسمیه این خطبه در منابع تاریخی و روایی

یکی از نکات دقیق در بررسی خطبه تاریخی حضرت زهرا علیهاالسلام، توجه به نام‌گذاری آن در منابع متقدم است. بررسی‌ها نشان می‌دهد در متون کهن روایی و تاریخی، عنوان «خطبه فدکیه» به عنوان یک نام رسمی و رایج برای این خطبه به کار نرفته است.

در مقابل، بیشتر منابعی که این خطبه را نقل کرده‌اند، از عناوینی عمومی‌تر مانند «خطبة

---

۱. محمدبن علی ابن‌شهرآشوب مازندرانی، مناقب آل‌ابی‌طالب علیهم‌السلام، ج ۴، ص ۳۲۰.

۲. محمدباقر صدر، فدک فی التاریخ، ص ۶۳ ـ ۶۶.

۳. ناصر مکارم شیرازی، پیام امیرالمؤمنین، ج ۱۰، ص ۲۰۲.

4. https://noo.rs/PidlE.

فاطمة الزهراء»،[۱] «کلام فاطمة»[۲] یا «احتجاج فاطمة»[۳] برای اشاره به آن استفاده کرده‌اند. تنها در موارد معدودی برای ارائه توضیحات بیشتر، عناوینی توصیفی همچون «خطبه حضرت زهرا در قضیه فدک»[٤] ذکر شده است.

بنابراین عنوان «خطبهٔ فدکیه»، اصطلاحی تخصیصی و علمی است که عالمان و محققان در قرون بعد وضع کرده‌اند.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

نهج‌البلاغه

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبةالله، شرح نهج‌البلاغة، قم: مکتبة آیةالله العظمی المرعشی النجفی رحمه‌الله، [بی‌تا].

۲. ابن‌بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الأمالی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.

۳. ابن‌بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، التوحید، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ ق.

۴. ابن‌بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، [بی‌تا].

۵. ابن‌حجاج نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، قاهره: دارالحدیث، ۱۴۱۲ ق.

۶. ابن‌حیون، نعمان بن محمد، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم‌السلام، قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۹ ق.

۷. ابن‌شهرآشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل‌ابی‌طالب علیهم‌السلام، قم: نشر علامه، ۱۳۷۹ ق.

۸. ابن‌طیفور، احمد بن ابی‌طاهر، بلاغات النساء، قم: الشریف الرضی، [بی‌تا].

---

۱. محمدمحسن آقابزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۷، ص ۲۰۳ و ج ۴، ص ۳۴۸؛ احمد بن علی نجاشی، رجال النجاشی، ص ۸۷؛ ابن‌حیون نعمان بن محمد، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم‌السلام، ج ۳، ص ۳۴؛ علی بن حسین علم‌الهدی، الشافی فی الإمامة، ج ۴، ص ۷۱.

۲. احمد بن ابی‌طاهر ابن‌طیفور، بلاغات النساء، ص ۲۳؛ منصور بن حسین آبی، نثر الدرر، ج ۴، ص ۵.

۳. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۹۷.

٤. علی بن حسین ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۹۵؛ محمد بن علی ابن‌بابویه (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۷؛ حسن بن سلیمان بن محمد حلی، مختصر البصائر، ص ۴۵۶.

۹. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۹ ق.
۱۰. امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتاب و السنة و الأدب، قم: مرکز الغدیر للدراسات الإسلامیة، ۱۴۱۶ ق.
۱۱. آبی، منصور بن حسین، نثر الدرر، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ ق.
۱۲. آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن، الذریعة إلی تصانیف الشیعة، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۰۳ ق.
۱۳. بحرانی، هاشم بن سلیمان، غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الإمام من طریق الخاص و العام، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۲ ق.
۱۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، قاهره: وزارة الأوقاف، المجلس الأعلی للشئون الإسلامیة، لجنة إحیاء کتب السنة، ۱۴۱۰ ق.
۱۵. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دارالتأصیل، ۱۴۳۵ ق.
۱۶. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی أهل البیت صلوات الله و سلامه علیهم، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۱۷. حلبی، علی بن ابراهیم، السیرة الحلبیة، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۷ ق.
۱۸. حلی، حسن بن سلیمان، مختصر البصائر، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۲۱ ق.
۱۹. رحمانی همدانی، احمد، فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفی، قم: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۷۸ ش.
۲۰. سلیمان بن اشعث، ابوداود، سنن ابی‌داود، قاهره: دارالحدیث، ۱۴۲۰ ق.
۲۱. صدر، محمدباقر، فدک فی التاریخ، نجف اشرف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۷۴ ق.
۲۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ ق.
۲۳. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۲۴. طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: نشر اسلام، ۱۳۷۸ ش.
۲۵. علم‌الهدی، علی بن حسین (سید مرتضی)، الشافی فی الإمامة، تهران: مؤسسة الصادق علیه‌السلام، ۱۴۰۷ ق.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.

۲۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دارإحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۸. مفید، محمد بن محمد، المقنعة، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، آیات ولایت در قرآن، قم: نشر نسل جوان، ۱۳۸۶ ش.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۵ ش.
۳۱. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۳۶۵ ش.

فصلنامه علمی ـ تخصصی ویژه مبلغان
پاییز ۱۴۰۵ ـ فاطمیه ۱۴۴۸ ـ شماره ۲۷

پرچم‌داری بانوان با الگوگیری از حضرت زهرا سلام‌الله علیها

حجت‌الاسلام والمسلمین مرتضی غرسبان روزبهانی*

چکیده

بازیابی هویت زن در نقطهٔ عطف تاریخ تحولات جهان در قرون اخیر، زن را در معرض دو انحراف بنیادین قرار داده بود؛ از یک‌سو تمدن غربی با فروکاستن حقیقت زن به جسم و جذابیت‌های مادی، او را به چرخ‌دنده‌ای در سازوکار سودجویی سرمایه‌داری و کالایی در بازار لذت تبدیل کرد؛ از سوی دیگر، نگرش‌های تحجرآمیز شرقی، زن را عنصری فاقد اراده و اثرگذاری در مقدرات جامعه و منفعل در رویدادهای تاریخی می‌انگاشتند. در میانهٔ این دو افراط و تفریط، نظام اسلامی ایران با الهام از معارف ناب قرآن و سنت نبوی و علوی، طرحی نو درانداخت و الگویی را تحقق بخشید که نه مقلد غرب بود و نه محبوس در تحجر شرق. در این الگوی متعالی، زن نه‌تنها پیرو نیست، بلکه در بزنگاه‌های حساس «پیشران»، «پرچم‌دار» و «موتور محرک حرکت جامعه» شناخته می‌شود. این جهت‌گیری بنیادین تأثیر مستقیمی از سیرهٔ صدیقه طاهره، حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام و دیگر زنان برگزیده قرآن و عترت می‌گیرد. بانوانی که با حضور بهنگام، عقلانیت عمیق، فداکاری بی‌دریغ و بصیرت بی‌مانند خود، مسیر تاریخ را به سوی حق تغییر دادند.

کلید واژه‌ها: پرچم‌داری بانوان؛ حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام؛ هویت زن؛ الگوی زن مسلمان؛ نقش اجتماعی بانوان.

---

* محقق رسمی پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

مقایسه نگاه اسلام و دیگر مکاتب به زن

در دستگاه معرفتی اسلام، گوهر مشترک انسانیت با چشم‌پوشی از جنسیت تعریف شده است. خداوند متعال خلقت زن و مرد را از یک مبدأ و حقیقت واحد می‌داند و می‌فرماید: «**يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا** ...».[1] کرامت ذاتی انسان و پاداش اعمال صالح بر پایه تقوا، ایمان و تلاش استوار است، نه مذکر یا مؤنث‌بودن. پروردگار متعال در سورهٔ «نحل» به‌صراحت ملاک دست‌یابی به «حیات طیبه» را فارغ از جنسیت، در گرو عمل صالح هم‌زمان با ایمان معرفی می‌کند و می فرماید: «**مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ**».[2] همچنین در سورهٔ «احزاب»، ده مقام برجسته معنوی و اجتماعی را برمی‌شمارد و نشان می‌دهد که افق تکامل برای زن و مرد دقیقاً برابر و متناظر است:

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيما.[3]

در ساحت مسئولیت‌های خطیر اجتماعی و نظارت همگانی بر هدایت جامعه نیز قرآن کریم، ولایت متقابل مؤمنان بر یکدیگر در امر به معروف، نهی از منکر و اقامه نماز را بدون هیچ‌گونه مرزبندی جنسیتی ترسیم می‌کند و می‌فرماید: «**وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ**».[4]

در نقطه مقابل، تمدن غرب بر مبنای فردگرایی افراطی و اومانیسم لذت‌طلب، جنسیت زن را بر انسانیت او غلبه داد. زن در ساختار سرمایه‌داری غربی در دو ساحت به اسارت درآمد: از

---

۱. نساء: ۱.

۲. نحل: ۹۷.

۳. احزاب: ۳۵.

٤. توبه: ۷۱.

یک‌سو نیروی کار ارزان برای چرخه‌های صنعتی؛ از سوی دیگر، ابزار ترویج مصرف‌گرایی و ارضای غرایز سطحی.

در دیدگاه سنتی و متداول شرقی نیز زن همواره موجودی در حاشیه تاریخ پنداشته می‌شد. در این بینش، زن عنصری فاقد توانایی تولید فکر، مدیریت بحران و موضع‌گیری جریان‌ساز قلمداد می‌گردید و حیطه وجودی او تنها در حصار انفعال و پذیرش سرنوشت رقم‌خورده از سوی دیگران معنا می‌یافت. در دوره پهلوی در ایران نیز کوشیدند ترکیبی مبتذل از کالازدگی غربی به نام کشف حجاب و انفعال سنتی بر زن ایرانی تحمیل کنند و به لگدمال‌کردن شایستگی‌های معنوی و عقلانی او بپردازند.

جایگاه والای بانوان در نظام اسلامی

نظام جمهوری اسلامی ایران با دمیدن روح قدسی اسلام ناب، چارچوب جدیدی آفرید که نه به سمت ابزارانگاری غرب حرکت کند و نه در انزوای شرقی متوقف بماند. این مفهوم که در پیام‌ها و بیانات رهبر شهید و بنیان‌گذار انقلاب اسلامی به‌روشنی صورت‌بندی شد، با عنوان «الگوی سوم زن مسلمان» شناخته می‌شود: «زن در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی؛ و در تعریف غالباً غربی، به‌مثابهٔ موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است، معرفی می‌شد. شیرزنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم، "زن نه شرقی، نه غربی" است. زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عفیف بود، محجبه و شریف بود، و در عین حال، در متن و مرکز بود».[1] تحقق این نگاه متعالی تنها در ساحت نظر باقی نماند، بلکه در دهه‌های پس از انقلاب اسلامی در تمامی عرصه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تبلور یافت.

مشارکت جدی بانوان در صحنه‌های مهم نظام اسلامی

۱. مبارزات ضدطاغوت و پیروزی انقلاب

حضور توده‌ای و سازمان‌یافتهٔ زنان محجبه در تظاهرات عظیم سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ علیه رژیم ستم‌شاهی، ستون فقرات اراده ملت را تشکیل داد. امام خمینی‌ﷺ بارها با تجلیل از این

---

۱. پیام رهبر شهید به کنگره هفت هزار زن شهید کشور، ۱۳۹۱/۱۲/۱۶.

موقعیت‌شناسی تاریخی تصریح فرمودند: «این پیروزی را ما از بانوان داریم قبل از اینکه از مردها داشته باشیم. بانوان محترم ما در صف جلو واقع بودند. بانوان عزیز ما اسباب این شدند که مردها هم جرئت و شجاعت پیدا کنند. ما مرهون زحمات شما خانم‌ها هستیم».[۱]

در صفوف مبارزه، زنانی نستوه همچون مرضیه حدیدچی (دباغ) ظهور کردند. بانویی که شاگرد امام خمینی‌ﷺ و شهید آیت‌الله مطهری بود؛ او با اینکه طعم وحشیانه‌ترین شکنجه‌های ساواک را چشید، لب به افشای اسرار نگشود. در غربت لبنان و سوریه دوره‌های چریکی و نظامی دید و پس از پیروزی، فرماندهی سپاه همدان را برعهده گرفت. عضو هیئت تاریخی اعزامی امام خمینی‌ﷺ برای ابلاغ پیام به میخائیل گورباچف رهبر اتحاد جماهیر شوروی شد و در سنگر قانون‌گذاری مجلس نقش‌آفرینی کرد.

۲. ایثار در دفاع مقدس هشت‌ساله

در هشت سال جنگ تحمیلی، زنان با تقدیم همسران، برادران و فرزندان خویش و فرستادن آنان به خطوط مقدم، شاکله روانی جامعه را در برابر ماشین جنگی استکبار حفظ کردند. فراتر از آن، ستادهای پشتیبانی مساجد با محوریت زنان اداره می‌شد. پخت نان، خیاطی، بسته‌بندی اقلام غذایی و دارویی، رختشویی لباس‌های گل‌آلود و شیمیایی رزمندگان در پایگاه‌هایی چون رختشوی‌خانه اهواز، امدادگری مجروحان زیر آتش در بیمارستان‌های صحرایی و حتی نبردهای خیابانی تن‌به‌تن در خرمشهر و سوسنگرد، گواهی بر عظمت حضور زن مسلمان بود. کتاب نقش زنان در دفاع مقدس[۲] این نقش را در چهار بعد رزمی، پشتیبانی، فرهنگی و عاطفی تحلیل و ثبت کرده است.

پرچم‌داری بانوان در دفاع از ارزش‌های اسلام و انقلاب

با تغییر ماهیت تهاجم دشمن از جنگ سخت به جنگ ترکیبی، نرم و شناختی، نوک پیکان توطئه‌ها متوجه حریم خانواده، عفت و حجاب زن مسلمان شد. دشمن دریافته بود تا زمانی که مادران و دختران این سرزمین سنگربان ایمان و غیرت دینی باشند، تسخیر فکری جامعه ناممکن است. در این معرکه، بانوان انقلابی به افسران خط مقدم جهاد تبیین بدل شدند. حضور سازمان‌یافته بانوان در مساجد، هیئت‌های مذهبی، دانشگاه‌ها و قرارگاه‌های فضای مجازی،

---

۱. سیدروح‌الله خمینی، صحیفه امام، ج ۷، ص ۶، بیانات در جمع دانشجویان دختر، ۲۴ فروردین ۱۳۵۸.

۲. محمدعلی جودکی، نقش زنان در دفاع مقدس، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵ ش.

سناریوهای فتنه‌انگیز را خنثی کرد. زن مسلمان در این عرصه نشان داد که خانواده نقطه عزیمت مقاومت است؛ او آرامش روانی خانه را در ایام بحران حفظ کرد و هم‌زمان در عرصه عمومی، با روشنگری و آگاهی‌بخشی، روایت‌های وارونه رسانه‌های بیگانه را شکست داد.

قدرت واقعی نظام اسلامی در عمق پیوند میان ملت و حاکمیت نهفته است. زنان در جایگاه مربیان نسل آینده، پیوند عاطفی و ایمانی جامعه را تحکیم می‌بخشند. پایداری یک مادر در تشییع فرزند شهیدش، بیانیه رسای شکست‌ناپذیری یک امت است. حضور فعال بانوان در راهپیمایی‌های عظیم ۲۲ بهمن، روز قدس، تشییع باشکوه فرماندهان مقاومت و مجاهدان فی‌سبیل‌الله، قدرت بازدارندگی استواری را در برابر فشارها به وجود آورده است و محاسبات قدرت‌های استکباری را به هم ریخته است.

سبقت بانوان در مواقع ضروری دفاع از نظام

در بسیاری از برهه‌های پرالتهاب انقلاب، بانوان در نقطه‌ای پیش‌تر و خطشکن‌تر ظاهر شده‌اند. رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای در پیامی به مناسبت هفته دفاع مقدس و سالگرد شهادت سید مقاومت شهید سیدحسن نصرالله، این حقیقت خیره‌کننده را چنین ترسیم فرمودند: «روزهایی بود که عنصر دلیری مردمان این مرزوبوم با مردانش شناخته می‌شد؛ امّا اینک در روزهایی هستیم که بانوان در بعضی از عرصه‌های حضور دلیرانه، از مردان سبقت می‌گیرند».[1]

در جنگ تحمیلی اخیر، دشمن سرمایه‌گذاری سنگینی بر ایجاد هراس عمومی و گسست اجتماعی انجام داده بود تا اراده ملت را در هم بشکند. در این میان، پدیده شگفت‌انگیز «تجمعات شبانه» مردم در بیش از صدها شهر کشور جلوه‌نمایی کرد. گزارش‌های مستند میدانی و رسانه‌ای نشان می‌دهد محرک اصلی در این حضور را مادران، فرزندان و شیرزنان ایران اسلامی شکل می‌دادند. بانوان غیور با درآغوش‌گرفتن فرزندان خردسال خود و کشاندن خانواده‌ها به خیابان‌ها و میادین شهرها در ساعاتی از شب، خیابان را به دژ غیرت و حمایت از تمامیت ارضی و حاکمیت نظام اسلامی بدل کردند. این حضور هشت‌ماههٔ امت مبعوث، ابهت توخالی دشمن را فروریخت و با برپایی موکب‌های جهادی، دوختن پرچم‌های مقاومت، توزیع اقلام خوراکی و سردادن شعارهای حماسی، صحنه‌های صدر اسلام را زنده گردانید. این همان سبقت‌گیری در

---

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۴۰۵/۰۷/۰۶.

دفاع از کیان اسلام و اثبات پیوند ناگسستنی زن مسلمان با ارکان انقلاب بود.

الگوگیری بانوان میهن اسلامی از الگوهای دینی

خداوند متعال در قرآن مجید، مؤمنان عالم را به الگوهای والایی ارجاع می‌دهد که در سخت‌ترین شرایط، توحید ناب را حفظ کردند. در سورهٔ «تحریم»، دو بانو در جایگاه «اسوهٔ جمیع مؤمنان» (زن و مرد)، معرفی می‌شوند و می‌فرماید:

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهِ وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ.[1]

الف) حضرت آسیه، تجلی تسلیم‌ناپذیری در کانون طاغوت بود. او در کاخ فرعون زیست؛ اما فریب زرق‌وبرق استبداد را نخورد، بلکه ندای قرب پروردگار سر داد و هسته مقاومت در برابر طغیان فرعونی را حراست کرد. زنان مبارز ایران در عصر ستم‌شاهی پهلوی، با تمسک به همین منش آسیه‌وار، کانون‌های مبارزه را در خانه‌ها روشن نگاه داشتند.

ب) حضرت مریم علیهاالسلام، نماد طهارت، استقامت، اتصال به غیب، و ایستادگی در برابر اتهامات بدخواهان است؛ زنی که در میان تندباد زخم‌زبان‌ها، پرچم تقوا و کلمه الهی را برافراشت.

ج) حضرت خدیجه کبری علیهاالسلام، الگوی انفاق همه‌جانبه و بذل ثروت در شعب ابی‌طالب بود. قرآن کریم دربارهٔ این‌گونه افراد می‌فرماید: «**الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ**».[2] مادران و زنان ایرانی در سال‌های دفاع مقدس و تحریم‌های ظالمانه، با بذل طلاها و اندوخته‌های خویش برای رزمندگان و گره‌گشایی از محرومان، درس‌آموخته مکتب خدیجه کبری علیهاالسلام بودند.

د) حضرت زینب کبری علیهاالسلام، قلهٔ صبر حکیمانه، بصیرت و جهاد روایت است. اگر زینب علیهاالسلام پس از عصر عاشورا نبود، واقعه کربلا در کربلا دفن می‌شد یا از سوی تحریف‌گران اموی مسخ می‌گردید. عبارت جاودانهٔ «**مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا**» در مجلس ابن‌زیاد، نشانه اوج بینش، بصیرت و

---

۱. تحریم: ۱۱ ـ ۱۲.

۲. توبه: ۲۰.

صلابت سیاسی او بود. زنان فعال در حوزه رسانه و مستندسازی دفاع مقدس، راویان زینبی عصر ما هستند که اجازه ندادند جای شهید و جلاد تغییر یابد.

الگوگیری بانوان از حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام

قله و اسوه تراز بانوان مکتب اسلام، حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام است. شخصیتی که امام عصر، مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در توصیف ایشان می‌فرمایند: «**وَ فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ**».[1] فاطمه زهرا علیهاالسلام حقیقت لیلةالقدر و خیر کثیر الهی است؛ به همین دیل در رأس همه انوار الهی، زهرای مرضیه علیهاالسلام قرار دارد؛ بانویی که با قیام فکری و سیاسی، خطبه‌خوانی‌های تبیینی، ایستادگی بر حریم امامت و بذل جان در مسیر توحید، بنیان‌گذار پرچم‌داری زنان در بزنگاه‌های سخت تاریخ شد. کنشگری سیاسی و اجتماعی آن حضرت پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله، دقیق‌ترین نقشه راه پرچم‌داری زن مؤمن در صیانت از ولایت و عدالت را پیش چشم بشر قرار داد. این پرچم‌داری را می‌توان در چند عرصه بیان کرد:

۱. بصیرت و جهاد تبیین

یکی از درخشان‌ترین ویژگی‌های وجودی حضرت فاطمه علیهاالسلام، پیشگامی ایشان در جهاد تبیین است. پس از ارتحال پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و هنگامی که غبار انحراف سقیفه و بازگشت به رسوم جاهلی فضای مدینه را فراگرفت، حضرت زهرا علیهاالسلام سکوت نکرد. ایشان با همراهی زنانی از بنی‌هاشم به مسجدالنبی رفتند و در حضور سران مهاجر و انصار «خطبه فدکیه» را ایراد فرمودند. حضرت در این خطبه، اصول توحید، فلسفه نبوت، اسرار احکام و فلسفه امامت را این‌گونه آشکارا بیان نمودند: «**فَجَعَلَ اللَّهُ الإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ ... وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَ إِمَامَتَنَا أَمَاناً مِنَ الْفُرْقَةِ**:[2] خداوند اطاعت از ما اهل‌بیت را مایه انسجام و نظم امت، و امامت ما را مانع تفرقه و جدایی قرار داد».

بانوی دوعالم همچنین در واپسین روزهای حیات و در بستر بیماری، هنگامی که زنان مدینه به عیادت ایشان آمدند، خطبه‌ای تکان‌دهنده خواند و خمودگی، دنیاطلبی و خطای بزرگ مردانشان را برشمرد: «**أَصْبَحْتُ وَ اللَّهِ عَائِفَةً لِدُنْيَاكُمْ، قَالِيَةً لِرِجَالِكُمْ ...**».[3] این همان بنیان‌گذاری

---

۱. محمد بن حسن طوسی، الغیبة، ص ۲۴۵؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰.

۲. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۹؛ احمد بن ابی‌طاهر طیفور، بلاغات النساء، ص ۱۲.

۳. احمد بن ابی‌طاهر طیفور، بلاغات النساء، ص ۱۹.

سنت روشنگری و خطبه‌خوانی بود که در ادامهٔ تاریخ از سوی امام علی علیه‌السلام، امام حسین علیه‌السلام و حضرت زینب علیهاالسلام استمرار یافت.

۲. دفاع از حریم ولایت

حضرت صدیقه طاهره علیهاالسلام سیاست‌مداری در تراز ولایت‌مداری بود. ایشان چهل شب، سوار بر مرکب، دست حسنین علیهماالسلام را گرفت و بر در خانه یکایک انصار و مهاجر حاضر شد و بیعت غدیر را به یاد آنان آورد. فاطمه علیهاالسلام می‌دانست انحراف از امامت الهی، جامعه را به قهقرا خواهد برد. زمانی هم که به بیت وحی هجوم آوردند، حضرت خود در خط مقدم ایستاد، میان در و دیوار قرار گرفت، آسیب دید، فرزندش سقط شد و تا سرحد بذل جان و شهادت، دست از دفاع از امام زمان خویش برنداشت تا سندی جاودان بر حقانیت ولایت و مظلومیت اهل‌بیت علیهم‌السلام ثبت کند.

نتیجه

بررسی منظومهٔ معرفتی اسلام و رویدادهای تاریخی نشان می‌دهد پرچم‌داری بانوان، اصلی اساسی و هویتی در حرکت تمدن اسلامی است. انقلاب اسلامی ایران بر پایه معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام توانست زنجیرهای تحجر شرقی و کالازدگی غربی را پاره کند و «الگوی سوم زن» را به‌مثابهٔ تنها راهکار رهایی حقیقی زن به جهان معاصر عرضه دارد. الگویی که در آن عفت و حیا با بصیرت عمیق، شجاعت بی‌مانند و کنشگری اجتماعی هم‌پیوند است.

حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام در جایگاه محور اهل‌بیت علیهم‌السلام و اسوه اولیای الهی، با نطق تبیینی خویش، حضور میدانی در دفاع از ولایت، ایستادگی در برابر دنیاطلبان و بذل جان، نقشه راه جامع این پرچم‌داری را ترسیم کرد. زنان مؤمن و انقلابی ایران با تأسی به این خورشید تابناک و بهره‌گیری از سیرهٔ آسیه، مریم، خدیجه و زینب کبری علیهاالسلام، در پیروزی انقلاب، دفاع مقدس، عرصه‌های علمی و دانش‌بنیان و جنگ‌های پیچیده شناختی و تحمیلی اخیر به عنوان نیروی پیشران، خط‌شکن و پرچم‌دار وارد صحنه شدند.

حضور حماسی و سبقت‌آمیز بانوان در تجمعات شبانه و ایستادگی سرسختانه در برابر تهاجم‌های همه‌جانبه، سند گویای این حقیقت است که تا زمانی که بانوان یک جامعه با الگوگیری از زهرای مرضیه علیهاالسلام در سنگر جهاد تبیین، خانواده، علم و دفاع از ولایت حاضر باشند، هیچ توطئه‌ای قادر به شکستن اراده آن امت نخواهد بود.

کتابنامه

قرآن کریم

۱. ابن‌ابی‌طاهر طیفور، احمد، بلاغات النساء. بیروت: دارالفضیلة، [بی‌تا].

۲. جودکی، محمدعلی، نقش زنان در دفاع مقدس، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵ ش.

۳. خمینی، سیدروح‌الله. (۱۳۸۵). صحیفه امام (مجموعه رهنمودها و پیام‌های امام خمینی). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵ ش.

۴. دباغ (حدیدچی)، مرضیه، خاطرات مرضیه حدیدچی (دباغ)، به کوشش محسن کاظمی، تهران: سوره مهر، ۱۳۸۵ ش.

۵. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: نشر المرتضی، ۱۴۰۳ ق.

۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

فصلنامه علمی ـ تخصصی ویژه مبلغان
پاییز ۱۴۰۵ ـ فاطمیه ۱۴۴۸ ـ شماره ۲۷

الگوی کنشگری اجتماعی زنان در سیرهٔ حضرت فاطمه سلام الله علیها

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسین افشاری کرمانی*

چکیده

این مقاله با مطالعهٔ تحلیلی سیرهٔ حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و بهره‌گیری از مفاهیم علوم اجتماعی، مؤلفه‌های الگوی کنشگری اجتماعی زنان را استخراج و تبیین می‌کند. در برابر دو رویکرد ناکافی ـــ سکولارِ به‌حاشیه‌رانندهٔ خانواده و برداشت‌هایی که حضور زن را به محیط خانه محدود می‌کنند ـــ بر الگویی متوازن مبتنی بر ایمان، کرامت انسانی و مسئولیت اجتماعی تأکید دارد. کنشگری اجتماعی به‌عنوان رفتاری آگاهانه، هدفمند و ارزش‌مدار تعریف و مبانی آن در مسئولیت مشترک زنان و مردان مؤمن، تعاون بر نیکی و امر به معروف پیگیری می‌شود. سپس شش مؤلفه تبیین می‌شود: مسئولیت‌پذیری اجتماعی؛ آگاهی‌بخشی و تبیین حقیقت؛ عدالت‌خواهی و مطالبه‌گری؛ شجاعت اخلاقی؛ عقلانیت و گفت‌وگوی اقناعی؛ و پیوند مسئولیت خانوادگی با مسئولیت اجتماعی. خطبهٔ فدکیه مهم‌ترین نمونهٔ تحلیل‌شده است؛ خطبه‌ای که فراتر از مطالبهٔ حق اقتصادی، عرصهٔ دفاع مستدل از عدالت، امامت و مصالح عمومی معرفی می‌شود و استناد به قرآن و سنت، رعایت اخلاق در مطالبه‌گری و تلاش برای اقناع مخاطب از شاخص‌های آن است. در تبیین نسبت خانواده و جامعه، خانواده خاستگاه پرورش اعتماد و مسئولیت‌پذیری دانسته می‌شود، نه مانع مشارکت. برآیند مقاله، معرفی الگویی برای حضور مسئولانهٔ زنان در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای امروز با تأکید بر آگاهی، نقد منصفانه، گفت‌وگوی سازنده و مدیریت متوازن نقش‌هاست.

کلید واژه‌ها: حضرت فاطمه زهرا علیها السلام؛ کنشگری اجتماعی زنان؛ سیرهٔ فاطمی؛ مشارکت اجتماعی.

---

* دانشجوی دکتری رشته مدیریت.

مقدمه

جامعهٔ انسانی برای دست‌یابی به رشد، عدالت و پویایی، نیازمند مشارکت فعال تمامی اعضای خود است. زنان در جایگاه نیمی از سرمایهٔ انسانی هر جامعه، نقشی اساسی در شکل‌گیری سرمایهٔ اجتماعی، انتقال ارزش‌های فرهنگی، تربیت نسل آینده و پیشبرد اهداف اجتماعی ایفا می‌کنند؛ با این وجود، چگونگی حضور اجتماعی زنان و حدود و کیفیت کنشگری آنان همواره از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث در اندیشه‌های اجتماعی، فرهنگی و دینی بوده است. این مسئله در جوامع اسلامی به دلیل ارتباط آن با آموزه‌های دینی، اهمیت مضاعفی دارد و دیدگاه‌های مختلفی درباره نسبت میان مسئولیت‌های خانوادگی و حضور اجتماعی زنان مطرح شده است.[۱]

در دهه‌های اخیر با افزایش تحولات فرهنگی، گسترش رسانه‌های جدید، تغییر سبک زندگی و دگرگونی نقش‌های اجتماعی، پرسش‌های تازه‌ای درباره الگوی مطلوب حضور زنان در جامعه به وجود آمده است؛ ازاین‌رو برخی رویکردها با تأکید بر الگوهای سکولار، مشارکت اجتماعی زنان را بیشتر بر اساس استقلال فردی و رقابت اجتماعی تفسیر می‌کنند و نقش خانواده را به حاشیه می‌رانند؛ از سوی دیگر، برخی برداشت‌های نادرست از متون دینی، حضور اجتماعی زنان را به کمترین میزان رسانیده‌اند و نقش آنان را فقط در محدودهٔ خانواده تعریف می‌کنند. هر دو رویکرد با چالش‌هایی روبرو هستند و نمی‌توانند تصویری جامع و متوازن از جایگاه زن مسلمان ارائه دهند.[۲]

از منظر اسلام، حضور اجتماعی زنان هنگامی ارزشمند است که در چارچوب کرامت انسانی، مسئولیت‌پذیری، اخلاق و مصالح جامعه انجام گیرد. بنابراین برای تبیین الگوی صحیح کنشگری اجتماعی زنان، مراجعه به سیره عملی معصومان علیهم‌السلام به‌ویژه حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام، ضرورتی اساسی دارد. حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام تنها الگوی معنویت، عبادت، همسرداری و مادری نیستند، بلکه در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز شخصیتی فعال، آگاه و مسئول به شمار می‌آیند.

---

۱. نرجس رودگر و ناهید طیبی، «تحلیل نقش‌آفرینی زنان مسلمان در سیاست و جنگ در تاریخ اسلام و ایران معاصر بر اساس الگوی سوم زن مسلمان»، ص ۱۰۱-۱۰۲.

۲. راحله کاردوانی و معصومه نفیسی‌راد، «زمینه‌های مؤثر بر هویت زنان در ایران؛ مرور نظام‌مند پژوهش‌های داخلی در دو دهه گذشته»، ص ۳۸-۷۹.

با وجود پژوهش‌های متعدد درباره فضایل، شخصیت و ابعاد تاریخی زندگی حضرت زهرا علیها السلام، بسیاری از این آثار بیشتر جنبهٔ توصیفی یا تاریخی دارند و کمتر به استخراج «الگوی نظام‌مند کنشگری اجتماعی» از سیره ایشان پرداخته‌اند. خلأ پژوهشی موجود، ضرورت انجام مطالعاتی را نشان می‌دهد که بتواند با نگاهی میان‌رشته‌ای، ضمن بهره‌گیری از منابع اسلامی، یافته‌های علوم اجتماعی را نیز در تحلیل سیره حضرت زهرا علیها السلام به کار گیرد. هدف نوشتار حاضر این است که با مطالعه تحلیلی سیرهٔ حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، مؤلفه‌های اصلی الگوی کنشگری اجتماعی زنان را استخراج و تبیین کند.

مفهوم کنشگری اجتماعی زنان

۱. مفهوم کنشگری اجتماعی

«کنشگری اجتماعی»[1] در دهه‌های اخیر به یکی از مفاهیم کلیدی علوم اجتماعی تبدیل شده است. این مفهوم به رفتار آگاهانه، هدفمند و مسئولانه‌ای اشاره دارد که فرد یا گروه برای تأثیرگذاری بر محیط اجتماعی، اصلاح ساختارها، دفاع از ارزش‌ها یا حل مسائل عمومی انجام می‌دهد. کنشگری اجتماعی برخلاف رفتارهای روزمره، مبتنی بر انتخاب آگاهانه، احساس مسئولیت و تلاش برای ایجاد تغییر در جامعه است.[2] کنشگری اجتماعی در ادبیات فارسی نیز به معنای حضور فعال، مسئولانه و اثرگذار افراد در عرصه عمومی برای تحقق منافع عمومی، اصلاح اجتماعی و مشارکت در حل مسائل جامعه تعریف شده است.[3] بنابراین، عناصر اصلی کنشگری اجتماعی را می‌توان در پنج مؤلفه خلاصه کرد: آگاهی؛ مسئولیت‌پذیری؛ هدفمندی؛ ارزش‌مداری؛ و اثرگذاری اجتماعی.

۲. کنشگری اجتماعی در اندیشهٔ اسلامی

اصطلاح «کنشگری اجتماعی» به‌صراحت در منابع اسلامی به کار نرفته است؛ اما آموزه‌های قرآن کریم و سیرهٔ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل‌بیت علیهم السلام سرشار از مفاهیمی است که با این اصطلاح هم‌پوشانی دارند. انسان در اندیشهٔ اسلامی، موجودی مسئول در برابر خداوند، خویشتن و

---

1 .Social Activism

2. Giddens, A. (1984). The Constitution of Society. Berkeley: University of California Press, p:45.

۳. ر.ک به: مصطفی ازکیا و غلامرضا غفاری، جامعه‌شناسی توسعه؛ باقر ساروخانی، درآمدی بر جامعه‌شناسی.

جامعه است و ایمان حقیقی افزون بر ابعاد فردی، در مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیز تجلی می‌یابد.

یکی از مهم‌ترین مبانی قرآنی کنشگری اجتماعی در این آیه آمده است: «**وَالمُؤمِنُونَ وَالمُؤمِنَاتُ بَعضُهُم أَولِيَاءُ بَعضٍ يَأمُرُونَ بِالمَعرُوفِ وَيَنهَونَ عَنِ المُنكَرِ**:[1] مردان و زنان باایمان دوست و یار یکدیگرند؛ همواره به کارهای نیک و شایسته فرمان می‌دهند و از کارهای زشت و ناپسند بازمی‌دارند». این آیه، زنان و مردان مؤمن را اعضای یک جامعهٔ مسئول معرفی می‌کند که وظیفه مشترک آنان، گسترش معروف و مقابله با منکر است. مفسران این آیه را دال بر مشارکت اجتماعی زنان و مردان در اصلاح جامعه دانسته‌اند؛ به بیان دیگر، آن را می‌توان یک کنشگری اجتماعی نامید.[2]

اصل «تعاون بر نیکی و تقوا» نیز یکی دیگر از مبانی مهم کنشگری اجتماعی در اسلام است. قرآن کریم می‌فرماید: «**وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى**:[3] و یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری نمایید». این اصل نشان می‌دهد که مشارکت اجتماعی در اسلام صرفاً یک انتخاب فردی نیست، بلکه وظیفه‌ای دینی برای تحقق خیر عمومی محسوب می‌شود.

آموزهٔ «امر به معروف و نهی از منکر» نیز از مهم‌ترین سازوکارهای اصلاح اجتماعی در اندیشه اسلامی است. شهید مطهری این اصل را «ضامن حیات اجتماعی اسلام» می‌داند و معتقد است که بی‌توجهی به مسائل جامعه، با روح اسلام ناسازگار است.[4]

۳. جایگاه زنان در کنشگری اجتماعی از منظر اسلام

بررسی منابع اسلامی نشان می‌دهد اسلام برای زنان افزون بر نقش‌های خانوادگی، مسئولیت‌های اجتماعی نیز قائل است. قرآن کریم در کنار معرفی زنان نمونه‌ای چون حضرت مریم علیهاالسلام، آسیه علیهاالسلام و مادر حضرت موسی علیه‌السلام، از آنان در جایگاه شخصیت‌هایی یاد می‌کند که تصمیم‌ها و اقداماتشان آثار اجتماعی گسترده‌ای بر جای گذاشته است.[5] در سیرهٔ نبوی نیز زنان

---

۱. توبه: ۷۱.

۲. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۵۵۸.

۳. مائده: ۲.

٤. حسین جوادی‌نیا، امر به معروف و نهی از منکر در آثار شهید مطهری، ص ۵۸.

۵. ر.ک به: حسین بستان و رضا دهقان‌نژاد، زن در قرآن.

در عرصه‌های مختلف فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و اجتماعی حضور داشته‌اند. مواردی چون بیعت زنان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مشارکت آنان در تعلیم و تعلم، حضور در فعالیت‌های خیریه و نقش‌آفرینی در دفاع از ارزش‌های اسلامی، نشان می‌دهد که زن مسلمان در صدر اسلام از مشارکت اجتماعی محروم نبوده است.[۱]

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام برجسته‌ترین نمونهٔ زن مسلمان است که با وجود ایفای کامل نقش‌های خانوادگی، در حساس‌ترین مقاطع تاریخ اسلام نیز حضوری فعال و اثرگذار داشتند. ایشان با بهره‌گیری از گفتگو، استدلال، روشنگری و دفاع از عدالت، الگویی از کنشگری اجتماعی مبتنی بر ایمان، عقلانیت و مسئولیت‌پذیری ارائه دادند.[۲]

مؤلفه‌های الگوی کنشگری اجتماعی زنان در سیرهٔ حضرت فاطمه علیها السلام

سیرهٔ حضرت فاطمه زهرا علیها السلام مجموعه‌ای از رفتارها، گفتارها و مواضعی است که در کنار ابعاد عبادی و خانوادگی، جلوه‌های روشنی از حضور آگاهانه و مسئولانه در عرصه اجتماع را به نمایش می‌گذارد. مطالعهٔ این سیره نشان می‌دهد کنشگری اجتماعی در اندیشه فاطمی، فقط حضور در اجتماع یا ایفای نقش‌های اجتماعی نیست، بلکه مجموعه‌ای از کنش‌های هدفمند، ارزش‌مدار و اصلاح‌کننده است که بر اساس ایمان، عقلانیت و مسئولیت اجتماعی شکل می‌گیرد. در ادامه به مهم‌ترین مؤلفه‌های این الگو پرداخته می‌شود.

۱. مسئولیت‌پذیری اجتماعی؛ نقطهٔ آغاز کنشگری

یکی از بنیادی‌ترین ویژگی‌های کنشگری اجتماعی در سیرهٔ حضرت فاطمه علیها السلام، احساس مسئولیت در برابر سرنوشت جامعه اسلامی است. بر اساس اندیشه اسلامی، مسئولیت اجتماعی از ایمان انسان سرچشمه می‌گیرد و محدود به منافع فردی یا خانوادگی نیست. قرآن کریم مؤمنان را در برابر سرنوشت یکدیگر مسئول می‌داند و آنان را به همکاری در نیکی، اصلاح جامعه و جلوگیری از گسترش فساد فراخوانده است.[۳]

---

۱. رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی ائمه علیهم السلام، ص ۸۰-۹۰.

۲. ر.ک به: گروهی از نویسندگان، دانشنامه فاطمی.

۳. توبه: ۷۱؛ مائده: ۲.

جامعهٔ اسلامی پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با تحولات مهمی در حوزهٔ رهبری و مدیریت سیاسی روبرو شد. حضرت فاطمه علیها السلام در چنین شرایطی سکوت و انفعال را برنگزیدند، بلکه با احساس مسئولیت در برابر آیندهٔ امت اسلامی، در عرصه عمومی حضور یافتند و دربارهٔ آنچه انحراف از مسیر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دانستند، واکنش نشان دادند.[1] این حضور را نمی‌توان فقط دفاع از یک حق شخصی یا خانوادگی دانست، بلکه باید آن را جلوه‌ای از مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قبال حفظ هویت و انسجام جامعه اسلامی تلقی کرد.

رفتار حضرت زهرا علیها السلام را می‌توان نمونه‌ای از کنش مبتنی بر مسئولیت اجتماعی دانست؛ کنشی که هدف آن حفظ منافع عمومی جامعه اسلامی بود، نه دست‌یابی به منافع فردی.

بنابراین نخستین اصل الگوی کنشگری اجتماعی زنان در سیرهٔ حضرت زهرا علیها السلام، «احساس مسئولیت در برابر سرنوشت جامعه» است. این اصل بیان می‌کند که زن مسلمان افزون بر ایفای مسئولیت‌های خانوادگی، نمی‌تواند در برابر مسائل فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی جامعه بی‌توجه باشد، بلکه باید با حفظ موازین دینی در راستای اصلاح و ارتقای جامعه نقش‌آفرینی کند.

۲. آگاهی‌بخشی و تبیین حقیقت؛ مهم‌ترین ابزار کنشگری اجتماعی

دومین مؤلفهٔ اساسی در الگوی کنشگری حضرت فاطمه علیها السلام، آگاهی‌بخشی و روشنگری اجتماعی است. تجربهٔ تاریخی جوامع نشان داده است بسیاری از انحراف‌های اجتماعی، نتیجهٔ آگاهی‌نداشتن عمومی یا تحریف حقیقت است. بنابراین یکی از مؤثرترین شیوه‌های اصلاح اجتماعی، ارتقای سطح آگاهی مردم و تبیین صحیح واقعیت‌هاست.

برجسته‌ترین نمونه این رویکرد در سیرهٔ حضرت زهرا علیها السلام، «خطبه فدکیه» است. این خطبه صرفاً سخنرانی برای مطالبه یک حق اقتصادی نبود، بلکه متنی جامع در حوزه توحید، نبوت، فلسفه احکام، عدالت، امامت و تحلیل شرایط اجتماعی پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شمار می‌رود.[2]

حضرت زهرا علیها السلام در این خطبه به جای استفاده از زبان احساس یا تحریک عواطف، با استناد

---

۱ . خطبه فدکیه و سخنرانی در جمع زنان مدینه از جمله این موارد است.

۲. خطبه فدکیه حضرت زهرا علیها السلام در کتاب بلاغات النساء تألیف ابوالفضل احمد بن ابی‌طاهر طیفور نقل شده است. این اثر از کهن‌ترین منابع ثبت‌کنندهٔ این خطبه است و در چاپ موجودِ معرفی‌شده در کتابخانه قائمیه، مشخصات نشر آن به این ترتیب است: قم: مکتبه الحیدریه، ۱۳۷۸. در همین نسخه، خطبه در جلد ۱، صفحه ۲۵ با عنوان «کلام فاطمة بنت رسول‌الله صلی الله علیه و آله» دیده می‌شود.

به آیات قرآن، سنت نبوی و استدلال منطقی به اقناع مخاطبان می‌پردازند. این شیوه نشان می‌دهد که در اندیشه فاطمی، اصلاح جامعه بیش از هر چیز نیازمند افزایش آگاهی عمومی و تبیین حقیقت است.

در علوم اجتماعی، آگاهی عمومی از عوامل اصلی توانمندسازی جامعه و افزایش مشارکت مدنی شناخته می‌شود. فریره،[1] آگاهی انتقادی را مقدمه رهایی انسان از سلطه و بی‌تفاوتی می‌داند.[2] بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که کنشگری اجتماعی در سیرهٔ حضرت زهرا علیها السلام، پیش از آنکه بر تقابل و رویارویی استوار باشد، بر «تبیین حقیقت، ارتقای آگاهی و اصلاح افکار عمومی» تأکید می‌کند. این اصل برای جامعه معاصر نیز اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا توانایی تحلیل، تبیین و روشنگری در عصر رسانه و شبکه‌های اجتماعی، از مهم‌ترین ابزارهای کنشگری مسئولانه به شمار می‌رود.

۳. عدالت‌خواهی و مطالبه‌گری؛ محور کنشگری اجتماعی در سیرهٔ حضرت فاطمه علیها السلام

عدالت از بنیادی‌ترین ارزش‌های اسلام و از مهم‌ترین اهداف بعثت انبیای الهی است. قرآن کریم برپایی عدالت را رسالت مشترک پیامبران معرفی می‌کند و می‌فرماید: «**لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ**:[3] همانا ما پیمبران خود را با ادلّه و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند».

بر این اساس، عدالت نه‌تنها یک فضیلت اخلاقی، بلکه اصلی اجتماعی و زیربنای سلامت جامعه اسلامی است. هرگونه انحراف از عدالت، زمینه‌ساز گسترش تبعیض، تضعیف اعتماد عمومی و فروپاشی انسجام اجتماعی خواهد بود؛ ازاین‌رو دفاع از عدالت و مطالبه آن از مهم‌ترین جلوه‌های کنشگری اجتماعی در اندیشه اسلامی به شمار می‌رود.

یکی از برجسته‌ترین ابعاد سیرهٔ حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، عدالت‌خواهی آگاهانه و مطالبه‌گری مبتنی بر استدلال است. موضوع فدک در ظاهر به مسئله مالکیت یک زمین مربوط می‌شد؛ اما بررسی دقیق «خطبه فدکیه» نشان می‌دهد که دغدغهٔ اصلی حضرت فقط بازپس‌گیری یک حق اقتصادی نبود، بلکه دفاع از عدالت، صیانت از سنت نبوی و جلوگیری از

---

1 .Freire

2 .Freire, P. (1970). Pedagogy of the Oppressed. New York: Continuum. P: 35.

۳. حدید: ۲۵.

تثبیت رویه‌هایی بود که می‌توانست بنیان‌های عدالت در جامعه اسلامی را متزلزل کند.

حضرت علیهاالسلام در بخشی از این خطبه، عدالت را هدیه خداوند برای التیام قلب‌ها بیان می‌کنند: «**وَ الْعَدْلَ تَنْسیقاً لِلْقُلُوبِ**».

حضرت زهرا علیهاالسلام مطالبهٔ خود در «خطبهٔ فدکیه» را بر پایه احساسات یا جایگاه خانوادگی مطرح نمی‌کنند، بلکه با استناد به آیات قرآن، سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و قواعد حقوقی، مشروعیت ادعای خود را تبیین می‌کنند. ایشان در بخشی از این خطبه، قرآن کریم را حاکمی عادل معرفی می‌کنند که نشان می‌دهد اولاً قضاوت ها باید بر اساس عدالت باشد؛ ثانیاً قرآن را محور عدالت‌ورزی بیان می‌کنند: «**هذا کِتابُ اللّهِ حُکْماً عَدْلاً وَ ناطِقاً فَصْلاً**: این کتاب خداست که حاکمی است عادل و ناطقی است که بین حق و باطل جدایی می‌اندازد».

این شیوه نشان می‌دهد که مطالبه‌گری در سیرهٔ فاطمی، فرایندی عقلانی، مستند بر اساس کتاب آسمانی، اخلاق‌محور و عدالت‌محور است. ایشان حتی در اوج اختلاف، از چارچوب استدلال و گفتگو خارج نمی‌شوند و کوشش در اقناع مخاطبان با منطق و برهان دارند.

عدالت در ادبیات علوم اجتماعی یکی از ارکان مشروعیت نظام اجتماعی محسوب می‌شود. راولز،[1] عدالت را نخستین فضیلت نهادهای اجتماعی می‌داند و معتقد است هیچ جامعه‌ای بدون رعایت عدالت نمی‌تواند از ثبات و مشروعیت پایدار برخوردار باشد.[2] این اندیشه ها با اینکه مبتنی بر فلسفه سیاسی لیبرال است؛ اما مسئلهٔ قابل توجه در این میان، تأکید این اندیشمندان بر نقش عدالت در حفظ اعتماد عمومی است که نشان می‌دهد عدالت و اجرای آن مطالبه‌ای است که همگان خواهان تحقق آن در جامعهٔ خویش هستند.

نکته‌ای که بیشتر باید بدان توجه کرد اینکه عدالت‌خواهی، فرایندی فعال و مستمر است و بدون مشارکت آگاهانه شهروندان محقق نخواهد شد. بر همین اساس می‌توان گفت حتی اگر امام معصوم در جامعه‌ای حاکم باشند، اما مردم در اجرای عدالت او را یاری نرسانند، امام معصوم کاری پیش نمی‌برد. این نکته خلاف مباحث ولایت تکوینی ایشان نیست، بلکه بر اساس آیهٔ ۱۱ سورهٔ رعد: «**إِنّ اللّهَ لَا یُغَیِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتّی یُغَیِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ**: خداوند سرنوشت هیچ قوم [و ملّتی] را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند».

بنابراین رفتار حضرت زهرا علیهاالسلام را می‌توان نمونه‌ای از «مطالبه‌گری مسئولانه» دانست؛

---

1 . Rawls

2 .Rawls, J. (1971). A Theory of Justice. Cambridge, MA: Harvard University Press. P: 68.

مطالبه‌گری‌ای که سه ویژگی اساسی دارد: الف) اتکا به قانون الهی؛ ب) رعایت اخلاق در بیان مطالبه؛ ج) توجه به منافع عمومی، نه صرفاً منافع فردی.

این ویژگی‌ها، الگوی فاطمی را از بسیاری اشکال مطالبه‌گری هیجانی یا منفعت‌طلبانه متمایز می‌کند. در این الگو، مطالبه حق زمانی ارزشمند است که در خدمت اسلام، برپایی قسط و عدالت، حفظ کرامت انسان و اصلاح جامعه قرار گیرد.

در جامعه معاصر نیز یکی از مهم‌ترین آسیب‌های حوزه کنشگری اجتماعی، تبدیل مطالبه‌گری به رفتارهای احساسی، تخریبی یا مبتنی بر منافع گروهی است. سیرهٔ حضرت زهرا علیهاالسلام نشان می‌دهد مطالبه‌گری مؤثر، نیازمند آگاهی مبتنی بر حقیقت، منطق، پایبندی به اخلاق و توجه به پیامدهای اجتماعی است. بنابراین می‌توان عدالت‌خواهی را یکی از ارکان اصلی الگوی کنشگری اجتماعی زنان در سیرهٔ فاطمی دانست؛ اصلی که افزون بر دفاع از حقوق فردی، بر حفظ مصالح عمومی و صیانت از ارزش‌های اجتماعی نیز تأکید می‌کند.

عدل کن عدل که گفته‌اند حکیمان جهان　　مملکت بی‌مدد عدل نماند بر جای

٤. شجاعت اخلاقی؛ لازمهٔ کنشگری مسئولانه

یکی دیگر از مؤلفه‌های اساسی الگوی کنشگری اجتماعی حضرت فاطمه علیهاالسلام، شجاعت اخلاقی است. کنشگری اجتماعی زمانی معنا می‌یابد که فرد در دفاع از حقیقت و ارزش‌های اخلاقی، آمادگی پذیرش هزینه‌های اجتماعی را نیز داشته باشد؛ ازاین‌رو شجاعت اخلاقی را می‌توان یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های هر کنشگر اجتماعی دانست.

شجاعت در آموزه‌های اسلامی تنها به معنای دلاوری در میدان نبرد نیست، بلکه شامل پایداری در دفاع از حق، بیان حقیقت، مقابله با ظلم و مقاومت در برابر فشارهای اجتماعی نیز می‌شود. قرآن کریم مؤمنان را کسانی معرفی می‌کند که در راه خدا از سرزنش هیچ ملامتگری هراس ندارند: «**وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ**:[1] و از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای نمی‌ترسند». این آیه یکی از مهم‌ترین شاخص‌های کنشگری اجتماعی را استقلال اخلاقی و شجاعت در دفاع از حقیقت می‌داند.

بررسی سیرهٔ حضرت زهرا علیهاالسلام نیز نشان می‌دهد ایشان در شرایطی به دفاع از باورهای خود پرداختند که فضای اجتماعی و سیاسی زمانه، پذیرای این مواضع نبود. با وجود فشارهای

---

۱. مائده: ۵۴.

موجود، حضرت از بیان دیدگاه‌های خود دست نکشیدند و مسئولیت اجتماعی خویش را بر ملاحظات شخصی ترجیح دادند. نمونه‌های آن را می‌توان در دفاع از امام خویش در پشت درب خانه مشاهده کرد تا آن‌گاه که به همراه امام علی علیه‌السلام و فرزندانشان به درب خانه انصار و مهاجر می‌رفتند و از ایشان حمایت از ولایت علی علیه‌السلام را مطالبه می‌کردند تا آن زمانی که به بیان «خطبهٔ فدکیه» یا سخنرانی در جمع زنان مدینه اقدام کردند.

شجاعت اخلاقی از منظر علوم اجتماعی با مفهوم «رهبری اخلاقی» ارتباط نزدیکی دارد. براون[1] و همکاران او معتقدند رهبران اخلاقی کسانی هستند که حتی در شرایط دشوار، تصمیم‌های خود را بر اساس اصول اخلاقی اتخاذ می‌کنند و حاضرند هزینهٔ دفاع از ارزش‌ها را بپذیرند.[2]

شجاعت اخلاقی در الگوی فاطمی هرگز به معنای خشونت، تندروی یا تقابل غیرمنطقی نیست، بلکه به معنای «پایداری بر حق همراه با حفظ اصول اخلاقی، کرامت انسانی و منطق» است. این ویژگی یکی از مهم‌ترین تمایزهای کنشگری اسلامی با برخی الگوهای افراطی کنشگری اجتماعی به شمار می‌رود.

در جامعه امروز نیز زنان در عرصه‌های مختلف فرهنگی، علمی، اجتماعی و رسانه‌ای با موقعیت‌هایی روبرو می‌شوند که نیازمند شجاعت اخلاقی است؛ شجاعتی که به آنان قدرت می‌دهد در برابر بی‌عدالتی، فساد، تحریف حقیقت یا آسیب‌های اجتماعی، موضعی مسئولانه و مبتنی بر ارزش‌های دینی اتخاذ کنند، بی‌آنکه از چارچوب احترام، قانون و گفتگوی سازنده خارج شوند.

۵. عقلانیت و گفتگوی اقناعی؛ بنیان کنشگری اجتماعی در سیرهٔ حضرت فاطمه علیهاالسلام

یکی از ویژگی‌های برجستهٔ کنشگری اجتماعی حضرت زهرا علیهاالسلام، عقلانیت در تصمیم‌گیری و بهره‌گیری از گفتگوی اقناعی برای دفاع از حقیقت است. مطالعهٔ سیرهٔ ایشان نشان می‌دهد کنشگری اجتماعی در نگاه فاطمی، بر واکنش‌های هیجانی یا رفتارهای احساسی استوار نیست،

---

1. Brown

2. Brown, M. E., Treviño, L. K., & Harrison, D. A. (2005). "Ethical Leadership: A Social Learning Perspective for Construct Development and Testing." Organizational Behavior and Human Decision Processes, 97(2), 117-134.

بلکه بر پایه شناخت، استدلال، اقناع و گفتگوی منطقی شکل می‌گیرد. این ویژگی، الگوی کنشگری حضرت را از بسیاری اشکال کنشگری مبتنی بر احساسات یا تقابل صرف متمایز می‌کند.

عقل در اندیشه اسلامی یکی از مهم‌ترین منابع شناخت و از ارکان تکلیف انسان به شمار می‌رود. قرآن کریم در آیات متعددی انسان را به تعقل، تدبر و تفکر فرامی‌خواند و از کسانی که بدون اندیشه از دیگران پیروی می‌کنند، انتقاد می‌کند.[۱] بر همین اساس، تصمیم‌گیری اجتماعی نیز باید بر پایه عقلانیت و شناخت صحیح از واقعیت‌ها استوار باشد. بارزترین نمود این عقلانیت را می‌توان در «خطبهٔ فدکیه» مشاهده کرد. ساختار این خطبه نشان می‌دهد حضرت زهرا علیها السلام استدلال خود را با توحید آغاز می‌کنند؛ سپس به فلسفهٔ احکام، جایگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، تبیین نقش امامت، تحلیل وضعیت جامعه و درنهایت مسئلهٔ فدک می‌پردازند. این نظم منطقی نشان می‌دهد هدف حضرت علیها السلام فقط بیان اعتراض نبود، بلکه می‌کوشیدند با ایجاد چارچوب فکری منسجمی، مخاطبان را به بازاندیشی در وضعیت جامعه وادارند.

از منظر علوم ارتباطات، اقناع زمانی مؤثر است که پیام بر پایه اعتبار گوینده، استدلال منطقی و شواهد معتبر ارائه شود.[۲] در «خطبهٔ فدکیه» هر سه عنصر مشاهده می‌شود: شخصیت علمی و معنوی حضرت؛ استناد به قرآن و سنت؛ و چینش منطقی استدلال‌ها. این ویژگی‌ها موجب شده است «خطبهٔ فدکیه» نه‌تنها یک متن تاریخی، بلکه الگویی از ارتباط اقناعی در فرهنگ اسلامی باشد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت عقلانیت و گفتگوی اقناعی از ارکان اصلی الگوی کنشگری اجتماعی حضرت فاطمه علیها السلام است. این اصل نشان می‌دهد کنشگری مؤثر پیش از هر چیز نیازمند شناخت، تحلیل، استدلال و توانایی گفتگو با جامعه است. در شرایط کنونی که فضای عمومی تحت تأثیر سرعت انتقال اطلاعات، شبکه‌های اجتماعی و قطبی‌شدن گفتمان‌ها قرار دارد، بازخوانی این الگو می‌تواند به ترویج فرهنگ گفتگوی مسئولانه، نقد منصفانه و تعامل عقلانی در جامعه کمک کند.

---

۱. بقره: ۱۷۰؛ آل‌عمران: ۱۹۰-۱۹۱.

2 . Perloff, R. M. (2021). The *Dynamics of Persuasion* (7th ed.). Routledge.p: 85.

٦. پیوند مسئولیت خانوادگی و مسئولیت اجتماعی؛ ویژگی متمایز الگوی فاطمی

یکی از مهم‌ترین مباحث در مطالعات زنان، نسبت میان نقش‌های خانوادگی و مشارکت اجتماعی است. این دو نقش در برخی از رویکردهای معاصر در تعارض با یکدیگر معرفی می‌شوند؛ به گونه‌ای که تقویت یکی مستلزم تضعیف دیگری تلقی می‌شود؛ درحالی‌که سیرهٔ حضرت فاطمه زهرا علیها السلام الگویی متفاوت ارائه می‌دهد که در آن خانواده و جامعه دو عرصه کامل‌کننده و هم‌افزا هستند، نه دو حوزه متعارض.

حضرت زهرا علیها السلام در زندگی خانوادگی نمونهٔ کامل همسرداری، مادری و تربیت نسل به شمار می‌روند. روایات متعددی نشان‌دهندهٔ همراهی ایشان با امیرالمؤمنین علیه السلام، توجه به تربیت فرزندان، ساده‌زیستی و مدیریت خانواده است؛[1] با این وجود، همین شخصیت در مقاطع حساس اجتماعی، مسئولیت خود را در برابر جامعه نیز فراموش نمی‌کند و در دفاع از ارزش‌های دینی، روشنگری عمومی و عدالت‌خواهی حضوری فعالانه دارد. هم‌زمانی نقش‌ها نشان می‌دهد که از منظر سیرهٔ فاطمی، خانواده و جامعه در امتداد یکدیگر قرار دارند. خانواده نخستین کانون شکل‌گیری مسئولیت اجتماعی است و زن مسلمان می‌تواند با حفظ جایگاه خانواده، در اصلاح جامعه نیز نقش‌آفرینی کند. بنابراین مشارکت اجتماعی در اندیشه اسلامی به معنای فاصله‌گرفتن از خانواده نیست، بلکه ادامه همان رسالت تربیتی در سطح جامعه است.

از منظر علوم اجتماعی، این برداشت با نظریه «سرمایه اجتماعی» نیز تحلیل‌شدنی است. پاتنام،[2] سرمایه اجتماعی را حاصل شبکه‌های اعتماد، همکاری و مشارکت میان افراد می‌داند و معتقد است خانواده یکی از مهم‌ترین بسترهای تولید این سرمایه است.[3] کلمن[4] نیز بر نقش خانواده در انتقال هنجارها، اعتماد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأکید می‌کند. بر این اساس، تقویت خانواده نه مانعی برای مشارکت اجتماعی، بلکه زمینه‌ساز آن است.[5]

در مطالعات خانواده نیز پژوهشگران بر این نکته تأکید کرده‌اند که میان کیفیت روابط

---

۱. ر.ک به: گروهی از نویسندگان، دانشنامهٔ فاطمی.

2 . Putnam

3 .Putnam, R. D. (2000). Bowling Alone. Simon & Schuster

4 .Coleman

5. Coleman, J. S. (1988). "Social Capital in the Creation of Human Capital." American Journal of Sociology, 94, S95-S120.

خانوادگی و میزان مشارکت اجتماعی افراد، رابطه‌ای مثبت وجود دارد؛[1] ازاین‌رو خانواده‌ای که بر پایه اعتماد، گفتگو و مسئولیت‌پذیری شکل گرفته باشد، اعضایی تربیت می‌کند که در عرصه عمومی نیز مسئولانه‌تر عمل می‌کنند.

حضرت زهرا علیها السلام نخست در محیط خانواده، ارزش‌هایی چون ایثار، عدالت، کرامت و مسئولیت‌پذیری را تحقق می‌بخشند و هم‌زمان ارزش‌ها را به عرصه اجتماع گسترش می‌دهند. بنابراین خانواده در سیرهٔ فاطمی نه رقیب جامعه، بلکه خاستگاه کنشگری اجتماعی است. این اصل یکی از مهم‌ترین پیام‌های سیرهٔ حضرت زهرا علیها السلام برای جامعه معاصر است. در شرایطی که گاه میان نقش مادری، همسری و مشارکت اجتماعی تقابل ترسیم می‌شود، الگوی فاطمی نشان می‌دهد که با اولویت‌بندی صحیح، حفظ کرامت انسانی و مدیریت مسئولانه نقش‌ها، می‌توان میان این دو حوزه تعادل برقرار کرد. این تعادل نه‌تنها به استحکام خانواده آسیب نمی‌زند، بلکه مشارکت اجتماعی را نیز از پشتوانهٔ اخلاقی و فرهنگی عمیق‌تری برخوردار می‌کند.

کتابنامه

قرآن کریم

۱. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: کیهان، ۱۳۹۸ ش.

۲. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی ائمه، قم: انصاریان، ۱۳۸۲ ش.

۳. جوادی‌نیا، حسین، امر به معروف و نهی از منکر در آثار شهید مطهری، تهران: صدرا، ۱۳۹۳ ش.

۴. رودگر، نرجس و ناهید طیبی، «تحلیل نقش‌آفرینی زنان مسلمان در سیاست و جنگ در تاریخ اسلام و ایران معاصر بر اساس الگوی سوم زن مسلمان»، فصلنامه ره‌توشه، ش ۲۶، ۱۴۰۵ ش.

۵. ساروخانی، باقر، درآمدی بر جامعه‌شناسی، تهران: اطلاعات، ۱۳۹۰ ش.

۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.

۷. کاردوانی، راحله و معصومه نفیسی‌راد، «زمینه‌های مؤثر بر هویت زنان در ایران؛ مرور

1. Walsh, F. (2016). Strengthening Family Resilience (3rd ed.). Guilford Press. P:22.

نظام‌مند پژوهش‌های داخلی در دو دهه گذشته»، فصلنامه مطالعات زن و خـانواده، دورهٔ ۱۲، ش ۳۳، ۱۴۰۳ ش.

8. Brown, M. E., Treviño, L. K., & Harrison, D. A. (2005). Ethical leadership: A social learning perspective for construct development and testing. *Organizational Behavior and Human Decision Processes, 97*(2), 117–134.
9. Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. *American Journal of Sociology, 94*, S95–S120.
10. Freire, P. (1970). *Pedagogy of the oppressed*. New York: Continuum.
11. Giddens, A. (1984). *The constitution of society: Outline of the theory of structuration*. Berkeley: University of California Press.
12. Perloff, R. M. (2021). *The dynamics of persuasion: Communication and attitudes in the 21st century* (7th ed.). New York: Routledge.
13. Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. New York: Simon & Schuster.
14. Rawls, J. (1971). *A theory of justice*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
15. Walsh, F. (2016). *Strengthening family resilience* (3rd ed.). New York: Guilford Press.

فصلنامه علمی ـ تخصصی ویژه مبلغان
پاییز ۱۴۰۵ ـ فاطمیه ۱۴۴۸ ـ شماره ۲۷

خانوادهٔ فاطمی؛ الگوی عملی تحکیم خانواده در اسلام

راضیه مرزانی*

چکیده

این مقاله با محوریت زندگی خانوادگی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و امام علی علیه السلام، مؤلفه‌های تحکیم خانواده در اسلام و امکان بهره‌گیری از آنها در جامعهٔ معاصر را بررسی می‌کند. با استناد به آیات مودت و رحمت، روایات و گزارش‌های سیره، خانواده نهادی برای آرامش روانی، رشد معنوی و تربیت نسل معرفی و بر استواری پیمان ازدواج، حقوق متقابل زوجین و مسئولیت‌پذیری تأکید می‌شود. مؤلفه‌های الگو در پنج محور سامان می‌یابد: همدلی زوجین، شامل ابراز محبت کلامی و عملی، احترام متقابل و شناخت احوال روحی همسر؛ مسئولیت‌پذیری خانوادگی، در تقسیم کار منصفانه، قناعت، ساده‌زیستی، سخت‌کوشی و ایثار؛ وفاداری و تعهد دینی، بر مدار رضایت الهی و همراهی در مسئولیت‌های دینی؛ آراستگی و نظم محیط زندگی؛ و تربیت دینی فرزندان از راه محبت و بازی، عدالت میان فرزندان، پرورش روحیهٔ عبادی و آموزش عملی نوع‌دوستی. مقاله این مؤلفه‌ها را در سه بُعد عاطفی، رفتاری و معنوی تحلیل می‌کند و در بخش کاربردی، الگوپذیری از سیره را شناختِ روح و اصول رفتارها، نه تکرار صورت‌های تاریخی، می‌داند؛ ازاین‌رو ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل مستقل از امکانات گذشته قابل پیگیری است. آموزش این مؤلفه‌ها در مدارس و دانشگاه‌ها، کارگاه‌های مهارتی برای زوجین، ترویج قناعت و حمایت از نقش مادری از پیشنهادهای اجرایی آن است.

کلید واژه‌ها: خانواده؛ تحکیم خانواده؛ سیرهٔ فاطمی؛ همدلی؛ قناعت؛ تربیت دینی.

---

* دانش‌آموخته حوزه علمیه خواهران و کارشناس ارشد رشته مطالعات زن و خانواده.

مقدمه

خانواده در منظومهٔ فکری اسلام، نخستین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که کارکرد آن فراتر از تأمین نیازهای زیستی، شامل رشد معنوی، تربیت نسل و ایجاد آرامش روانی است. قرآن کریم خانواده را سبب سکون و محبت معرفی می‌کند: «**وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً**؛[1] و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودّت و رحمت قرار داد. در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکّر می‌کنند».

سیره عملی اهل‌بیت علیهم‌السلام به‌ویژه حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام، به‌مثابهٔ تجسم عینی آموزه‌های قرآنی، الگویی بی‌بدیل برای زندگی خانوادگی ارائه می‌دهد که می‌توان از این الگو در تمامی ابعاد زندگانی در نقش‌های والدینی و نیز همسری بهره گرفت. آن حضرت در دوران کوتاه زندگی مشترک با امام علی علیه‌السلام، چنان سیره‌ای در زندگی خانوادگی رقم زدند که خانهٔ ایشان به «خانواده الگو» برای تمامی اعصار و زمان‌ها تبدیل شد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز فاطمه علیهاالسلام را «پارهٔ تن من»[2] معرفی کرده‌اند؛ تعبیری که نشان‌دهندهٔ جایگاه والا و ویژهٔ ایشان در نظام تربیتی اسلام است.

مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که مؤلفه‌های تحکیم خانواده در سیره حضرت فاطمه علیهاالسلام کدام‌اند؟ و چگونه می‌توان از این الگو در شرایط کنونی جامعه بهره گرفت؟

۱. مبانی نظری: خانواده در قرآن و روایات

۱-۱. خانواده در قرآن

قرآن کریم خانواده را «میثاق غلیظ» می‌نامد: «**وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ**

---

۱. روم: ۲۱.

۲. روایت «بضعة منی» در منابع شیعه سند صحیح دارد و عالمان شیعه و اهل‌سنت آن را قطعی و متواتر می‌دانند. با توجه به دست‌کم هشت مورد از شأن صدور آن، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در این روایت جایگاه حضرت زهرا علیهاالسلام را نزد خدا و رسولش معرفی می‌کند، از آزار و اذیت «پاره تن» خود به‌شدت هشدار می‌دهد و میزان دشمنی آزاردهندگان آن حضرت را نشان داده است؛ محمد بن علی ابن‌بابویه (شیخ صدوق)، الامالی، ص ۱۷۴ - ۱۷۶ و ص ۵۷۴ - ۵۷۵؛ شاذان بن جبرئیل قمی، الروضة فی فضائل امیرالمؤمنین، ص ۱۵۶ و ۱۶۸؛ علی بن محمد خراز قمی رازی، کفایة الاثر، ص ۳۶ - ۳۸ و ص ۶۴ - ۶۵.

وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا:[۱] و چگونه آن را باز پس می‌گیرید، درحالی‌که شما با یکدیگر تماس و آمیزش کامل داشته‌اید؟ و [از این گذشته،] آنها [هنگام ازدواج،] از شما پیمان محکمی گرفته‌اند». این آیه نشان‌دهندهٔ استحکام و قداست پیوند ازدواج است. در آیهٔ ۳۴ سورهٔ «نساء» نیز مردان را «**قَوّامُونَ**» معرفی می‌کند: «**الرِّجَالُ قَوّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ:** مردان، سرپرست و نگهبان زنان‌اند». درواقع مردان مسئولیت سرپرستی و تأمین معاش را بر عهده دارند؛ اما این مسئله به معنای سلطه نیست، بلکه تقسیم کار بر اساس فطرت و مصلحت است.

در تفسیر نور در توضیح این آیه آمده است:

> قَوّام به کسی گفته می‌شود که تدبیر و اصلاح دیگری را بر عهده دارد. شرط سرپرستی و مدیریت، لیاقت تأمین و اداره زندگی است و به این جهت، مردان نه‌تنها در امور خانواده، بلکه در امور اجتماعی، قضاوت و جنگ نیز بر زنان مقدّم‌اند، "بِما فَضَّلَ اللّهُ"، "... وَ بِما أَنْفَقُوا" و به این خاطر نفرمود: "قوّامون علی ازواجهم"؛ زیرا که مسئلهٔ زوجیت مخصوص زناشویی است و خدا این برتری را مخصوص خانه قرار نداده است.[۲]

البته برخی زنان در توان بدنی یا درآمد مالی برترند؛ ولی در قانون و برنامه باید عموم را مراعات کرد، نه افراد نادر را.

آیهٔ ۲۱ سورهٔ «روم» هدف از ازدواج را سکون، مودت و رحمت می‌داند که تحقق آن نیازمند رفتارهای مبتنی بر محبت، احترام و درک متقابل است؛ «**وَمِنْ آياتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيهَا وَجَعَلَ بَينَكُمْ مَوَدّةً وَرَحْمَةً إِنّ فِى ذَلِكَ لآياتٍ لِقَوْمٍ يتَفَكّرُونَ:** و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودّت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکّر می‌کنند». قرآن همچنین بر رعایت حقوق متقابل زوجین تأکید می‌کند: «**وَلَهُنّ مِثْلُ الّذِى عَلَيْهِنّ بِالْمَعْرُوفِ:**[۳] و برای آنان همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته‌ای قرار داده شده است».

---

۱. نساء: ۲۱.

۲. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۲، ص ۶۱.

۳. بقره: ۲۲۸.

۱-۲. خانواده در روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «جهاد المرأة حسن التبعّل:[1] جهاد زن، همسرداری نیکوست». این روایت نشان می‌دهد نقش زن در تحکیم خانواده، هم‌سنگ جهاد در راه خداست. امام باقر علیه‌السلام دربارهٔ حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمودند: «**لَقد کانت مفروضَة الطاعةِ علی جمیع مَن خلق الله من الجنّ والإنسِ والطیر والوحش والانبیاء والملائکة:**[2] اطاعت از فاطمه علیهاالسلام بر تمامی آفریدگان خدا از جن و آدمیان و پرندگان و وحوش و پیامبران و فرشتگان واجب است»؛ این مقام نشان‌دهنده الگوبودن آن حضرت در همهٔ شئون از جمله خانواده است.

امام علی علیه‌السلام دربارهٔ زندگی مشترک با فاطمه علیهاالسلام فرمود:

> **فَوَاللّهِ ـ ما اَغْضَبْتُها وَ لا اَکْرَهْتُها عَلی اَمْرٍ حَتی قَبَضَهَا اللّهُ عَزَّوَجَلَّ اِلَیهِ وَ لا اَغْضَبَتْنی وَلا عَصَتْ لی اَمْرا. وَلَقَدْ کُنْتُ اَنْظُرُ اِلَیها فَتَنْکَشِفُ عَنِّی الْهُمُومُ وَ الأَحْزانُ:**[3] به خدا سوگند، هیچ‌گاه فاطمه علیهاالسلام را به خشم نیاوردم و او را بر کاری ـ که میل نداشت ـ وادار نکردم تا روزی که خداوند او را برد. و او نیز هیچ‌گاه مرا به خشم نیاورد و از فرمان من سرپیچی نکرد و هرگاه که به او می‌نگریستم، نگرانی‌ها و غم‌ها از من زدوده می‌شد.

این بیان نشان‌دهندهٔ رابطهٔ مبتنی بر احترام و محبت متقابل است. آنچه در زندگی مشترک، صفابخش خانه و خانواده است، محبّت دوجانبه و تفاهم است. زن و شوهر باید «شریک» غم و شادی و سختی و راحتی یکدیگر باشند و با توقّعات بی‌جا، سبب رنجش و زحمت هم نشوند و هر کدام مایهٔ انس و شادی دیگری باشند.

۲. الگوی تحکیم خانواده در سیرهٔ حضرت فاطمه علیهاالسلام

۲-۱. همدلی زوجین: محبت، احترام و درک متقابل

همدلی به معنای درک احساسات و نیازهای همسر و پاسخ‌دهی مناسب به آن است. همدلی در سیرهٔ فاطمی در چند جلوه نمایان است:

---

۱. محمد بن محمد ابن‌اشعث، جعفریات، ص ۶۷؛ نهج‌البلاغه، حکمت ۱۳۶، ص ۴۹۴. محمد بن علی ابن‌بابویه (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۶؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۰۷.

۲. محمد بن جریر طبری آملی، دلائل الامامة، ص ۲۸.

۳. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة، ج ۱، ص ۳۶۳.

الف) ابراز محبت کلامی

پیامبر اکرمﷺ در اهمیت این موضوع می‌فرماید: «سه چیز محبت شخص را درباره دیگری خالص می‌کند ...؛ یکی از آنها این است که طرف مقابل را به اسمی صدا بزند که وی می‌پسندد».[1] بر همین اساس حضرت فاطمهعليها‌السلام همسرش را با القاب محبت‌آمیز مانند «**یا اباالحسن**» یا «**یاابن عمّ رسول‌الله**» خطاب می‌کرد و می‌فرمود: «**روحی لروحک الفدا**: جانم فدای جان تو». استفاده از الفاظ محبت‌آمیز سبب ایجاد محیطی آکنده از صمیمیت می‌شود و زمینهٔ واکنش مناسب در همسر را فراهم می‌آورد.[2]

ب) احترام متقابل

وقتی برخی افراد در ماجرای سقیفه برای دلجویی به خانه ایشان آمدند، حضرت فاطمهعليها‌السلام با حفظ احترام همسرش فرمود: «**البیت بیتک و الحرة زوجتک**:[3] خانه، خانهٔ توست و من همسر توام؛ هرچه مایل‌اید، انجام دهید». این بیان نشان‌دهندهٔ احترام عمیق به جایگاه شوهر و تصمیم‌گیری اوست.

ج) درک احوال روحی همسر

امام علیعليه‌السلام می‌فرماید: «**فَوَاللّهِ ـ ما اَغْضَبْتُها وَ لا اَکْرَهْتُها عَلی اَمْرٍ حَتی قَبَضَهَا اللّهُ عَزَّوَجَلَّ اِلَیهِ وَ لا اَغْضَبَتْنی وَلا عَصَتْ لی اَمْرا. وَلَقَدْ کُنْتُ اَنْظُرُ اِلَیها فَتَنْکَشِفُ عَنِّی الْهُمُومُ وَ الأَحْزان**: به خدا سوگند، هیچ‌گاه فاطمهعليها‌السلام را به خشم نیاوردم و او را بر کاری ـ که میل نداشت ـ وادار نکردم تا روزی که خداوند او را برد. و او نیز هیچ‌گاه مرا به خشم نیاورد و از فرمان من سرپیچی نکرد و هرگاه که به او می‌نگریستم، نگرانی‌ها و غم‌ها از من زدوده می‌شد». این مسئله نشان‌دهندهٔ شناخت عمیق حضرت از احوال روحی همسر و توانایی او در ایجاد آرامش است.

فاطمهعليها‌السلام در مدت کوتاه زندگی خود با علیعليه‌السلام، حقیقت وجودی و احوال روحی او را می‌شناخت و زمانی که دیگران از فهم و درک رفتار علیعليه‌السلام ناتوان بودند، فاطمهعليها‌السلام آنها را راهنمایی می‌کرد.

---

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۴۳.

۲. حداد کفاح، قراءة فی السیرة الفاطمیة، ج ۱، ص ۳۶۷.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۲۹۷.

د) توجه بی‌قیدوشرط

در زندگی زناشویی، توجه کامل به همسر بدون حواس‌پرتی، از عوامل تقویت صمیمیت است. حضرت فاطمه علیها السلام با وجود مشغله‌های متعدد همچون تربیت فرزندان و خانه‌داری، همواره توجه ویژه‌ای به همسرش داشت و در لحظات مختلف زندگی، حامی و همراه او بود.

۲-۲. مسئولیت‌پذیری خانوادگی: تقسیم کار، قناعت و سخت‌کوشی

مسئولیت‌پذیری در خانواده به معنای پذیرش وظایف متناسب با توان و نقش هر کدام از اعضاست. از جمله این موارد در سیرهٔ فاطمی می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

الف) تقسیم کار منصفانه

پیامبر صلی الله علیه و آله کارهای داخل خانه را به فاطمه علیها السلام و کارهای بیرون را به علی علیه السلام واگذار کردند.

> **تَقاضی عَلِیٌّ وَفاطِمَةُ اِلی رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله فِی الْخِدْمَةِ، فَقَضی عَلی فاطِمَةَ علیها السلام بِخِدْمَتِها مادُونَ الْبابِ وَقَضی عَلی عَلِیٍّ علیه السلام بِما خَلْفَهُ ... فَقالَتْ فَاطِمَةُ علیها السلام: فَلایعْلَمُ ما دَخَلَنی مِنَ السُّرُورِ اِلاَّ اللّهُ بِاکْفائی رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله تَحَمُّلَ اَرْقابِ الرِّجالِ:**[1] علی و فاطمه علیهما السلام از پیامبر خواستند در تقسیم امور خانواده بین آن دو قضاوت کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز کارهای مربوط به درون خانه را برای فاطمه علیها السلام و کارهای بیرون خانه را برای علی علیه السلام تعیین کرد. پس حضرت زهرا علیها السلام فرمود: جز خدا کسی نمی‌داند که من چقدر از این تقسیم خوشحال شدم؛ زیرا از شانه‌به‌شانه‌شدن با مردان بیگانه نجات یافتم و مشکل برخورد با مردان نامحرم از دوشم برداشته شد.

ب) قناعت و ساده‌زیستی

جهیزیهٔ حضرت فاطمه علیها السلام بسیار ساده بود و وقتی چشمان مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن جهاز مختصر افتاد، سرش را به جانب آسمان بلند کرد و فرمود: «**اللَّهُمَ بَارِكْ لِقَوْمٍ جُلُ آنِيَتِهِمُ الْخَزَفُ:**[2] زندگی را بر کسانی که بیشتر وسایلشان گلی و سفالین است، مبارک گردان».

ایشان هرگز از کمبودها شکایت نکرد و با وجود فقر، همسرش را تحت فشار قرار نداد. سلمان فارسی می‌گوید: وقتی فاطمه علیها السلام با وضع آن چادر از خانه خارج شد، من به گریه افتادم و با خود گفتم: ای وای، دخترهای «قیصر» و «کسری » لباس‌های ابریشم و زربافت می پوشند؛

---

۱. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۳، ح ۲۵۳۴۱.

۲. محمد دشتی، فرهنگ سخنان فاطمه زهرا، ص ۱۳۹.

اما دختر پیغمبر صلی الله علیه و آله، چادر موئین با دوازده وصله بـه تـن می‌کنـد. وقتـی فاطمـه علیها السلام بـه حضـور پیغمبر صلی الله علیه و آله رسید، گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله، سـلمان از وضـع لبـاس مـن تعجـب می‌کنـد؛ بـه خدایی که تو را بر اساس حق مبعوث داشته است، اکنون پنج سال است که من و علی علیه السلام پوست گوسفندی داریم که شب برای فـرش از آن اسـتفاده مـی‌کنیم و روز آن را وسـیلهٔ علوفـه‌دادن شـتر قرارمی‌دهیم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای سلمان، این را بـدان کـه دختـر مـن از گـروه «سـابقین» است که به مقام والای «تقرب خدا» دست یافته است.[1]

ج) سخت‌کوشی

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «فاطمه به قدری با مشک آب‌کشی کرد که بر سینه‌اش اثر گذاشت و بـه قدری با آسیاب دستی آرد کرد تـا دسـت‌هایش مجـروح شـد و آن‌قـدر خانـه‌روبی کـرد و بـرای پخت‌وپز آتش زیر دیگ نهاد که لباس‌هایش گردآلود و دودی گردیـد؛ و در ایـن امـور زحمـت و رنج بسیار به او می‌رسید ...».[2] این سخت‌کوشی نشان‌دهندهٔ مسئولیت‌پذیری عمیـق ایشـان در قبال خانواده است.

در نقلی دیگر آمده است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به منزل حضرت علـی علیه السلام وارد شـد، او را دید که همراه فاطمه علیها السلام مشغول آسیاب‌کردن هسـتند، پیـامبر صلی الله علیه و آله فرمودنـد: «کـدام‌یک خسـته‌تر هستید؟» حضرت علی علیه السلام عرض کرد: فاطمه ای رسول‌خدا. پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمـه علیها السلام فرمودنـد: «دخترم برخیز» و فاطمه علیها السلام برخاست و پیامبر صلی الله علیه و آله به جای او نشست و بـا علـی علیه السلام در آردکـردن دانه‌ها یاری فرمود.[3]

د) ایثار و ازخودگذشتگی

در زندگی فاطمه علیها السلام نمونه‌های بارزی از ایثار در ارتباط با همسرش دیده می‌شود. روزی علی علیه السلام برای رفع گرسنگی شدید خود، غذایی را از همسرش طلب کـرد. زهـرا علیها السلام گفـت: خـود دو روز است که چیزی نخورده‌ام و هرچه در خانه بود، برای شما و فرزندان آوردم. علی علیه السلام فرمـود: چـرا مرا از این امر آگاه نکردی؟ زهرا علیها السلام پاسخ داد: از خدای خود شرم کردم که چیزی از تـو بخـواهم

---

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۴. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة، ج ۱، ص ۳۵۹.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج۴۳ و ۴۲ و ۸۲؛ مصطفی راستگو، بیت‌الاحزان، ص ۲۳.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج۴۳، ص۵۰ ـ ۵۱؛ مصطفی راستگو، بیت‌الاحزان، ص ۲۱.

که انجام آن برایت دشوار باشد.[۱]

۲-۳. وفاداری و تعهد دینی

وفاداری در سیره فاطمی، فراتر از تعهد عاطفی، تعهدی دینی و مبتنی بر رضایت خدا بود. حضرت فاطمه علیها السلام در انتخاب همسر، رضایت خدا و رسول را مقدم بر خواسته خود دانست و فرمود: «**رَضِيتُ بِمَا رَضِيَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ**».[۲]

ایشان هرگز همسرش را خشمگین نکرد و امام علی علیه السلام نیز فرمود: «به خدا سوگند، هرگز فاطمه را خشمگین نکرده است و بر هیچ کاری او را اکراه نکردم». این وفاداری تنها در بعد عاطفی نبود، بلکه در بعد سیاسی و اجتماعی نیز تجلی یافت. فاطمه علیها السلام در دفاع از ولایت علی علیه السلام، جان‌فشانی‌های بی‌نظیری کرد و در لحظات مختلف زندگی، حامی و همراه او بود.

۲-٤. آراستگی و نظم در محیط زندگی

حضرت فاطمه علیها السلام به آراستگی ظاهری و نظم در محیط زندگی توجه ویژه‌ای داشت. در روایات آمده است که ایشان خود خانه را جارو می‌زد و محیط زندگی را معطر نگه می‌داشت. لباس سفید به‌ویژه برای نماز از ویژگی‌های ایشان بود. این آراستگی نه‌تنها برای همسر، بلکه برای ایجاد محیطی پاک و معنوی در خانه بود.[۳]

۲-۵. تربیت دینی فرزندان

تربیت فرزند در سیرهٔ فاطمی بر پایهٔ محبت، عدالت و پرورش روحیه عبادی استوار بود:

الف) محبت و بازی با کودکان

حضرت فاطمه علیها السلام فرزندانش را «**قرة عینی**» و «**ثمرة فؤادی**» می‌نامید و با آنها هم‌بازی می‌شد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من کان عندهُ صبیٌ فلیتصابَ له:[٤] هر کسی کودکی دارد، باید با او کودکانه رفتار کند».

---

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۶۰؛ سیدمحمدکاظم قزوینی، فاطمه من المهد الی اللحد، ص ۲۵۴.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۴۹ ـ ۱۵۱.

۳. همان، ص ۱۳۰؛ موفق بن احمد خوارزمی، مناقب خوارزمی، ص ۳۵۰؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۶۹.

٤. محمد بن علی ابن‌بابویه (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۲.

فاطمه علیها السلام با فرزندش امام مجتبی علیه السلام بازی می‌کرد و او را بالا می‌انداخت و می‌فرمود: «**كَانَتْ فَاطِمَةُ علیها السلام تُرَقِّصُ ابْنَهَا حَسَناً علیه السلام وَ تَقُولُ: أَشْبِهْ أَبَاكَ يَا حَسَنُ * وَ اخْلَعْ عَنِ الْحَقِّ الرَّسَنَ * وَ اعْبُدْ إِلَهاً ذَا مِنَنٍ * وَ لَا تُوَالِ ذَا الْإِحَنِ**:[1] همانا فاطمه علیها السلام فرزندش حسن را تکان می‌داد و می‌گفت: حسن جان، مانند پدرت باش و ریسمان را از گردن حق بردار [حق را آزاد کن]. خدای احسان‌کننده را پرستش کن و با افراد دشمن و کینه‌توز دوستی [و رفاقت] مکن».

ب) پرورش روحیهٔ عبادی

ایشان کودکان را به نماز و عبادت تشویق می‌کرد و خود الگوی عملی عبادت بود. امام حسن علیه السلام می‌فرماید: شبی مادرم را دیدم که تا صبح به عبادت مشغول بود و مرتب مؤمنان و دیگران را دعا می‌کرد، درحالی‌که هیچ دعایی برای خود نمی‌کرد. پس خدمت ایشان عرض کردم: مادر چرا همان‌گونه که برای دیگران دعا می‌کنید، برای خودتان دعا نمی‌کنید؟ فرمود: فرزندم «الجار ثمّ الدار: ابتدا همسایه سپس خانه».[2]

ج) رعایت عدالت

در برخورد با فرزندان، عدالت را رعایت می‌کرد تا زمینهٔ حسادت و کینه فراهم نشود. روزی امام حسن علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و اظهار تشنگی کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله بی‌درنگ برخاست، ظرفی برداشت و از گوسفندی که داخل منزل بود، مقداری شیر دوشید و به امام حسن علیه السلام داد. در این هنگام حسین علیه السلام خواست ظرف شیر را از برادرش بگیرد؛ اما پیامبر به حمایت از امام حسن علیه السلام مانع گرفتن شیر شد. فاطمه علیها السلام که شاهد این ماجرا بود، به پیامبر گفت: گویا حسن علیه السلام برای شما عزیزتر از حسین است! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نه هر دو برایم عزیز و محبوب‌اند؛ ولی چون اول حسن علیه السلام تقاضا کرد، او را مقدم داشتم.[3] این سخن فاطمه علیها السلام نشان‌دهندهٔ اهتمام ایشان به رعایت عدالت بین فرزندان است.

د) پرورش روحیهٔ نوع‌دوستی

فرزندان فاطمه علیها السلام مواردی را شاهد بودند که مادرشان به مردم کمک می‌کرد و خود گرسنه

---

۱. محمد بن علی ابن‌شهرآشوب مازندرانی، مناقب آل‌ابی‌طالب (علیهم‌السّلام)، ج ۳، ص ۳۸۹.

2. محمد بن علی ابن‌بابویه (شیخ صدوق)، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۸۲.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۸۳.

می‌ماند و به قیمت گرسنگی خود دیگران را سیر می‌کرد.[۱] این رفتار، درس ایثار و نوع‌دوستی را به کودکان می‌آموخت.

۳. تحلیل روان‌شناختی - دینی سیرهٔ فاطمی

۳-۱. بُعد عاطفی

سیرهٔ فاطمی در بُعد عاطفی بر محبت، احترام و درک متقابل استوار است. تحقیقات روان‌شناختی نشان می‌دهد قدردانی از همسر، رابطهٔ صمیمی بین همسران را پایدارتر می‌کند و رضایت زناشویی را افزایش می‌دهد.[۲] حضرت فاطمه علیها السلام با ابراز محبت کلامی و عملی، این نیاز عاطفی همسرش را برآورده می‌کرد.

۳-۲. بُعد رفتاری

مسئولیت‌پذیری، سخت‌کوشی و قناعت را در بُعد رفتاری می‌توان از ویژگی‌های بارز سیره فاطمی دانست. این رفتارها نه‌تنها سبب تحکیم خانواده می‌شود، بلکه الگویی برای جامعه اسلامی است. تقسیم کار منصفانه بین زوجین از عوامل کاهش تعارض و افزایش رضایت زناشویی است.[۳]

۳-۳. بُعد معنوی

در بُعد معنوی، مواردی چون خدامحوری و رضایت الهی، شالودهٔ زندگی فاطمی است. ایشان در همه امور از انتخاب همسر تا تربیت فرزند، رضایت خدا را مقدم بر خواسته خود می‌دانست. این نگرش توحیدی سبب می‌شد سختی‌های زندگی بر ایشان آسان جلوه کند و در برابر مشکلات، صبر و استقامت نشان دهد.

٤. الگوی فاطمی در جامعهٔ معاصر

٤-۱. معاصرسازی سیرهٔ فاطمی

برخی افراد ممکن است باور داشته باشند که الگوگیری از شخصیت‌های تاریخی به دلیل تفاوت

---

۱. نمونه‌ای از این صفت را می‌توان در داستان نزول سورهٔ «انسان» مشاهده کرد.

۲. آمنه گنجیان و دیگران، «مدل ساختاری صمیمیت زناشویی بر اساس تحمل پریشانی و تمایزیافتگی: نقش میانجی کیفیت رابطه با خانواده همسر در زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره»، ص ۱۰۵.

۳. کاوه قبادی و دیگران، «تقسیم کار خانگی میان زوجین، عدالت ادراک‌شده از آن و رضایت زناشویی»، ص ۲۱۱.

زمان و مکان، امکان‌پذیر نیست؛ اما منظور از اسوه‌پذیری، تقلید کورکورانهٔ قالب‌های رفتاری نیست، بلکه درک حقیقت و روح این رفتارهاست؛ برای مثال جهیزیهٔ ساده حضرت فاطمه علیها السلام و زندگی بر روی پوست گوسفند در زمان ما تکرارناپذیر است؛ اما حقیقت این رفتارها، ساده‌زیستی و دوری از تجمل‌گرایی است که در همهٔ دوران‌ها اجراشدنی است.

٤-٢. کاربرد الگوی فاطمی در سیاست‌گذاری فرهنگی

الگوی فاطمی می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و آموزشی در راستای تحکیم خانواده باشد:

الف) گنجاندن سیرهٔ فاطمی در کتب درسی: آموزش مؤلفه‌های همدلی، مسئولیت‌پذیری و تربیت دینی در مدارس و دانشگاه‌ها؛

ب) طراحی کارگاه‌های آموزشی برای زوجین: برگزاری دوره‌های مهارت‌آموزی با محوریت سیرهٔ فاطمی؛

ج) ترویج ساده‌زیستی و قناعت: سیاست‌گذاری فرهنگی برای کاهش تجمل‌گرایی در مراسم ازدواج و زندگی روزمره؛

د) حمایت از نقش مادری: تقویت جایگاه مادر در خانواده و جامعه با الهام از سیرهٔ فاطمی.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج‌البلاغه

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبةالله، شرح نهج‌البلاغة، قم: مکتبة آیةالله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.

۲. ابن‌اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (اشعثیات)، تهران: مکتبة النینوی الحدیثة، [بی‌تا].

۳. ابن‌بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الامالی، قم: مؤسسة البعثة، ۱۴۱۷ ق.

۴. ــــــــــــــــــــــــــــــ، علل الشرائع، قم: کتاب‌فروشی داوری، ۱۳۸۵ ش.

۵. ــــــــــــــــــــــــــــــ، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.

۶. ابن‌شهرآشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل‌ابی‌طالب علیهم السلام، قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.

۷. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، قم: الشریف الرضی، ۱۴۲۱ ق.

۸. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق: مؤسسة آل‌البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث. قم: مؤسسة آل‌البیت لإحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق.
۹. خزاز قمی رازی، علی بن محمد بن علی، کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر، قم: انتشارات قم، ۱۴۰۱ ق.
۱۰. خوارزمی، موفق بن احمد، المناقب (مناقب امیرالمؤمنین علیه‌السلام)، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۱۱. دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت زهرا علیهاالسلام (نهج الحیاة)، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام، [بی‌تا].
۱۲. راستگو، مصطفی، بیت الاحزان، قم: کتابستان معرفت، ۱۴۰۰ ش.
۱۳. طبری آملی، محمد بن جریر، دلائل الامامة، قم: بعثت، ۱۴۱۳ ق.
۱٤. قبادی، کاوه و دیگران، «تقسیم کار خانگی میان زوجین، عدالت ادراک‌شده از آن و رضایت زناشویی»، خانواده‌پژوهی، دورهٔ ۷، ش ۲٦، ۱۳۹۰ ش.
۱۵. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
۱۶. قمی، شاذان بن جبرئیل، الروضة فی فضائل امیرالمؤمنین، قم: [بی‌نا]، ۱۴۲۳ ق.
۱۷. کفاح، حداد، قراءة فی السیرة الفاطمیة، کربلا: العتبه الحسینیه المقدس قسم الشؤون الفکریة و الثقافیة، ۱٤۳٦ ق.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
۱۹. گنجیان، آمنه و دیگران، ۱۴۰۴. «مدل ساختاری صمیمیت زناشویی بر اساس تحمل پریشانی و تمایزیافتگی: نقش میانجی کیفیت رابطه با خانواده همسر در زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره»، پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، دورهٔ ۱۵، ش ۵۸، ۱٤۰٤ ش.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، قم: دارالکتب الاسلامیة، [بی‌تا].

فصلنامه علمی ـ تخصصی ویژه مبلغان
پاییز ۱۴۰۵ ـ فاطمیه ۱۴۴۸ ـ شماره ۲۷

نقش حضرت زهرا سلام‌الله علیها در جنگ و جهاد

سیدمحمدعلی ذکری*

چکیده

این مقاله، با تمرکز بر جنگ نظامی، نقش حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام در جنگ و جهاد را بر اساس گزارش‌های تاریخی و روایات بررسی می‌کند. میان جهاد ابتدایی و دفاعی تمایز گذاشته می‌شود: مشارکت مستقیم زنان در جهاد ابتدایی واجب نیست، اما در جهاد دفاعی و در صورت نیاز ضرورت می‌یابد. بحث در چهار محور سامان یافته است: پشتیبانی پشت جبهه، حضور در جبهه، فعالیت پس از جنگ و حمایت معنوی از رزمندگان. در محور نخست، مدیریت خانه و تربیت فرزندان در غیاب امیرالمؤمنین علیه‌السلام، زمینه‌ساز حضور ایشان در میدان‌های جهاد معرفی می‌شود و ماجرای جنگ ذات‌السلاسل نمونهٔ این همراهی است. در محور دوم، حضور حضرت در احد، جنگ خندق و فتح مکه بررسی می‌شود: درمان جراحات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، شست‌وشوی شمشیرها، آماده‌سازی آذوقه و آب و برافراشتن خیمه، مهم‌ترین فعالیت‌های امدادی گزارش‌شده‌اند. محور سوم به سرکشی از بازماندگان شهیدان، زیارت منظم قبور شهدای احد و سوگواری برای شهیدانی چون حمزه و جعفر بن ابی‌طالب می‌پردازد و محور چهارم با نقل خاطرات دفاع مقدس، توسل رزمندگان و امدادهای غیبی منسوب به حضرت را مطرح می‌کند. حاصل آن است که نقش ایشان به حضور در میدان محدود نیست؛ بلکه خانواده‌داری، امدادرسانی، حمایت اجتماعی و پاسداشت یاد شهیدان را نیز دربرمی‌گیرد.

کلیدواژه‌گان: حضرت زهرا علیهاالسلام؛ جنگ و جهاد؛ امدادگری؛ پشتیبانی دفاعی.

---

* دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه قم.

مقدمه

«**یا أَیهَا الّذِینَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَکُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوِ انْفِرُوا جَمِیعًا:**[1] ای کسانی که ایمـان آورده‌ایـد، آمادگی خود را در برابر دشمن حفظ کنید و در گروه‌های متعدد یا بـه صـورت یـک گـروه [طبـق شرایط موجود به سوی دشمن] حرکت کنید». «حذر» به معنای بیداری، آماده‌باش و وسیلهٔ دفـاع است؛ «نفر» نیز به معنای کوچ و «ثبات» به معنای دسته‌ها و گروه‌هاست.[2] خداوند در آیـات ۷۱ تا ۷۵ سورهٔ «نساء» دربارهٔ جنگ و جهاد به مؤمنان دستور می‌دهد برای جهاد نظامی آماده باشـید و مانند منافقان از جنگ و جهاد نهراسید؛ سپس در آیهٔ ۷۶ می‌فرماید: «**فقاتِلوا أولیاء الشـیطان:** پس با یاران شیطان که دشمنان شما هستند، پیکار کنید و از آنها نهراسید». حضرت زهـرا علیها السلام نیـز بر اساس همین دستور خداوند، نقش بسزایی در جریان‌های سیاسی و اجتماعی داشتند؛ یکـی از نقش‌های ایشان، جهاد و مبارزه بود.

«جنگ» امری ترکیبی است و سه نوع جنگ اهمیت بیشـتری دارد: جنـگ شـناختی، جنـگ نظامی و جنگ رسانه‌ای.[3] آن حضرت در جنگ نظامی در سه حالت مؤثر بود: در پشت جبهـه و سنگر جامعه و خانواده؛ حضور در جبهه با تدارکات و پرستاری؛ و پـس از جنـگ بـا سرکشـی از بازماندگان و خانواده شهیدان و جانبازان؛ حتی پـس از زمـان حیـات خـود بـا توجـه خـاص بـه رزمندگان و شهیدان در طول هشت سال دفاع مقدس و جنگ‌های دیگر از جمله جنگ سی‌وسـه روزهٔ لبنان آنان را یاری می‌کردند.

در جنگ شناختی، با جهاد تبیین به دفاع از ولایت پرداختند و با توصیف شرایط و اقتضـائات زمانه و عملکرد مردم، به تبیین وظایف مردم دربارهٔ امر ولایت پرداختند.

آن حضرت در جنگ رسانه‌ای نیز بـا فعالیت‌هـایی ماننـد روشـنگری، افشـاگری و تحریـک عواطف، بینش و گرایش مردم را مخاطب قرار داد و متوجه وظایف خود گرداند. در این نوشتار به نقش حضرت زهرا علیها السلام در جنگ نظامی پرداخته می‌شود.

---

۱. نساء: ۷۱.

۲. محسن قرائتی، تفسیر نور، ذیل آیه.

۳. جنگ رسانه‌ای اخص از جنگ شناختی و همراه روش‌های رسـانه‌ای ماننـد افشـاگری اسـت؛ همچنـین عملیـات رسانه‌ای، میان‌مدت و با هدف تغییر تحلیل افراد است؛ اما جنگ شناختی، بلندمدت با تأثیرعمیق است.

در جهاد ابتدایی مشارکت مستقیم زنان در نبرد نظامی واجب نیست؛[۱] اما در جهاد دفاعی و در صورت نیاز، مشارکت زنان واجب است.[۲] منابع تاریخی، نمونه‌هایی از حضور زنان در جنگ‌های پیامبر را گزارش کرده‌اند؛ از جمله در جنگ احد، چهارده زن از جمله حضرت زهراعلیهاالسلام و عایشه به تهیهٔ آذوقه، رساندن آب و درمان مجروحان می‌پرداختند.[۳] این مقاله تنها به بیان جنگ و جهاد نظامی - هرچند در قالب امدادگری و پشتیبانی دفاعی - حضرت زهراعلیهاالسلام می‌پردازد و به سایر انواع جنگ‌ها پرداخته نمی‌شود.

الف) پشت جبهه

حضرت زهراعلیهاالسلام نقش مؤثری در پشت جبهه داشت؛ ایشان دو نقش خانوادگی و اجتماعی را در پشت جبهه ایفا می‌کرد. آن حضرت مدیریت خانه را بر عهده می‌گرفت تا امکان حضور امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام در جبهه فراهم شود. امام علی‌علیه‌السلام در زندگی مشترک خود با حضرت زهراعلیهاالسلام بیشتر اوقات مبارکش را در میدان‌های جهاد یا مأموریت های تبلیغی گذراند. در غیاب ایشان، همسر وفادارش فاطمه‌علیهاالسلام وظیفهٔ ادارهٔ خانه و تربیت فرزندان را بر عهده داشت و این کار را به بهترین وجه انجام می‌داد. حضرت زهراعلیهاالسلام با درک موقعیت امام علی‌علیه‌السلام و جنگ و جهاد ایشان، با انجام جهاد زنانه در پشت جبهه و مدیریت خانه، زمینهٔ شرکت امام علی‌علیه‌السلام در جهاد را فراهم می‌آوردند.

حبّ علی نتیجهٔ احسان فاطمه است — او هل اتای فاطمه، قرآن فاطمه است

اسباب شادی لب خندان فاطمه است — این مرد مهربان به خدا جان فاطمه است

۱. پشتیبانی در جنگ ذات‌السلاسل

پیامبر اکرم‌صلی‌الله‌علیه‌وآله سال هشتم هجرت حضرت علی‌علیه‌السلام را در ماجرای جنگ «ذات‌السلاسل» به سوی بیابان و ریگ‌زار یابس برای سرکوبی دشمن فرستاد. روایت شده است حضرت علی‌علیه‌السلام عصابه (دستمال) مخصوصی داشت که هرگاه به جنگ بسیار سختی می‌رفت، آن عصابه را بر

---

۱. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۷؛ حسن بن یوسف علامه حلی، تذکرة الفقهاء، ج ۹، ص ۱۲. از اهل‌سنت: عبدالله بن احمد ابن‌قدامة، المغنی، ج ۹، ص ۱۹۷.

۲. زین‌الدین بن علی شهید ثانی، مسالک الأفهام، ج ۳، ص ۸. جعفر بن خضر کاشف‌الغطاء، کشف الغطاء، ص ۳۹۵ - ۳۹۶.

۳. محمد بن عمر واقدی، کتاب المغازی، ج ۱، ص ۲۴۹.

سر می‌بست. در این سفر هم نزد فاطمه علیها السلام آمد و آن عصابه را طلبید.[۱] این گزارش تاریخی نشان‌دهندهٔ حضور فاطمه علیها السلام در صحنه‌های حساس در کنار همسرش و یاری ایشان بوده است.

ب) حضور در جبهه

جهاد و جنگ نظامی از وظایف مردان است؛ ازاین‌رو حضرت علی علیه السلام عهده‌دار آن بود و حضرت زهرا علیها سلام بیشتر نقش حمایتی داشت و در پشت جبهه با پذیرش مسئولیت خانواده و ترغیب اجتماعی، به وظیفهٔ خود عمل می‌کرد. البته حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در چند جنگ شرکت داشت و کارهای بسیاری از جمله پشتیبانی و فراهم‌آوردن امکانات جنگ همانند آماده‌سازی خیمه، تهیهٔ غذا و امدادگری را انجام می‌داد.

در نگاه ابتدایی ممکن است تصور شود هیچ‌یک از منابع معتبر تاریخی به حضور حضرت زهرا علیها السلام در صحنه‌های جنگ اشاره نکرده‌اند و تنها در جنگ احد آن هم پس از پایان جنگ، درحالی‌که هنوز مشرکان در منطقه احد بودند، ایشان حضور یافته است؛ درحالی‌که از بررسی منابع معتبر تاریخی به دست می‌آید ایشان در جنگ‌های متعدد حضور داشتند و به امدادگری و پشتیبانی دفاعی می‌پرداختند.

۱. شرکت در جنگ احد و امدادگری و آماده‌سازی وسایل جنگی

فاطمه علیها السلام همراه زنان مدینه در جنگ اُحد در شش‌کیلومتری مدینه حضور داشت. بر اساس گزارش‌های تاریخی و روایی، ایشان در امدادگری و آماده‌سازی وسایل جنگی کمک می‌کردند. در این نبرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله به‌شدّت زخمی شد و علی علیه السلام نیز جراحاتی برداشت. فاطمه علیها السلام خون از چهرهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شست و علی علیه السلام با سپر خود آب می‌ریخت. هنگامی که فاطمه علیها السلام مشاهده کرد خون بند نمی‌آید، قطعه حصیری را سوزانید و خاکستر آن را بر زخم پاشید تا خون بند آمد. آن روز پیامبر و علی علیه السلام شمشیرهای خود را به فاطمه علیها السلام دادند تا آنها را بشوید.[۲]

۲. شرکت در جنگ خندق و پخت نان

بر اساس گزارش‌های تاریخی، حضرت فاطمه علیها السلام در نبرد خندق به کنار خندق می‌آید و برای پیامبر صلی الله علیه و آله که چند روز گرسنه بودند، غذای ساده‌ای تهیه می‌کند که از قرص نانی تجاوز نمی‌کرد. ایشان نانی را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بردند؛ پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: این چیست؟ فاطمه علیها السلام پاسخ داد:

---

۱. محمد بن محمد بن نعمان شیخ مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۱۴۶ ـ ۱۴۷.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۹۶؛ ابی‌الفداء اسماعیل بن کثیر، السیرة النبویه، ج ۳، ص ۵۸.

نان پختم، دلم آرام نگرفت تا برایتان آوردم. پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: این اوّلین غذایی است که پس از سه روز در دهان می‌گذارم.[۱]

۳. شرکت در فتح مکه

فاطمه زهراعلیهاالسلام در فتح مکّه نیز حضور داشت و دست‌کم دو کار پشتیبانی و قاطعیت در امر جهاد را انجام داد. ایشان هنگام فتح مکه، برای پیامبر خیمه می‌زنند، آب برای شستشو و غسل آماده می‌کند تا گردوغبار از تنش بشوید و لباس پاکیزه‌ای بپوشد و رهسپار مسجد الحرام شود.[۲]

امّهانی، خواهر علی‌علیه‌السلام می‌گوید در روز فتح مکّه دو نفر از خویشان مشرک شوهرم را پناه دادم و هنوز آنها در خانه‌ام بودند که ناگهان برادرم علی‌علیه‌السلام درحالی‌که سواره و زره‌پوش بود، پیدا شد و به طرف آن دو تن شمشیر کشید. میان او و ایشان ایستادم و گفتم: اگر بخواهی آن دو را بکشی، باید مرا هم پیش از آنها بکشی! علی‌علیه‌السلام بیرون رفت، درحالی‌که چیزی نمانده بود آنها را بکشد. من خود را به خیمهٔ رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله در بطحا رساندم و آن حضرت را پیدا نکردم؛ ولی فاطمه‌علیهاالسلام را دیدم و ماجرا را برایش گفتم؛ اما دیدم فاطمه‌علیهاالسلام از همسر خود قاطع‌تر است و با تعجّب گفت: تو هم باید مشرکان را پناه دهی؟ در این هنگام رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله رسید و از ایشان برای آن دو امان طلبیدم. پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله به آنان امان داد، سپس به فاطمه‌علیهاالسلام فرمود که برای او آب فراهم کند تا شستشو نماید.[۳] این جریان به‌خوبی نشان‌دهندهٔ جبهه‌گیری حضرت زهراعلیهاالسلام در برابر دشمن است.

ج) پس از جنگ

حضرت زهراعلیهاالسلام پس از جنگ افزون بر سرکشی به خانوادهٔ شهیدان، بر مزار شهیدان نیز حاضر می‌شد. گزارش‌های گوناگونی دراین‌باره ارائه شده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱. سرکشی از خانوادهٔ شهیدان

حمزه سیدالشهدا، عموی پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله در نبرد احد به شهادت رسید. پس از نبرد، صفیه خواهر

---

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۲۴۵؛ ابوعبدالله محمد بن سعد بن منیع، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۴۰۰.

۲. ابوعبدالله محمد بن سعد بن منیع، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۴۲.

۳. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۶۳۵.

حمزه به اتّفاق فاطمه علیها السلام کنار پیکر مثله‌شده قرار گرفت و شروع به گریستن کرد. فاطمه علیها السلام نیز می‌گریست و پیامبر صلی الله علیه و آله هم با او گریه می‌کرد و خطاب به حمزه می‌فرمود: «هیچ مصیبتی مثل مصیبت تو به من نرسیده است». آن‌گاه خطاب به صفیه و فاطمه علیهما السلام فرمود: «مژده باد که هم اکنون جبرئیل به من خبر داد که در آسمان‌های هفت‌گانه، حمزه شیر خدا و شیر رسول خداست». پس از نبرد اُحد، فاطمه زهرا علیها السلام تا زنده بود، هر دو ـ سه روز یک بار به زیارت شهیدان احد می رفت. در روایتی می‌خوانیم: «**إِنَّ فَاطِمَةَ علیها السلام كَانَتْ تَأْتِي قُبُورَ الشُّهَدَاءِ فِي كُلِّ غَدَاةِ سَبْتٍ فَتَأْتِي قَبْرَ حَمْزَةَ وَ تَتَرَحَّمُ عَلَيْهِ وَ تَسْتَغْفِرُ لَهُ**».[1]

۲. زیارت قبور شهیدان احد

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «**عَاشَتْ فَاطِمَةُ علیها السلام بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله خَمْسَةً وَ سَبْعِينَ يَوْماً لَمْ تُرَ كَاشِرَةً وَ لَا ضَاحِكَةً تَأْتِي قُبُورَ الشُّهَدَاءِ فِي كُلِّ جُمْعَةٍ مَرَّتَيْنِ- الْإِثْنَيْنِ وَ الْخَمِيسَ فَتَقُولُ: هَاهُنَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ هَاهُنَا كَانَ الْمُشْرِكُونَ**:[2] جده‌ام فاطمه علیها السلام بعد از پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله، فقط هفتادوپنج روز زندگی کرد. بعد از پدرش کسی او را شاد و خندان ندید. هر هفته روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه به مقبره شهیدان احد می‌رفت و با یادآوری صحنه‌های جنگ احد می‌گفت: پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله در اینجا موضع گرفته بود و مشرکان در اینجا صف کشیده بودند».

۳. عزاداری و گریستن برای شهیدان

در نبرد موته، جعفربن ابی‌طالب به شهادت رسید. پیامبر صلی الله علیه و آله به خانه وی در مدینه رفت و همسر و فرزندانش را دلداری داد و از آنجا به خانه فاطمه علیها السلام رفت. حضرت فاطمه علیها السلام می‌گریست؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بر مثل جعفر باید گریه‌کنندگان بگریند».[3]

د. حمایت حضرت زهرا علیها السلام از رزمندگان

حمایت از رزمندگان منحصر در زمان حیات حضرت زهرا علیها السلام نبود، بلکه ایشان پس از شهادت نیز در نبردها به رزمندگان مدد می‌رساند که این امور از معجزات آن حضرت به شمار می‌آید. در ادامه به دو نمونه از امدادهای غیبی از سوی ایشان اشاره می‌شود.

---

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۰، ح ۱۳؛ همو، جلاءالعیون، ج ۱، ص ۱۵۴.

۲. سیدمحسن امین عاملی، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۳۱۹.

۳. سیدهاشم معروف الحسنی، سیرة المصطفی، ج ۲، ص ۲۵۵.

۱. دفاع مقدس

رزمندگان اسلام در تنگناهای سخت جنگ و در کوران آتش دشمن، تنها راه چاره را در توسل به ساحت قدسی مادر ساداتعلیهاالسلام می‌یافتند و قفل درهای بسته و رمز عبور از راه‌های دشوار را تنها با کلید توسل و اشک باز می‌کردند. در احوالات فرماندهٔ شهید عبدالحسین برونسی نوشته‌اند: شب عملیات، نزدیک خاکریز عراقی‌ها به میدان مین رسیدند. هرچه می‌گشتند، معبر را پیدا نمی‌کردند. شهید عبدالحسین برونسی سردرگم بود و چهل ـ پنجاه متر آن طرف‌تر یک گردان نیرو منتظر دستورش. می‌گفت: «متوسل شدم به حضرت زهراعلیهاالسلام، دلم شکست، گریه‌ام گرفت. نمی‌دانم چند دقیقه گذشت، بی‌اختیار دستور حمله را صادر کردم. آن شب حتی یک مین هم عمل نکرد. چند روز بعد، سه نفر از بچه‌ها رفتند طرف همان میدان مین. پای یکی از آنها بر اثر انفجار مین قطع شد. میدان پر بود از مین‌های ضدنفر. کلاه‌هایشان را که پرتاب می‌کردند، مین‌ها منفجر می‌شدند».[1]

۲. جنگ ۳۳روزه لبنان

سردار شهید قاسم سلیمانی در خاطرات خود می‌گوید: از روز بیست‌وهشتم، جنگ بالعکس شد. ما از این صحنه‌ها در دفاع مقدسمان زیاد دیدیم؛ از عوامل برحق‌بودن خودمان در جنگ، روحیاتی که از رزمندگانمان بروز می‌کرد که بیشتر شباهت به حالت سیروسلوک داشت و برداشتن حجاب‌ها. سخنانی می‌گفتند ورای حجاب‌ها و پرده‌ها. در آن کوران سخت جنگ یکی از برادران حزب‌الله که اهل تدین و تشرع بود و مسئول هم بود، در حالتی که به تعبیر خودش حالت خواب نبود، گفت دیدم یک بانویی با دو بانوی دیگر در کنارش آمدند. در عالم خواب حس کردم ایشان حضرت زهراعلیهاالسلام است. به عربی به او گفتم ببین وضعیت ما را که چگونه است؟ حضرت فرمود: درست می‌شود. مُصرّ بودم از ایشان چیزی بگیرم. ایشان دو مرتبه فرمودند: درست می‌شود و وقتی اصرار من را دیدند، یک دستمالی را تکان دادند و فرمودند تمام شد. یک لحظه بعد یک هلیکوپتر اسرائیلی با موشک زده شد و بعد از آن سقوط رژیم شروع شد؛ یعنی زدن تانک‌ها و ... . پیروزی حزب‌الله لبنان نقطهٔ عطف و نقطهٔ پایانی شد بر تصور هجوم رژیم صهیونیستی بعد از آن به لبنان. و این تصور تا به امروز وجود دارد و به نظرم به سادگی این تصور غیر قابل رفع است. بعد از جنگ سی‌وسه روزه، استراتژی بن گورین در جنگ

---

۱. سعید عاکف، خاک‌های نرم کوشک، ص ۱۰۱.

پیش‌دستانه و استراتژی هجومی رژیم صهیونیستی آرام‌آرام تبدیل شد فقط به استراتژی دفاعی.[۱]

در پایان ذکر این نکته سزامند است که که برخی امور بر اساس روایات در زمرهٔ جهاد زن دانسته شده است و در زمانی که جهاد نظامی نیست، باز هم زنان می‌توانند با انجام این امور در هر زمانی در حال جهاد باشند و این یکی از برجستگی‌های جهاد زنان است:

۱. شوهرداری نیکو: امام کاظم علیه‌السلام جهاد زن را نیکوشوهرداری دانسته است.[۲]

۲. تحمل همسر: امام باقر علیه‌السلام جهاد زن را تحمل در برابر آزار همسر معرفی کرده است.[۳]

۳. خانه‌داری: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله ارزش کارهای خانه را همانند جهاد دانسته است.[٤]

٤. بارداری: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «زن باردار پاداشی همانند جهادگران دارد و با زایمان آمرزیده می‌شود».[٥]

کتابنامه

۱. ابن‌قدامه، عبدالله بن احمد، المغنی، قاهره: مکتبة القاهرة، ۱۳۸۸ ق.

۲. ابن‌کثیر، ابی‌الفداء اسماعی، السیرة النبویه، بیروت: دارالمعرفة، ۱۳۹۶ ق.

۳. امین، سیدمحسن، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ١٤٠٣ ق.

۴. حسنی، هاشم معروف، سیرة المصطفی، ترجمه: حمید ترقی‌جاه، تهران: حکمت، ۱۴۱۲ ق.

۵. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، مسالک الأفهام، قم: مؤسسة المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۳ ق.

۶. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ ق.

۷. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ترجمهٔ سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: اسلامیه، [بی‌تا].

۸. عاکف، سعید، خاک‌های نرم کوشک، مشهد: کاتبان، ۱۳۸۴ ش.

۹. علامه حلی، حسن بن یوسف، تذکرة الفقهاء، قم: مؤسسة آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۱۴ ق.

۱۰. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین، قم: انتشارات رضی، ۱۳۷۵ ش.

۱۱. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.

---

1. https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=43598.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۰۷.

۳. همان، ص ۹.

٤. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۷۶.

٥. محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۶۱۸.

۱۲. کاتب واقدی، ابوعبدالله محمد بن سعد بـن منیـع، الطبقـات الکبـری، بیـروت: دارصـادر، [بی‌تا].
۱۳. کاشف‌الغطاء، جعفر بن خضر، کشف الغطاء، اصفهان: انتشارات مهدوی، [بی‌تا].
۱٤. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱٤۰۷ ق.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دارالکتب العربیه، ۱۴۰۴ق.
۱۶. ـــــــــــــ جلاءالعیون، قم، سرور، ۱۳۸۲ ش.
۱۷. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، بیروت: دارإحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۱۸. واقدی، ابوعبداللّه محمد بن عمر، المغازی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعـات، ۱۴۰۹ ق.